



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

## ولی و ولایت در قرآن کریم ( رساله ماستری )

محصله: حلیمه حلیمی

استاد راهنما: پوهاند دکتور عبدالباری حسینی

سال: 1401 هـ ش



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

## ولی و ولایت در قرآن کریم

( رساله ماستری )

محصله : حلیمه حلیمی

استاد راهنما: پوهاند دکتور عبدالباری حمیدی

سال: 1401 هـ . ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

## تصدیق نامه

محترمه بی بی حلیمه بنت حبیب الله: ID نمبر SH-MST-97-396 محصله دور چهارم تفسیر و حدیث  
 که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: ولی و ولایت در قرآن کریم  
 به روز شنبه ۱۳/۱۲/۱۳۹۹ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس  
 بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۵ (نمره به عدد) لویه و جلیح (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور نصرمن الله مجاهد	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالرحمن شاه	عضو هیات	
۳	دکتور عبدالباری حمیدی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

## اهدا

ثواب این اثر علمی را که به نیت خدمت به دین اسلام و مسلمانان انجام شده است برای والدین گرامی ام که در پرورش جسمی و تربیة دینی من همه راحت های خود را قربان نموده و برای سعادت و خوش بختی ام از دوران طفولیت تا این دم سعی و تلاش نموده اند اهدا مینمایم و همچنان برای استادان محترم ام که به حیث پدر معنوی در تحقق رویا هایم زحمت زیادی کشیدند اهدا نموده و برای ایشان سعادت دنیا و آخرت را آرزو داشته و از خداوند متعال میخواهم اجر آن را در نامه حسنات همه آنها محسوب نماید.

## سیاس گزارى

به مقتضای این فرموده الله متعال: رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ<sup>1</sup>. ذات اقدس و بی همتا را سیاس گزارم که برایم توفیق بخشید که در راه خدمت گزاران به دینش قرار گرفتم و توفیقم بخشید که از دوره تحصیلی ماستری با اتمام رسانیدن رساله تحقیقی موضوع "ولی و ولایت از نظر قرآن کریم" فارغ گردیدم.

جا دارد با امتثال از این فرموده الله متعال: وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ<sup>2</sup>. وبا اتباع از این ارشاد نبی کریم "صلی الله علیه وسلم" که فرموده اند: « لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ »<sup>3</sup>.

از وزارت محترم تحصیلات عالی امارت اسلامی افغانستان که زمینه تحصیلات عالی را در کشور ما مهیا ساخته اند تشکری مینمایم، و متعاقبا از بنیان گزاران و مسئولین محترم پوهنتون سلام، اعضای اداری، تمام دست اندرکاران این اداره علمی که در راستای فراهم نمودن زمینه های تحصیلی زحمات زیادی را متقبل شده اند، سیاس گزارى نمایم.

هم چنان از استاد رهنمایم دکتور عبدالباری حمیدی که سمت استاد راهنما را در تهیه رساله ام عهده دار بودند و از رهنمایی های سودمند ایشان در تهیه این رساله و از اندوخته های علمی شان در جریان درس خیلی ها مستفید شدم قلبا اظهار سپاس و امتنان می نمایم.

هم چنان از استادان محترم هیأت مناقشه" محترم استاد دکتور ( نصرمن الله مجاهد ) و محترم استاد دکتور ( عبدالرحمن شاه ) که زحمت خواندن و مناقشه این رساله را پذیرفتند، قلبا سپاس گزارم.

در پایان از تمام استادان محترم برنامه ماستری پوهنتون سلام که از اندوخته های علمی ایشان خیلی ها بهره مند گردیدم به صورت فردی و جمعی نیز سپاس گزارم.

واسأل الله عز وجل أن يجعل هذا العمل في ميزان حسناتنا ، وهو الهادي الى سواء السبيل .

حلیمه حلیمی

<sup>1</sup>- سوره نمل، 19/

<sup>2</sup>-سوره لقمان، 12/

<sup>3</sup>- أخرجه ابو داود في السنن، كتاب الادب، باب في شكر المعروف ج 12/ص 336 والترمذی في السنن، كتاب البر والصلة باب ماجاء في الشكر لمن احسن إليك ج 7/ص 210 وقال: هذا حديث حسن صحيح.

### خلاصه

موضوع تحقیق که " ولی و ولایت از نظر قرآن کریم " می باشد از حیث جزئیات و مفهوم در منابع و کتب تفاسیر، کتب عقیده و کتب معتمد علمی دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. - " ولی " ویا صاحب ولایت، همان فرد مؤمن و متقی است که همواره در پرتو ایمان زندگی اش را سپری نموده و بر فرایض و واجبات پایبند بوده و از حرام و منهیات اجتناب می ورزد. و مراد از " ولایت " رسیدن به درجه کمال طاعت و بنده گی خداوند متعال می باشد. - هم چنان ولایت همانا تقوا و عمل به مقتضای ایمان و اتباع از قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم می باشد.

در تحقیق روی مفاهیم و صداقات هر دو واژه ( ولی و ولایت ) با استدلال از آیات قرآن کریم و با استناد به دیدگاه های مفسرین بحث شده است. اهمیت این دو واژه ( ولی و ولایت ) در این است که به امر عقیده و ایمان ارتباط داشته و رابطه بنده را با خالقش تنظیم میکند، و ولایت راه رسیدن به تقوا و خدا ترسی بوده و نیز ولایت سپری است در برابر وسوسه های شیطانی. مقصد اصلی تحقیق همانا معرفی ولی و ولایت در پرتو قرآن کریم می باشد.

### هدف تحقیق :

- انجام خدمت در راستای دعوت که یک وجبیه و مکلفیت دینی است، با بحث روی یکی از موضوعات مهم دینی و قرآنی.

- هدایت به راه راست و رسیدن به مقام ولایت بدون امثال به اوامر الهی ممکن نخواهد بود باید هر فرد مسلمان هدف زنده گی دینی و دنیایی خود را طبق رهنمود های الله متعال و پیغمبرش تنظیم نماید آنچه رسول الله صلی الله علیه و سلم آورده است با خود لازم بگیرد و از آنچه منع نموده است اجتناب نماید و لو اینکه در قرآن کریم هم نباشد .

- با پرداختن به این گونه مسائل به دلیل نبود کارهای تحقیقی در این زمینه که یکی از نیازمندی های مبرم جامعه ما است در حد توان مرفوع خواهد شد.

**روش و شیوه تحقیق:** موضوع به صورت تحلیلی و موضوعی در نصوص شرعی و کتب معتمد دیگر به شکل محوری و شیوه نظری بررسی شده است و از کتب معتمدی که منابع این تحقیق را تشکیل میدهند استفاده شده است.

**نتایج متوقعه از این تحقیق :** با بررسی مسائل ذکر شده می توان به این نتیجه رسید که دین مقدس اسلام فقط به هدایت، فلاح و رستگاری انسان احترام گذاشته است و دین رحمت و رأفت است، دساتیر و رهنمودهایش در تمام ابعاد زندگی و زمینه های متنوع بافلاح و رست گاری انسانها در یک مسیر مستقیم استوار می باشد.

- ولایت رابطه بنده با خالق بوده که از عقیده آغاز و به عمل منتهی میشود یعنی ولی الله کسی است که به عقیده توحید ثابت و استوار بوده، به خواسته های ایمان عمل میکند و از امور منافی ایمان اجتناب می نماید.

## فهرست عناوین

مقدمه ..... ا

## فصل اول

## کلیات و مفاهیم

- 2.....مبحث اول مفهوم ولی و ولایت در لغت و اصطلاح
- 2.....مطلب اول- مفهوم ولی در لغت:
- 3.....مطلب دوم- تعریف اصطلاحی ولی:
- 4.....مطلب سوم- معانی ولی در قرآن:
- 7.....مطلب چهارم -مفهوم ولایت در لغت :
- 8.....مطلب پنجم- تعریف اصطلاحی ولایت :
- 9.....مبحث دوم انواع و اقسام ولی و ولایت در قرآن کریم
- 9.....نوع اول-ولایت(دوستی) خداوند با مؤمنین:
- 11.....نوع دوم- ولایت (دوستی) مؤمنین با یکدیگر:
- 12.....نوع سوم- ولایت (دوستی) کفار و منافقین با یکدیگر:
- 17.....مبحث سوم کار برد لفظ ولی و ولایت، و مشتقات آن در قرآن کریم
- 17.....مطلب اول- کار برد لفظ ولی و ولایت در قرآن کریم:
- 20.....مطلب دوم - مشتقات لفظ ولی و ولایت در قرآن کریم:

## فصل دوم

## اولیاء الرحمن در قرآن کریم

- 23.....مبحث اول اولیاء الرحمن، صفات، جایگاه و اهمیت آنها در قرآن کریم
- 23.....مطلب اول- صفات اعتقادی و عملی اولیاء الرحمن در قرآن کریم:
- 35.....مطلب دوم- مواصفات اخلاقی اولیاء الله:
- 40.....مطلب سوم-جایگاه انبیاء و اولیاء و تفاوت‌هایشان:
- 44.....مبحث دوم اقسام اولیاء الرحمن، مراتب و تفاضل میان آنها در قرآن کریم
- 44.....مطلب اول - اقسام اولیاء الرحمن در قرآن کریم:
- 45.....مطلب دوم - مراتب و تفاضل میان اولیاء الرحمن در قرآن کریم:
- 48.....مبحث سوم اسباب کسب ولایت الهی و آثار آن در قرآن کریم
- 49.....مطلب اول- اسباب اعتقادی و قلبی کسب ولایت در قرآن کریم:
- 54.....مطلب دوم- آثار و نتایج ولایت الهی در قرآن کریم:

## فصل سوم

## اولیاء الشیطان در قرآن کریم

- 57.....مبحث اول اولیاء الشیطان و صفات آنها در قرآن کریم
- 57.....مطلب اول- تعریف شیطان:
- 58.....مطلب دوم - معرفی اولیاء الشیطان از دیدگاه قرآن کریم:
- 59.....مطلب سوم - صفات اولیاء الشیطان در قرآن کریم:



71.....	مبحث دوم اسباب ولایت شیطان، آثار و نتایج آن در قرآن کریم
71.....	مطلب اول- اسباب ولایت شیطان در قرآن کریم:
72.....	مطلب دوم - آثار و نتایج ولایت شیطان در قرآن کریم:
84.....	خاتمه و نتایج بحث
87.....	فهرست آیات قرآن کریم (به ترتیب سوره ها)
102.....	فهرست احادیث
104.....	فهرست اعلام
105.....	فهرست منابع

## مقدمه

الحمد لله هو الولیّ المستعان، والهادی الى الصراط السویّ و طریق الهدی، والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله و اصحابه و من والاه.

اما بعد: الله متعال بنده گانش را مورد رحمت خویش قرار داده و از شیطان، راه ها و اهداف وی آنها را آگاه گردانیده است و دستور داده که شیطان دشمن دیرینه شما است، آنرا به دشمنی بگیرید، هم چنان الله متعال مؤمنان را در تمام عرصه های زنده گی کمک و یاری رسانیده و ولایت خویش را منحصر به یک گروه خاص نگردانیده بلکه همه مؤمنان را مستحق این ولایت دانسته و فرموده است: ( وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ )<sup>1</sup>.

**ترجمه:** و خداوند سرپرست و یاور مؤمنان است.

و همچنان اثر این ولایت را چنین بیان نموده فرموده است: ( اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ )<sup>2</sup>.

**ترجمه:** خداوند متولی و عهده دار (امور) کسانی است که ایمان آورده اند. ایشان را از تاریکی های بیرون می آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می شود.

در زنده گی پیامبران که نتایج ولایت الله متعال را به خوبی میتوانیم مشاهده نمائیم که در همه بخش ها با تحمل سختی ها در برابر دشمنان موفقیت را بدست آورده و به رستگاری رسیده اند.

قابل ذکر است که نتیجه ولایت الله متعال در زنده گی صحابه کرام هم بشکل واضح مشاهده میگردد که در غزوات با تعداد اندک در برابر سپاه های بزرگ غالب گردیده غنیمت های زیادی را بدست می آوردند. علاوه بر آن فروانروایی زمین را الله متعال از کفار سلب نموده در تحت ملکیت آنها قرار داد که امپراطوری فارس و روم را شکست داده اسلام را به همه جهان رساندند.

ثمره این ولایت را در زنده گی علماء هم میتوانیم مشاهده نمائیم که شبها و روزها عمر خود را در درس و تدریس، تالیف و نوشتن کتب، دعوت دیگران به دین صرف کردند. در حالیکه بدون ولایت الله متعال این همه ممکن نیست پس در نتیجه گفته میتوانیم که هر بنده نظر به مراتب ولایت که دارد از این نعمت ها بهره مند شده میتواند.

بر عکس ولایت شیطان هم مراتبی دارد که بنده گان به اساس بی توجهی و غفلت آن را کسب کرده حتی به کفر می انجامد، و الله متعال این ولایت را در قرآن کریم ذکر کرده میفرماید: ( وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظُّلُمَاتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ

<sup>1</sup>- سورة آل عمران/68.

<sup>2</sup>- سورة بقره /257.

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ<sup>1</sup>.

**ترجمه:** و (اما) کسانی که کفر ورزیده اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و ضلال) متولّی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده بهسوی تاریکی‌ها می‌کشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می‌مانند.

پس چه زیبا خواهد بود که مؤمنان ولایت الله متعال را بدست آورده و از ولایت شیطان و اولیاء شیطان دوری اختیارکنند، وسعدت دارین را حاصل نمایند.

با تدبیر و تفکر در آیات وارده پیرامون واژه های: " ولیّ و ولایت " میتوانیم از صفات و مشخصات اولیاء الرحمن آگاهی حاصل نموده و آنها را در وجود و زندگی خویش عملی ساخته بشارت نجات از ذلت و خواری را در دنیا، و عدم ترس و اندوه را در آخرت کسب نماییم، چنانچه الله متعال می فرماید: (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ )<sup>2</sup>.

**ترجمه:** هان! بی‌گمان دوستان خداوند (سبحان) ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت) نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی‌گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است).

همچنان در رابطه به صفات اولیاء الشیطان، راه ها و آثار این ولایت معلومات را بدست آورده از آن دوری نماییم تا از خسران دنیا و آخرت محفوظ بمانیم. چنانچه الله متعال می فرماید: ( وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِينًا )<sup>3</sup>.

**ترجمه:** و هر که اهریمن را به جای خدا سرپرست و یاور خود کند، به راستی زیان آشکاری کرده است.

### 1- طرح مسئله و بیان ضرورت تحقیق:

1: موضوع ولی و ولایت در ذات خود یک موضوع مهم میباشد زیرا این موضوع با شیوه های مختلف در قرانکریم ذکر شده است .

2: موضوع ولی و ولایت به عقیده و ایمان تعلق مستقیم دارد

3: موضوع ولی و ولایت در کتب تفسیر، عقاید و شروع حدیث و حتی به طور جداگانه کتاب های در رابطه به آن نوشته شده و یا حداقل اشارات در مورد داشته اند.

و این همه دلالت به اهمیت موضوع مینماید چوت موضوع فاقد اهمیت در قرآن و سنت و نظر علما و مورد توجه قرار نمی گیرد.

نا گفته نماند که با وصف اهمیت این موضوع و ضرورت تحقیق دران در زبان فارسی جز ترجمه کتاب الفرقان بین اولیاء الرحمن و اولیاء الشیطان که مولف آن ابن تیمیه بوده

<sup>1</sup>-سوره بقره/257.

<sup>2</sup>-سوره یونس/62.

<sup>3</sup>-سوره نساء/119.

و توسط استاد محمد ابراهیم بلخی ترجمه شده موفق به دریافت کتاب دیگری که در برگزیده همه جوانب و پاسخگو به سوالات مربوط به موضوع و مطابق منهج تفسیر موضوعی باشد نشدم بنابراین خواستم تا با توفیق الله متعال موضوع ولی و ولایت موضوع تیزس خود قرار داده و پیرامون آن تحقیق نمایم .

## 2- اسباب اختیار موضوع:

اسباب و عواملی که باعث انتخاب موضوع "ولی و ولایت از نظر قرآن کریم" برای تحقیق گردید قرار ذیل است:

1- نخستین عامل طلب رضای الله متعال و به سهم خود خدمت به دوستان الله متعال میباشد.

2 - ارتباط موضوع به قرآن کریم؛ و شکی نیست هر موضوعی که به قرآن ربط و تعلق داشته باشد از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار می باشد.

2-مشوره و پیشنهاد بعضی استادان و دوستان به تحقیق روی این موضوع.

4-اهمیت موضوع از حیث تعلق آن به عقیده و چگونگی ارتباط بنده با الله متعال نیز یکی از اسباب دیگر انتخاب موضوع میباشد.

## 3-اهداف تحقیق:

داشتن هدف، صحت انجام یک عمل را توجیه میکند؛ بنا براین تعیین اهداف یکی از ضرورت های علمی در یک بحث تحقیقی میباشد و اهداف یا به شخص محقق بر میگردد و یا به موضوع تحقیق. هدفیکه به تحقیق کننده بر میگردد همانا طلب رضای خداوند متعال و نیت درست در انجام مکلفیت تحقیقی و خدمت افراد جامعه میباشد. و اهدافیکه به موضوع مربوط میباشد قرار ذیل است اند:

1- آگاهی دهی افراد جامعه از حقیقت ولی و ولایت؛ چون هستند کسانی در جامعه مسلمانان که با استفاده از این نام سود می برند، و در برابر آن از دیگران امتیازهای را می خواهند.

2- انجام مکلفیت دینی و علمی از طریق تحقیق پیرامون یکی از موضوعات مهم دینی و قرآنی.

3- توضیح بیشتر همه جانبه در مورد جای گاه ولی و ولایت از نظر قرآن کریم و مقام والای آن .

## 4-اهمیت موضوع و ضرورت انجام تحقیق:

موضوع تحقیق از چند لحاظ حایز اهمیت میباشد:

-هدایت به راه راست یکی از خواست های مهم قرآن کریم است و آن در صورتی میسر است که رابطه بنده با الله متعال برقرار شود بناء بحث و تحقیق روی این موضوع از جایگاه خاصی برخوردار میباشد.

-اهمیت هر علم از موضوع آن دانسته میشود. موضوع ولی و ولایت به عقیده و ایمان ارتباط دارد که در قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم بیان گردیده است. گرچند به زبان عربی کتابهای متعددی نوشته شده است اما بنده موفق به دریافت کتابی

که همه موضوعات مربوط به موضوع را بشکل همه جانبه بیان نماید نشدم، و این یک دلیل موجهی است برای نیاز به تحقیق در این موضوع. -  
 اختلاف نظرها و خلاهای تحقیقاتی موجود پیرامون موضوع نیز میزان نیاز به تحقیق روی این موضوع را ثابت مینماید.

### 5-پیشینه موضوع تحقیق،

در تلاش های ابتدایی که پیرامون این موضوع انجام دادم - با وصف مهم بودن آن - به اثری در مورد آن دست نیافتیم که به زبان دری تحریر گردیده باشد. البته موضوع " ولی و ولایت از نظر قرآن کریم " یکی از موضوعات مهم تحقیقی بوده، علما و دانشمندان در ادوار مختلف این موضوع را در کتب تفسیر قرآن کریم و شروحات حدیث و اباحت علمی دیگر مورد بحث و بررسی قرار داده اند، هم چنان مقالات و رسایل زیادی در مورد این موضوع به زبان های مختلف نوشته شده است اما چنان یک رساله تحقیقی را که در برنامه ماستری به زبان های ملی کشور نوشته شده باشد، دست نیافتیم.

اما باز هم میتوان کتب ذیل را به عنوان پیشینه موضوع بر شمرد:

- ۱ - الفرقان بین اولیاء الرحمن و اولیاء الشیطان که مولف آن شیخ الإسلام ابن تیمیه میباشد و الحمد لله به زبان فارسی ترجمه شده است.
- 2 - اولیاء الله بین المفهوم الصوفی والمنهج السنی السلفی که مولف آن عبدالرحمن دمشقیه است به زبان عربی میباشد.
- 3 - ولایة الله والطریق الیها که توسط ابراهیم هلال تألیف گردیده است به زبان عربی میباشد.

4 - اولیاء الله و اولیاء الشیطان که مؤلف آن سفر بن عبدالرحمن حوالی است. در این کتب در رابطه به فرق میان اولیاء الرحمن و اولیاء الشیطان، صفات آنها، راه های رسیدن به ولایت الله متعال، آثار و نتایج ولایت الله متعال، شروط ولی توضیحات خوبی ارائه گردیده است.

اما به روش تفسیر موضوعی در حد اطلاع بنده اثر تألیف نگردیده است.

### 6-سوالات تحقیق:

سوالات تحقیق عبارت از طرح پرسش ها و فرضیه های مقدماتی است که تحقیق جوابگوی آن میباشد.

سوال اصلی:

-ولی کیست؟ ولایت چیست؟

سوالات فرعی:

1- ولی و ولایت از لحاظ معنای لغوی و اطلاقات قرآن کریم به چند معنا استعمال شده است؟

2- اگر ولایت به معنای دوستی و یاری رسانیدن باشد نسبت آن به غیر الله متعال درست است؟



- 3- موالات الله متعال با مؤمنان و موالات مؤمنان با الله متعال چه معنا دارد؟
  - 4- آیا میتوانیم در میان مؤمنان از حیث ایمان و تقوا مراتب و تفاوت بگذاریم؟
  - 5- آیا میتوانیم ولایت را به عام و خاص تقسیم نمائیم؟
  - 6- اولیاء الرحمن در قرآن کریم با چه صفات توصیف گردیده اند؟ و نتیجه ولایت آنها با الله متعال چی میباشد؟
  - 7- میان اولیاء الرحمن تفاوت و تفاضل نسبت به همدیگر شان وجود دارد؟
  - 8- آیا کسب مقام ولایت به اسباب مربوط میشود؟
  - 9- اولیاء الشیطان با چه صفات در قرآن کریم بیان گردیده؟ و نتیجه ولایت با شیطان در زنده گی دنیا و آخرت چه میباشد؟
- 7- روش تحقیق:**
- تحقیق روی موضوع با جمع آوری آیات در رابطه به موضوع، و مراجعه به تفاسیر معتمد، تخریج احادیث از صحیحین و کتب حدیث دیگر، و بیان توضیحات آن از شروح احادیث و بیان نظریات علماء انجام یافته است.
- بشکل خلاصه روش تحقیق به شیوه تفسیر موضوعی میباشد.
- 1- بررسی دیدگاه های علما از کتابهای قدیم و جدید و استدلال به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی ه.
  - 2- نقل آیات قرآنی از مصحف با ذکر نام سوره و ارقام آیات و ترجمه آن از تفسیر فارسی نور .
  - 3- نقل متن احادیث از کتب حدیث، ترجمه و تخریج آن از منابع معتمد.
  - 4- ذکر اقوال به صورت مفهومی و نقل برخی از متون به صورت موجز و مختصر.
  - 5- ذکر نام کتاب، زمان و مکان طبع و نام مؤلف بدون مواصفات درپاورقی.
  - 6- کوشیده ام در طرح مسایل به مصادر اصلی آن مراجعه نمایم که متعلق به موضوع بحث میباشد.
  - 7- در تحقیق موضوعات طبق پلان مطروحه در تحت مباحث، مطالب بررسی شده و معلومات ها در مطابقت با عناوین جمع و ترتیب میگردند.
  - 8- در معرفی معانی لغوی کلمات و اصطلاحات از معاجم و کتب معتمد لغوی استفاده شده است.
  - 9- معرفی اعلام و مؤلفین که از آنها نقل قول شده است.
  - 10- معرفی کتاب و مؤلف کتاب برای یک بار در پاورقی با ذکر محل طبع و تاریخ طبع.
  - 11- ترتیب مراجع و مصادر در ختم تحقیق با ذکر وصف مشهور و یا شهرت مؤلف و محل طبع کتاب به ترتیب ابجدی.
- 8- طرح پلان تحقیق:**

تحقیق و بررسی موضوع فوق شامل یک مقدمه و سه فصل، مباحث و مطالب متعددی میباشد.

در مقدمه بعد از یک اشاره مختصر راجع به محتوای بحث، موارد ذیل بررسی میشوند:

- طرح مسئله تحقیق

- اهمیت موضوع و ضرورت انجام تحقیق.

- اسباب اختیار موضوع.

- اهداف تحقیق.

- سوالات تحقیق.

- پیشینه موضوع تحقیق.

- روش تحقیق.

- خطه بحث و پلان تحقیق.

این بحث دارای سه فصل میباشد .

که در فصل اول آن سه مبحث بوده ؛ مبحث اول آن دارای پنج مطلب میباشد و در مبحث دوم آن سه نوع ولایت ذکر گردیده است همچنان مبحث سوم آن دارای دو مطلب میباشد.

فصل دوم دارای سه مبحث است ؛ مبحث اول آن دارای سه مطلب ، مبحث دوم آن دارای دو مطلب ، مبحث سوم آن دارای دو مطلب میباشد.

فصل سوم دارای دو مبحث است ؛ که مبحث اول آن دارای سه مطلب و مبحث دوم آن دارای دو مطلب میباشد.

و در پایان خاتمه ، نتایج بحث و فهارس (آیات ، احادیث ، اعلام و منابع ) ذکر گردیده است.

## فصل اول

### کلیات و مفاهیم

در این فصل موارد لازم برای ورود به اصل موضوع بررسی میشود که شامل سه مبحث و مطالب متعدد میگردد.

مبحث اول: مفهوم ولی و ولایت در لغت و اصطلاح.

مبحث دوم: انواع ولی و ولایت در قرآن کریم

مبحث دوم: کاربرد لفظ ولی و ولایت و مشتقات آن در قرآن کریم.

## مبحث اول مفهوم ولی و ولایت در لغت و اصطلاح

### مطلب اول- مفهوم ولی در لغت:

ولی در لغت معانی ذیل را افاده میکند.

اسماعیل بن حماد جوهری<sup>1</sup> گفته است: « **الْوَالِي: الْقَرْبُ وَالِدُنُو. يُقَالُ: تَبَاعَدَ بَعْدَ وَلِيٍّ. وَكُلُّ مِمَّا يَلِيكَ، أَيْ مِمَّا يَقَارِبُكَ.** » یعنی ولی به معنای قرب و نزدیک شدن است، چنانچه گفته میشود: **تَبَاعَدَ بَعْدَ وَلِيٍّ** یعنی بعد از نزدیک شدن دور شد و فاصله گرفت، **وَكُلُّ مِمَّا يَلِيكَ** یعنی از نزدیکی بخور. و نیز گفته اند "داره ولی داری" در صورتیکه خانه او قریب بوده و در جوار هم قرار داشته باشد.<sup>2</sup> و در حدیثی آمده است: « **يَا عَلَّامُ سَمِّ اللَّهِ وَكُلُّ بِيَمِينِكَ وَكُلُّ مِمَّا يَلِيكَ** ».<sup>3</sup> ای پسر بسم الله بگو و به دست راستت بخور و نیز از آنچه که در نزدیکی است بخور.

و « **الْوَالِي** » یکی از اسمای الله متعال است که به معنای یاری کننده بنده ها و متولی نظام عالم میباشد.

هم چنان ولی به معنای دوست صمیمی، ولی امر، متولی امور، سلطان و پادشاه نیز آماده است. ولی زن کسی است که عقد نکاح را عهده دار باشد، ولی یتیم کسی است که سر پرستی یتیم را به عهده داشته باشد.

هم چنان ولی به معنای ذی حق و مستحق می آید، چنانچه گفته میشود "فلان **أولى** بهذا الأمر من فلان" یعنی او نسبت به فرد دیگر ذی حق بوده و مستحق این چیز میباشد.

و موالی به معنای خویشاوند، و مورث کسانی که مستحق میراث باشند، و نیز کسی که به دست کسی دیگری آزاد شده باشد، چنانچه در این فرموده الله متعال آمده است: **چوَانِي خَفْتُ الْمَوَالِيَّ مِنْ وَرَائِي** چ.<sup>4</sup>

«(پروردگارا!) من از بستگانم بعد از خود بیمناکم (چرا که در ایشان شایستگی و بایستگی به دست گرفتن کار و بار دین را نمی بینم)

<sup>1</sup> - جوهری ابونصر اسماعیل بن حماد تاریخ تولدش معلوم نیست در سال (393هـ) ق وفات کرده است در فاراب به دنیا آمده در طفولیت به عراق نقل مکان کرده به خاطر آموختن علم به حجاز سفر کرده و سپس به خراسان برگشته و در نیشاپور مسکن گزین شده است او اولین کسی است که پرواز انسان در فضا را ممکن دانسته است و اثبات همین مفکوره اش سبب مرگش شده است. گفته شده است او روزی از چوب دو بال ساخته آن را به بازوهای خود بست و در بام خانه اش بالا شده به صدای بلندی گفت: من کاری را انجام میدهم که ممکن میدانم همه اهل نیشاپور به تماشای او برآمدند او با آن بال ها از بام پرواز کرد بال هایش شکست به زمین افتید این کار او سبب مرگش شد. از او تصنیفاتی به جا مانده است از مشهورترین تصنیفاتش در علم لغت عربی کتاب ((الصاحح)) بوده که در دو مجلد به چاپ رسیده است [الاعلام ج 3/ص 123].

<sup>2</sup> - جوهری، اسماعیل بن حماد [393هـ] ط (1990م) **الصاحح؛ تاج اللغة وصحاح العربية**. الناشر: دار العلم للملايين- بیروت. الطبعة: الرابعة- ج 7/ص 378 و ابن منظور، لسان العرب، ج 1/ص 666.

<sup>3</sup> - صحیح البخاری، کتاب الاطعمة، باب التسمية على الطعام رقم(4957)، صحیح مسلم، کتاب الاشرية، باب آداب الطعام ..رقم(3767)

<sup>4</sup> -سوره مريم/5.

"ولی" به معنای ناصر ، مدد رسان و متولی امور، چنانچه در این فرموده الله متعال آمده است: **الله وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا**.<sup>1</sup>

«خداوند متولی و عهده دار ( امور ) کسانی است که ایمان آورده اند. و در فرهنگ فارسی معین کلمه ولی به معنای ذیل به کار برده شده است: دوست ، یار، نگهبان کسی که عهده دار انجام کارهای کس دیگر باشد»<sup>2</sup>.

### مطلب دوم- تعریف اصطلاحی ولی:

معنای لغوی ولی حسب استعمال آن در موارد فوق و مصداق های آن از نظر مفسرین و فقهاء و شارحین حدیث رعایت شده است اما اینکه بحث ما شناخت ولی و ولایت از نظر قرآن کریم است بنابراین بهتر است تعریف شرعی و مورد نظر "ولی" را از نظر قرآن کریم داشته باشیم الله متعال در مورد معرفی دوستان خود فرموده است: **إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ \* الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ**.<sup>3</sup>

ترجمه : هان ! بیگمان دوستان خداوند ( سبحان ) ترسی بر آنان ( از خواری در دنیا و عذاب در آخرت ) نیست و ( بر از دست رفتن دنیا ) غمگین نمی گردند ( چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است ) . ( دوستان خداوند ) کسانیند که ایمان آورده اند و تقوا پیشه کرده اند .

اولیاء و دوستان الله متعال مؤمنان متقی می باشند و اینکه مؤمنان متقی کی ها هستند. صفات و خصلت های آنان در (سوره مبارکه بقره / 3 ، 4 ، 5 ، 177 ) بیان شده است.

ولی از جانب علماء تعاریفات گوناگونی شده است، چنانچه ابن تیمیه رحمه الله<sup>4</sup> در تعریف ولی گفته است : **" فكل من كان مؤمنا تقيا كان لله وليا "**<sup>5</sup>.

یعنی هر که مؤمن و متقی باشد همان ولی و دوست الله است.

علامه جرجانی<sup>6</sup> رحمه الله در تعریف ولی گفته است: **« الولي، هو العارف بالله وصفاته بحسب ما يمكن المواظب على الطاعات، المجتنب عن المعاصي، المعرض عن الانهماك في اللذات والشهوات »**<sup>1</sup>.

1-سوره بقره/257.

2 -دكتور محمد معین، **فرهنگ معین** المكتبة الالكترونية الشاملة: ج 5 / ص 246.

3-سوره یونس /62-63.

4 - ابن تیمیة شیخ الاسلام احمد بن عبد الحلیم بن عبدالسلام ابن تیمیة حرانی است که در سال (661هـ) به دنیا آمده، از علماء مشهور در دفاع از عقیده بوده است واز او تألیفات بیشماری در علم تفسیر فقه و فتاوی و سیاست شرعیة به جا مانده است، او در سال (728هـ) ق وفات کرده است ،شذرات الذهب ، ج 6/ص 8.

5 - شیخ الاسلام احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه، ط(1416هـ) **مجموع الفتاوی** :دراسة وتحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية (1/ 149) .

6 - جرجانی ، علی بن محمد بن علی ابوالحسن معروف به سید شریف جرجانی در سال(740هـ) در قریه به نام استر آباد به دنیا آمده دوره تعلیم و تحصیلش را در شیراز به پایان رسانیده است در علم تفسیر، فقه ، حکمت لغت دست بلایی داشته ودر سال (816هـ) وفات نموده است. از او در علوم مختلف تصنیفاتی به جا مانده از مشهورترین



یعنی ولی کسی است که با الله صفات وی به نحوی که ممکن باشد عارف بوده بر طاعتش مواظب بوده و از معاصی و نافرمانی اش اجتناب ورزد، و از انهماک و فرورفتن در لذات و شهوات اعراض نماید.

### مطلب سوم- معانی ولی در قرآن:

لفظ ولی در قرآن به معانی مختلف و متعددی آمده است که در ذیل بیان میگردد:

**1- به معنای دوست که ضد دشمن است** ، چنانچه الله متعال می فرماید: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا ...) <sup>2</sup>.

ترجمه: تنها خدا و پیغمبر او و مؤمنانی یاور و دوست شمایند.

وهم چنان سیاق کلام پروردگار در این آیت مبارکه نیز دلالت بر این میکند که ولی نقیض عدو می باشد الله متعال فرموده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ <sup>3</sup>.

ترجمه: « ای مؤمنان! یهودیان و نصرانیان را به دوستی نگیرید (و به طریق اولی آنان را به

سرپرستی نپذیرید). ایشان برخی دوست برخی دیگرند (و در دشمنی با شما یکسان و برابرند). هرکس از شما با ایشان دوستی ورزد بی گمان او از زمره ایشان بشمار است. آیه مبارکه فوق دلالت بر این میکند که الله متعال و ورسولش دوست و یاور مؤمنان است و بندگان مؤمن خود را از موالات و دوستی با یهود و نصاری نهی نموده است چونکه آنها دشمنان اسلام و دشمن اهل ایمان می باشند. روی این ملحوظ ما مسلمانان باید هیچگاه اسرار خویش را به دشمنان اسلام نگوییم واطمنان به صداقت، محبت و مودت آنها نداشته باشیم؛ چونکه آنها یکی با دیگر دوست اند نه همراهی مسلمانان همانطوریکه در صدر اسلام یهود و نصاری با پیامبر ما عهد شکنی کرده و اظهار دشمنی نموده اند.

**2- ولی به معنای ناصر(یاری کننده) و سرپرست:** چنانچه الله متعال می فرماید: إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ... <sup>4</sup>.

ترجمه: « بیگمان سرپرست من خدائی است که این کتاب ( قرآن را بر من ) نازل کرده است و او است که بندگان شایسته را یاری و سرپرستی می کند .  
دکتور وهبه الزحیلی. <sup>5</sup> در ذیل این آیت میگوید: بالای هر بنده عاقل واجب است که تنها

تصنیفاتش " التعريفات " میباشد، [ومعجم المؤلفين 7 / 216، والأعلام 5 / 159].

1- جرجانی، علی بن محمد بن علی سید شریف، ط (1422) هـ التعريفات، دارالکتب العلمیة بیروت ، ج 1/ ص 329

2 -سوره مائده/55.

3- سورة المائدة: 51.

4 -سوره اعراف/196.

<sup>5</sup> - دکتور وهبه مصطفی زحیلی در سال (1932)م در یکی از قریه های نواحی دمشق به دنیا آمده است او تعلیمات ابتدائی را در زاد گاهش به پایان رسانیده و سپس دوره تحصیلی لسانس را مدت شش سال در کلیه شریعه جامعه دمشق سپری نموده و سپس او سند تحصیلی لیسانس را با اجازه تدریس به دست آورده و در جامعه دمشق بعد از فراغتش مصروف تدریس میشود و ماستری اش را از کلیه حقوق جامعه قاهره در

الله متعال را ناصر، حافظ، و متولی خود بداند نه غیر آن را؛ چونکه تنها الله متعال است که متولی همه امور می باشد، و تنها اوست که برای انسانها منفعت و ضرر می رساند.<sup>1</sup> و هم چنان رسول الله ه می فرماید: « **أَيُّمَا امْرَأَةٍ نَكَحَتْ بِغَيْرِ إِذْنِ وَلِيِّهَا فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ..... فَإِنْ اسْتَجْرُوا فَالْسُلْطَانُ وَلِيُّ مَنْ لَا وَلِيَ لَهُ** »<sup>2</sup>.

ترجمه: «هر زنی که نفس خود را بدون اجازه ولی و سرپرست نکاح کند نگاهش باطل است .. اگر سرپرستان زن باهم اختلاف کردند پادشاه وقت متولی نکاح زنی است که سرپرستی از اقارب نزدیک خود نداشته باشد.

در این حدیث نیز ولی به معنای متولی امور (صاحب اختیار در امر نکاح) و سرپرست آمده است.

**3- ولی به معنای قریب و نزدیک نیز آمده است:** چنانچه الله متعال می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ**.<sup>3</sup> ترجمه: «ای مؤمنان! با کافرانی جنگید که به شما نزدیکترند، و باید که (در جنگ) از شما شدت و حدت (و جرأت و شهامت) ببینند. و بدانید که خداوند (یاری و لطفش) با پرهیزگاران است.

در حدیث پیامبر ه نیز لفظ ولی به معنای قرب به کار برده شده است: « **إِذَا أَكَلْتَ فَسَمِّ اللَّهَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ** ».<sup>4</sup>

ترجمه: «رسول الله ه می فرماید: وقتی که اراده ای غذا خوردن کردی به نام الله آغاز کن، و از آنچه که در نزديکت می باشد بخور.

**4- ولی به معنای رب (پروردگار و معبود):** چنانچه امام ابن جوزی در تفسیر آیه مبارکه: **قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ وَليّاً فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ**.<sup>5</sup> ولی را به معنای رب و معبود تفسیر نموده است.<sup>6</sup>

ترجمه: « بگو: آیا غیر خدا را معبود و یاور خود بگیرم؟! در صورتی که او آفریننده آسمانها و زمین است و او روزی می دهد (و رازق همگان او است و همه بدو

سال(1959)م گرفته است و در جامعه از هر شامل مرحله دکتورا میشود و سند تحصیلی این مرحله را در سال (1963)م در رشته حقوق شرعی به شرف عالی به دست آورده است. او یکی از علماء بزرگ و فقهاء معاصر میباشد که تألیفات زیادی از او به چاپ رسیده است که از مشهورترین آنها در فقه مقارن کتاب «الفقه الاسلامی وادلته میباشد. المكتبة الالكترونیکی الشاملة.

<sup>1</sup> - وهبه بن مصطفى الزحیلی، **التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج**: الناشر: دار الفكر المعاصر - دمشق، الطبعة: الثانية: ج 8 / ص 212.

<sup>2</sup> - سنن الترمذی، کتاب النکاح، باب ما جاء لانکاح الابولی. ج. 288/4. رقم الحدیث (1021) وقال: هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ.

<sup>3</sup> -سوره توبه /123.

<sup>4</sup> این حدیث در صحیحین از عمر بن ابی سلمة رضی الله عنه روایت شده که گفته است: کنت غلاماً فی حجر النبی صلی الله علیه وآله وسلم، فكانت تطییش یدی فی الصّحفة، فقال لی: «یا غلام، سمّ الله، وکل بیمنیک، وکل مما یلیک» صحیح البخاری، شماره حدیث: (5376 - 5378)، و صحیح مسلم، شماره حدیث: (2022).

<sup>5</sup> -سوره انعام/14.

<sup>6</sup> - جمال الدین ابو الفرج عبدالرحمن بن الجوزی، **نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه والنظائر**. دارالکتب العلمیة بیروت، ج 1/ ص 613.

نیازمندند) و به او روزی داده نمی‌شود (و نیازمند کسی نیست).

**5- ولی به معنای همکار ، ویاری دهنده در انجام کار ها :** چنانچه در این آیت قرآن کریم آمده است: **وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا**<sup>1</sup>.

ترجمه: «بگو: حمد و سپاس خداوندی را سزا است که برای خود فرزندى برنگزیده است و در فرمانروائی و مالکیت (جهان) انبازى انتخاب ننموده است و یاورى به خاطر ناتوانى نداشته است. بنابراین او را چنان که باید به عظمت بستا (و زبان به بزرگواریش بگشا).

**6- ولی به معنای ولد(فرزند):** چنانچه در این آیت قرآن کریم آمده است. **وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا**<sup>2</sup>.

ترجمه: (پروردگارا!) من از بستگانم بعد از خود بیمناکم (چرا که در ایشان شایستگی و بایستگی به دست گرفتن کار و بار دین را نمی‌بینم) و همسر هم از اول نازا بوده است؛ پس از فضل خویش جانشینی به من ببخش. (فرزندى عطا کن)

**7- ولی به معنای وثن (بت):** چنانچه در این آیت قرآن کریم آمده است: **مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ**<sup>3</sup>.

ترجمه: «کار کسانی که جز خدا، (اشخاص و اصنام و اشیائی را به دوستی برگرفته اند، و از میان آفریدگان، برای خود) سرپرستانی برگزیده‌اند، همچون کار عنکبوت است که (برای حفظ خود از تارهای ناچیز) خانه‌ای برگزیده است (بدون دیوار و سقف و در و پیکری که وی را از گزند باد و باران و حوادث دیگر در امان دارد). بی‌گمان سست‌ترین خانه ها خانه و کاشانه عنکبوت است، اگر (آنان از سستی معبودها و پایگاه هائی که غیر از خدا برگزیده اند باخبر بودند، به خوبی) می‌دانستند (که در اصل بر تار عنکبوت تکیه زده‌اند).

**8- ولی به معنای مشرع ویا واضع قوانین:** هرگاه فرد ویا گروهی متابعت و اطاعت از قوانین وضع شده ای کسی دیگری کنند در حقیقت او را ولی (واضع قوانین خویش) گرفته اند، باوجودیکه واضع قوانین تنها شریعت اسلامی است که آن را الله متعال در قرآن کریم بیان نموده ورسول الله ه توسط احادیث گهربار خویش توضیح داده است. ونص صریح قرآن کریم مارا از اینکه متابعت از قوانین وضعی دیگران بکنیم منع کرده است، چنانچه که الله متعال می فرماید: **(اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ)**<sup>4</sup>.

ترجمه: از چیزی پیروی کنید که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده است، و

1-سوره اسرا/111.

2-سوره مریم/5.

3-سوره عنکبوت/41.

4-سوره اعراف/3.

جز خدا از اولیاء و سرپرستان دیگری پیروی مکنید (و فرمان مپذیرید). کمتر متوجه (اوامر و نواهی خدا) هستید (و کمتر پند می‌گیرید).

### مطلب چهارم - مفهوم ولایت در لغت :

ولایت به کسر واو به معنای سلطه و پادشاهی، و به کسر واو و یا به فتح واو به معنای نصرت و یاری می‌آید.

اما سبویه گفته است: ولایت به فتح واو مصدر است، و ولایت به کسر واو اسم است، مثل امارت و نقابت.<sup>1</sup>

هم چنان ولایت ضد عداوت و دشمنی می‌باشد که به معنی محبت و قرابت آمده است، طوریکه عداوت به معنی بغض و دوری می‌باشد.<sup>2</sup>

(ولایت) به فتح واو در این آیت قرآن کریم آمده است: هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقُّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا.<sup>3</sup>

ترجمه: «در آن مقام و در آن حال (که بلا و مصیبت و شدت و محنت سر می‌رسد) یاری و کمک، ویژه معبود راستین است (و تنها خدا فریادرس روز مصیبت و دفع‌کننده بلاها است). او بهترین پادشاه را (برای مطیعان خود) دارد، و بهترین سرانجام را (برای آنان) فراهم می‌سازد.

ولایت را در این آیه با کسر و فتح واو خوانده اند،

امام راغب می‌گوید: ولایت بکسر واو بمعنی نصرت، و بفتح واو بمعنی تولی امر است. و بقولی هر دو یکی و حقیقتش تولی امر است.

قاموس نیز در اول هر دو را یکی گرفته است در صحاح از ابن سکیت نقل کرده ولایت بکسر واو بمعنی تسلط و بفتح و کسر واو بمعنی نصرت و یاری است. ولایت به معنای نصرت (یاری و کمک نمودن) توافق یک گروه به نصرت و یاری نمودن در این فرموده خداوند متعال: مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ.<sup>4</sup>

« و اما کسانی که ایمان آورده اند و لیکن مهاجرت ننموده اند (و با وجود توانایی به جامعه نوین شما در مدینه نپیوسته اند، هیچ گونه تعهد و مسؤولیت و ولایتی در برابر آنان ندارید تا آن گاه که مهاجرت می‌کنند.

ولایت- با کسره حرف (و) به معنای یاری کردن است و ولایت- با فتحه حرف (و) به معنای سرپرستی است و نیز گفته شده هر دو واژه حقیقتش همان سرپرستی است که کاری را بعهده بگیرند.<sup>5</sup>

فرهنگ معین ولایت را چندین معنا نموده است: ولایت به معنی فرمانروایی،

1 - جوهری، الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیة. ج 3/ص 134.

2 - نخبة من العلماء ط (1421) هـ ق اصول الايمان في ضوء الكتاب والسنة، الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية: ص 277.

3 - سوره كهف/44.

4 - سوره آل عمران /72.

5 - سید علی اکبر قرشی ط (1395) هـ ش قاموس قرآنی فارسی: دارالکتب الاسلامیة ج 1/ص 2409.

پادشاهی . حکومت کردن ، تسلط داشتن <sup>1</sup> .  
در فرهنگ فارسی معین آمده است: ولایت " فرمانروایی ، پادشاهی . بزرگی ، سروری حکومت کردن ، تسلط داشتن ولایت بخش هایی از يك کشور که يك نفر والی بر آن ها فرمانروایی کند . - شهرستان . ولایات <sup>2</sup> .

### مطلب پنجم- تعریف اصطلاحی ولایت :

در رابطه به مفهوم اصطلاحی ولایت علماء تعاریفی زیادی نموده اند از جمله:  
-ولایت عبارت از قرابت حکمی است که از عتق ویا از موالات (دوستی)حاصل می شود. ویا ولایت عبارت است از قائم بودن شخص به یک امر که پیوسته آن را انجام دهد <sup>3</sup>.

اما ولایت به معنای رابطه بنده به الله متعال به این معنا است که بنده بعد از خلوص عقیده به وحدانیت الله متعال و اجتناب از شرک و شائبه های آن به طاعت الله متعال و اتباع اوامر الله و پیغمبرش پایند بوده، واز معصیت و نافرمانی اجتناب نماید. به این وسیله بنده به الله متعال نزدیک شده محبت، هدایت و نصرت الهی را نصیب میشود. در اینصورت الله متعال گاهی او را تنها نمیگذارد، و مصالحش را رعایت میکند، و توفیق الله متعال، فضل و احسان پوردگار شامل حالش میگردد <sup>4</sup>.

چنانچه رسول الله ه در حدیث قدسی به نقل از الله متعال فرموده است: « إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا، فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ، كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا وَإِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لِأَعِيذَنَّهُ » <sup>5</sup> .

" خداوند فرمود: آنکه با دوستی از دوستانم دشمنی کند، با او اعلان جنگ کرده ام، و نزدیکی نمی جوید به من بنده ام به چیزی که دوست داشتنی تر برایم باشد از آنچه که بر وی فرض ساخته ام، و همیشه بنده ام بوسیله نوافل به من نزدیکی می جوید تا اینکه دوستش می دارم و چون دوستش داشتیم، شنوائی او می شوم که بدان می شنود و چشمش که به آن می بیند و دستی که با آن چنگ می زند و پایش که با آن می رود و اگر از من درخواست کند به وی می دهم، و اگر از من پناه جوید، به وی پناه می دهم".

1 - فرهنگ معین:ج5 /ص245.

2 -فرهنگ فارسی معین ،ج5/ص245.

3 - محمد عبدالرؤف المناوی ط(1410) هـ . التوقيف على مهمات التعاريف دالفكر بيروت الطبعة الاولى ج1/ص734.

4 - محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الآملی، أبو جعفر الطبري،[ت 224 - 310 هـ ] تفسير

الطبري لإجماع البيان في تأويل القرآن المحقق : أحمد محمد شاكر الناشر مؤسسة الرسالة، ج3/ص21 ، وتفسير النيسابوري، ج2/ص22 .

5 -اخرجه البخاری، صحيح البخاری كتاب الرقاق ،باب التواضع رقم (6021)



**ولایت در اصطلاح فقه:**

ولایت در اصطلاح فقه با رعایت معانی لغوی به صورت مختصر چنین تعریف شده است ابن عابدین<sup>1</sup> رحمه الله مختصراً از ولایت چنین تعریف نموده است: «الولاية هي تنفيذ القول على الغير شاء ام ابى»<sup>2</sup>.

«ولایت عبارت از نافذ و جاری نمودن خواست ولی بر غیر (فرد مولی علیه) است برابر است که بخواهد و یا نخواهد.

این تعریف ولایت را تنها یک امر اجباری ثابت میکند، اما فقهاء تعریف های دیگری از ولایت نیز نموده اند که تمامی انواع ولایت ها را شامل میگردند، چنانچه گفته اند: ولایت عبارت از اختیاری است که از طرف شارع برای شخص واگذار شده است که به او صلاحیت میدهد که تصرفاتی را در نفس، مال، حفظ و مراقبت احوال فرد یا افراد به طریقه مشروع انجام دهد.<sup>3</sup>

**مبحث دوم****انواع و اقسام ولی و ولایت به اعتبار ذوات و اشخاص**

از آیات که در باره ولی ولایت و مشتقات آن در قرآن کریم آمده است میتوان انواع ولی یا ولایت را قرار ذیل برشمرد.

**نوع اول-ولایت(دوستی) خداوند با مؤمنین:**

کسانیکه به الله متعال، پیغمبران، کتاب های آسمانی و هرآنچه که تصدیق و باور به جزء عقیده یک مؤمن شمرده میشود، ایمان آوردند و با انجام واجبات و با ترک محرمات و اجتناب از منهیات صداقت ایمانشان را نشان داده اند، خداوند متعال ولی (دوست امداد کننده و سرپرست) آنهاست و با ولایت (محبت) که با آنان دارد آنها را یاری نموده و سرپرستی می نماید، و هدایت شان میکند. و آنان را از تاریکی های جهل و کفر و گناهان و غفلت و رویگردانی از تقوا به سوی نور علم و یقین و ایمان و اطاعت و روی آوردن کامل به پروردگار شان هدایت میکند، دلهای شان را با نور ایمان منور میسازد.

در آیات متعدد قرآن کریم چگونگی ولایت خداوند متعال با مؤمنان بیان گردیده است: چنانچه الله متعال می فرماید: اللهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ

<sup>1</sup>- ابن عابدین اسمش محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز مشهور به ابن عابدین در سال [1198] هـ در شهر دمشق به دنیا آمده و در سال [1252] هـ در همین محل تولدش وفات کرده است از فقهاء مشهور حنفی بوده و از او تصنیفات در فقه، تفسیر و اصول فقه به جا مانده است که از مشهورترین آن «رد المحتار علی الدر المختار» که نزد فقهای حنفی به نام حاشیه ابن عابدین معروف میباشد. [الأعلام للزركلي 6 / 267

<sup>2</sup>- ابن عابدین محمد امین ابن عابدین ط(1415) هـ، الحاشية على الرد المحتار دارالكتب العلمية بيروت الطبع الاولى، ج 3/ص 55.

<sup>3</sup>- وهبه مصطفى الزحيلي، ط (1179 هـ ق). الفقه الاسلامي وادلته: الطبعة الرابعة دارالفكر بيروت لبنان:

كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ<sup>1</sup>.

ترجمه: " خداوند متولی و عهده‌دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شود. و (اما) کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و ضلال) متولی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده به سوی تاریکی‌های (زمخت کفر و فساد) می‌کشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می‌مانند".

امام شوکانی<sup>2</sup> رحمه الله در تفسیر این آیت گفته است: نسبت ولی در این آیت نسبت فاعلیت است و ولی به معنای ناصر (امداد رسان) متولی امور و هدایت کننده می‌باشد که مقتضی دوستی و محبت است و جمله (يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) تفسیر و بیان نحوه ولایت الله متعال با اهل ایمان می‌باشد یعنی الله ولی مؤمنان است بنده‌های مخلص خود را دوست دارد و آنان را از تاریکی کفر و شرک به سوی نور ایمان هدایت میکند.<sup>3</sup>

و امام رازی . رحمه الله گفته است: «الولي هو القريب في اللغة فإذا كان العبد قريباً من حضرة الله بسبب كثرة طاعاته وكثرة إخلاصه وكان الرب قريباً منه برحمته وفضله وإحسانه فهناك حصلت الولاية».<sup>4</sup>

ولی در لغت به معنای قریب بوده است هرگاه بنده به سبب کثرت طاعت و اخلاص در عمل خود را به خداوند متعال نزدیک سازد خداوند متعال به رحمت، فضل و احسانش به او نزدیک میشود در این صورت ولایت (رابطه دوستی در میان بنده و الله متعال) حاصل میشود.

چنانچه در آیات دیگری نسبت ولایت به الله متعال شده است:

-این فرموده الله متعال: إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ<sup>5</sup>.

<sup>1</sup> -سوره بقره 257/2.

<sup>2</sup> - شوکانی، محمد بن علی بن محمد الشوکانی، در سال (1173) هـ در مقام به نام شوکان در شهر خولان یمن به دنیا آمده و در صنعا یمن بزرگ شده است مفسر فقیه و مجتهد و از علماء بزرگ یمن بوده است و تا آخر عمر قضاء صنعا را به عهده داشته و به همین حالت وفات کرده است و از تفرداتش اینست که او تقلید را حرام میدانست از او 114 تصنیفات به جا مانده است که از مشهور ترین تصنیفاتش فتح القدر در علم تفسیر، نیل الاوطار شرح منتقى الاخبار وسيل الجرار، وارشاد الفحول میباشد. زرکلی، الاعلام ج 2/ص 214.

<sup>3</sup> - الشوکانی، محمد بن علی بن محمد المعروف بالشوکانی، [ت 1250 هـ] ط، (1407) هـ ق ط 1، تفسیر فتح القدر، (علق علیه و خرج آیاته و احادیثه الشيخ عبدالرزاق المهدي)، دار الکتب العلمیه، بیروت، الطبعة الثانية دار الکتب العلمیه بیروت. ج 1/ص 272-274. و تفسیر زاد المسیر، ج 1/ص 263.

<sup>4</sup> - أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي ط (1418) هـ. تفسیر الكبير المعروف بمفاتيح الغيب دار النشر بیروت المكتبة العلمیه. ج 4/ص 91.

<sup>5</sup> -سوره اعراف/196.

ترجمه: بیگمان سرپرست من خدائی است که این کتاب (قرآن را بر من) نازل کرده است، و او است که بندگان شایسته را یاری و سرپرستی می کند.

و آیه: أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ<sup>1</sup>.

ترجمه: تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

و آیه: ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ<sup>2</sup>.

ترجمه: این (عاقبت نیک مؤمنان و عاقبت سوء کافران) بدان خاطر است که خداوند سرپرست و یاور مؤمنان است، ولیکن کافران هیچ گونه سرپرست و یاری ندارند.

و آیه: جَانِمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ<sup>3</sup>. ترجمه: تنها خدا و پیغمبر او و مؤمنانی یاور و دوست شماست.

امام رازی رحمه الله بعد ذکر این همه آیات گفته است: از این آیات بر میآید که رابطه دوستی در جانب رب و در جانب بنده هر دو وجود دارد.<sup>4</sup> به همین سبب است که الله متعال فرموده است: يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ<sup>5</sup>.

### نوع دوم- ولایت (دوستی) مؤمنین با یکدیگر:

چنانچه الله متعال در این آیه مبارکه می فرماید: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ<sup>6</sup>.

ترجمه: « مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می خوانند و از کار بد باز می دارند، و نماز را چنان که باید می گزارند، و زکات را می پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می کنند. ایشان کسانیند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند. (این وعده خدا است و خداوند به گزاف وعده نمی دهد و از وفای بدان هم ناتوان نیست. چرا که) خداوند توانا و حکیم است».

الله متعال مؤمنین را در این آیه باهم ولی و دوست گفته است و بعدا موجبات آن دوستی در چند اموری بیان کرده است که دوستی ایجاب آن را مینماید.

- (1) امر به معروف.
- (2) نهی و باز داشتن از منکر.
- (3) بر پا نمودن نماز.
- (4) دادن زکات.
- (5) اطاعت از الله متعال
- (6) اطاعت از رسول الله (صلي الله عليه وسلم). هرگاه مؤمنان این امور را رعایت کنند دوستی و محبت در میان شان پا بر جا بوده و صمیمیت در میان

<sup>1</sup>-سوره بقره/286.

<sup>2</sup>-سوره محمد/11.

<sup>3</sup>-سوره مائده/55.

<sup>4</sup>-الرازی الشافعی علامه فخرالدین محمد بن عمر، ج 11/213.

<sup>5</sup>-سوره مائده/54.

<sup>6</sup>-سوره توبه/71.

شان برقرار میشود و ایمان است که قلبهای آنها را با هم ربط داده است.<sup>1</sup>  
 امام شوکانی رحمه الله در تفسیر آیه {بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ} گفته است: أي: قلوبهم متحدة في التوَادد، والتحابب، والتعاطف بسبب ما جمعهم من أمر الدين وضمهم من الإيمان بالله.<sup>2</sup>

مؤمنان دوستان همدیگرند قلبهایشان در محبت و دوست داشتن و عطف با هم متحد میباشند به سبب اینکه آنها را امر دین همراه با ایمان با هم جمع نموده است.  
 رسول الله صلی الله علیه وسلم مؤمنان را در دوستی و محبت به همدیگر با بنیاد محکم تشبیه داده فرموده اند «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا».<sup>3</sup>  
 ترجمه: مؤمن برای مؤمن مثل بنای است که بعض اجزای آن بعض دیگری را محکم میسازد.

و نیز فرموده است: «ترى المؤمنین فی تراحمهم وتوادهم وتعاطفهم كمثل الجسد إذا اشتكى عضوا تداعى له سائر جسده بالسهر والحمى».<sup>4</sup>

ترجمه: مؤمنان در ترحم، دوستی و محرابانی به همدیگر مثل یک جسم اند هرگاه عضوی شکایتی داشته باشد تب و نا راحتی را به تمام اعضای بدن میرساند.

#### نوع سوم- ولایت (دوستی) کفار و منافقین با یکدیگر:

آیات متعدد قرآن کریم صراحت دارد که کفار به هر عقیده و مفکوری کفری که باشند در جانبداری از باطل و دشمنی با مؤمنان دوستان و هم پیمانان یکدیگرند.

چنانچه الله متعال در مورد عموم کفار فرموده است: وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِبَعْضِهِمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ.<sup>5</sup>

ترجمه: «و کسانی که کافرند، برخی یاران برخی دیگرند (و در جانبداری از باطل و بدسگالی با مؤمنان هم رأی و همسنگرند. پس ایشان را به دوستی نگیرید و در حفظ عهد و پیمان بکوشید) که اگر چنین نکنید فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می دهد».

و در مورد یهود و نصاری فرموده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.<sup>6</sup>

ترجمه: ای مؤمنان! یهودیان و نصرانیان را به دوستی نگیرید (و به طریق اولی آنان را به سرپرستی نپذیرید). ایشان برخی دوست برخی دیگرند (و در دشمنی با شما یکسان و برابرند). هرکس از شما با ایشان دوستی ورزد (و آنان را به سرپرستی بپذیرد) بیگمان او از زمره ایشان بشمار است. و شك نیست که خداوند افراد ستمگر

<sup>1</sup>-سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 4/ص 144.

<sup>2</sup>-شوکانی، تفسیر فتح القدر، ج 3/ص 284.

<sup>3</sup>-متفق علیه، اخرجہ البخاری صحیح البخاری کتاب الادب، باب تعاون المؤمنین بعضهم بعضا، ج 18/ص 450 رقم (5567) ومسلم صحیح مسلم، کتاب البر والصلة..باب تراحم المؤمنین .. ج 12/ص 467 رقم (4684)

<sup>4</sup>-اخرجہ البخاری صحیح البخاری کتاب الادب باب رحمة الناس ج 18/ص 426 رقم (5552)

<sup>5</sup>-سورة الأنفال / 73

<sup>6</sup>-سورة مائده/51.

را ( به سوي ایمان ) هدایت نمی کند . هر یک از این دو گروه دوستان بیدگرنند زیرا آنها بر یک کلمه ( کفر و دشمنی با مؤمنان ) متفقند این امر ایجاب مینماید که آنها دوست و همراز یکدیگر باشند و همچنان آنها دست به هم داده تلاش مینمایند که به مؤمنان ضرر وارد نمایند بناءً گاهی آنها دوست و همپیمان شما بوده باشند پس شما این مؤمنان آنها را دوست و همپیمان خود تصور نکنید آنها هرگز دوست شما بوده نمیتوانند.<sup>1</sup>

و در مورد منافقین فرموده است: الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.<sup>2</sup> ترجمه: مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه ( و یک قماش ) هستند. آنان همدیگر را به کار زشت فرا می خوانند و از کار خوب باز می دارند و ( از بذل و بخشش در راه خیر ) دست می کشند. خدا را فراموش کرده اند ( و از پرستش او روی گردان شده اند )، خدا هم ایشان را فراموش کرده است ( و رحمت خود را از ایشان بریده و هدایت خویش را از آنان دریغ داشته است ). واقعاً منافقان فرمان ناپذیر ( و سرکش و گناهکار ) هستند.

در این آیت مبارکه که الله متعال مردان و زنان منافق را باهم دوست خوانده چونکه آنها باهم در صفات ذیل مشترک اند.

- (1) به کار زشت که کفر و فسق می باشد یکدیگر را فرمان میدهند.
- (2) از کار خوب که ایمان و اخلاق خوب و اعمال صالح می باشد، باز میدارند.
- (3) دست های شانرا از صدقه و بخشش و احسان بسته می دارند.
- (4) یاد الله متعال را به فراموشی می سپارند.<sup>3</sup>

منافقین و کفار بر علاوه که باهم دوست اند و وجوه و صفتهای مشترک دارند بلکه با شیاطین نیز دوست اند، چنانچه الله متعال می فرماید: قَرِيبًا هَدَىٰ وَ قَرِيبًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ.<sup>4</sup> ترجمه: ( در آن وقت که به سوی او برمی گردید، دو گروه خواهید بود: ) گروهی که ( خداوند ایشان را موقف گردانده است و به سبب پیروی از رهنمود پیغمبران ) هدایتشان بخشیده است، و گروهی که درخور گمراهی گردیده و سرگشته شده اند، چرا که به جای یزدان شیاطین را به دوستی و سروری گرفته اند و خویشان را راه یافته پنداشته اند".

در این آیت مبارکه که الله متعال از دو گروه مردم یاد آوری می کند که گروهی اند راه هدایت را انتخاب نمودند و گروهی دیگری اند که راه ضلالت و گمراهی را انتخاب نموده و شیاطین را نیز به خود ولی و دوست گرفتند. نه الله متعال را، و کسیکه شیاطین را به خود دوست بگیرد در حقیقت دچار خسران و زیان آشکار شده و دشمن خود را به

<sup>1</sup> - ابوسعود محمد بن محمد العمادی ، ج 2/ص 256.

<sup>2</sup> -سوره توبه/67.

<sup>3</sup> -سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 2/ص 389.

<sup>4</sup> -سوره اعراف /30.



دوستی گرفته است،

چنانچه که الله متعال شیطان را دشمن انسان معرفی نموده می فرماید: (وَلَا ضَلَّانَهُمْ  
وَلَا مُنْبِتَهُمْ وَلَا مَرْتَبَهُمْ فَلْيَبْئُتْكُمْ آءَادَانَ الْأَنْعَمِ وَلَا مَرْتَبَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ  
وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا)<sup>1</sup>.

ترجمه: « حتماً آنان را گمراه می‌کنم و به دنبال آرزوها و خیالات روانشان می‌گردانم،  
و (آن گاه که بدین وسیله ایشان را فرمانبر خود کردم، هرچه را خواستم) بدی‌شان  
دستور می‌دهم، و آنان (اعمال خرافی انجام می‌دهند و از جمله:) گوشه‌های چهارپایان را  
قطع می‌کنند، و بدی‌شان دستور می‌دهم، و آنان آفرینش خدا را دگرگون می‌کنند (و  
حتی دین خدا را تغییر می‌دهند، و فطرت توحید را به شرک می‌آیند!) و هر که  
اهریمن را به جای خدا سرپرست و یاور خود کند، به راستی زیان آشکاری کرده  
است.»

پس وقتیکه از دایره دوستی خداوند بخشنده بیرون آمدند و دوستی شیطان را ترجیح  
دادند، رسوایی کامل نصیب آنان گردید و دچار سخت‌ترین زیان شدند.

#### اقسام ولایت از لحاظ کم و کیفیت عمل :

از آنجاییکه ایمان، تقوا و عمل از اسباب ولایت است قرآن کریم مؤمنان را از لحاظ کیفیت  
عمل و تقوا به دو دسته تقسیم نموده است:

#### (1) پیشقدمان مقرب.

#### (2) اهل سعادت میانه رو.

الله تعالی هر دو گروه را در چندین جای قرآن کریم ذکر نموده است، در اول و آخر  
سوره واقعه و در سوره انسان، مطفین و فاطر.

و به غرض توضیح بیشتر بهتر است تا به آیات این سوره‌ها نظر بیفکنیم:

الله تعالی در اول سوره واقعه از وقوع قیامت و برخی اسرار و جلوه‌های پرده برداشته  
فرموده است: وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ، فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ، وَأَصْحَابُ  
الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ، وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ، فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ، ثَلَاثَةٌ  
مِّنَ الْأَوَّلِينَ ، وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ .<sup>2</sup>

ترجمه: « و شما سه گروه خواهید شد، پس اهل سعادت چه اهل سعادت؟ و اهل  
شقاوت چه اهل شقاوت؟ و پیشقدمان پیشگامان اند، آنان مقربان درگاه الله اند، در  
باغ‌های پر نعمت بهشت جای دارند، پیشقدمان گروه زیادی از پیشینیان هر دین اند و  
اندکی از پسینیان می‌باشند.»

این اقسام سه گانه، اقسام مردم هنگام بر پا شدن قیامت کبری می‌باشد، وقتی که الله  
تعالی تمام بنده هایش را جمع نماید، چنانکه در چندین موضع قرآن کریم نیز این  
موضوع تذکر یافته است.

<sup>1</sup> -سوره نساء/119.

<sup>2</sup> -سوره واقعه/7-14.

از آیات فوق دانسته میشود که اولیاء الله و دوستان خداوند دو گروه‌اند: (مقربین و اصحاب یمین)، پیامبر ه عمل هر دو گروه را در حدیث اولیاء بیان نموده است، چنانکه فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرَجُلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا ، وَإِنْ سَأَلَنِي لِأَعْطِيَنَّهُ ، وَلَئِنِ اسْتَعَاذَنِي لِأُعِيذَنَّهُ ، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدَّدِي عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ<sup>1</sup>»

ترجمه: « خداوند متعال فرموده است: هرکس با کسی که با من دوستی دارد دشمنی کند، پس من با او اعلان جنگ می‌کنم و بنده با چیزی دوست‌داشتنی‌تر از آنچه بر او فرض کرده‌ام به من نزدیکی نجست، و همیشه بنده‌ام خود را به من نزدیک می‌سازد، به زیادت‌های طاعت تا این که عاقبت او را دوست دارم، وقتی که دوستش داشتم، شنوایی او می‌شوم که با آن می‌شنود و بینایی او می‌شوم که به آن می‌بیند، و دست او می‌شوم که با آن کار می‌کند، و پایش می‌شوم که بر آن راه می‌رود، و هرآینه اگر به من پناه بیاورد او را در پناه خود می‌آورم و بیزاری نمی‌جویم از چیزی که من انجام دهنده‌ی آنم مثل بیزاری جستیم از قبض کردن نفس بنده‌ی مسلمانم که مرگ را نمی‌پسندد و من اذیتش را نمی‌پسندم.»

این حدیث یکی از احادیث صحیحی است که در ارتباط به مقام و جایگاه اولیاء الله نزد خداوند آمده است، و آن اینکه هر کس با دوستی از دوستان الله تعالی دشمنی کند در جنگ و رویارویی با الله تعالی واقع شده است، و نیز در این حدیث سبب عمده کسب ولایت خداوند نیز مشخص گردیده است که همانا پایبندی بر فرائض و واجبات و روی آوردن به نوافل و مندوبات است.

پس اصحاب یمین کسانی‌اند که با ادای فرایض به الله تعالی نزدیکی می‌جویند و از ارتکاب محرّمات خود داری می‌نمایند، و خود را مکلف بر ادای تمام نوافل و دوری جویی از هیچ نوع مباح نمی‌سازند.

اما پیشقدمان مقرب آنانی‌اند که با ادای نوافل و فرایض به الله تعالی نزدیکی می‌جویند، به واجبات و مستحبات عمل می‌نمایند و از محرّمات و مکروهات اجتناب می‌ورزند، چون آنان با تمام توان خود به الله تعالی نزدیکی می‌جویند، الله تعالی با آنان محبت کامل می‌نماید، طوری که در حدیث قدسی فرموده است: «وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ<sup>2</sup>»

ترجمه: «و همیشه بنده‌ام با ادای نوافل به من نزدیکی می‌جوید، تا اینکه دوستش دارم.»

<sup>1</sup> -اخرجه البخاری، صحیح البخاری کتاب الرقاق، باب التواضع رقم (6021)

مراد از محبت و دوستی که در این حدیث ذکر شده است، محبت مطلق و کامل است، مانند نعمتی که در سوره‌ی فاتحه ذکر شده است: **أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ**.<sup>1</sup>

ترجمه: «ما را به راه راست راهنمایی فرما، راه کسانی که بدانان نعمت داده‌ای، نه راه آنان که بر ایشان خشم گرفته‌ای و نه راه گمراهان و سرگشته‌گان».

نعمتی که در این سوره ذکر شده است، همان نعمت مطلق و کامل می‌باشد که در فرموده‌ی الله تعالی بیان گردیده است: **(وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا)**.<sup>2</sup>

ترجمه: «و آن که از احکام الله و رسولش اطاعت کند، او در آخرت همنشین کسانی خواهد بود که الله بدیشان نعمت داده است، آن نعمت داده شدگان عبارت‌اند از: پیغمبران، صدیقان، شهیدان، صالحان و آنان چه دوستان خوبی هستند!»

پس مباحات در حق آن مقربان پیشقدم طاعت‌های نزدیک کننده به الله تعالی گردیده است و اعمال‌شان همه عبادات الله تعالی بوده است، لهذا از شراب خالص بهره ور می‌گردند، چنانکه عمل خالص برای الله انجام داده‌اند.

اما میانه روان بعضی از اعمال‌شان را برای خود انجام دادند، گرچه بر آن عمل عذاب نمی‌شوند و ثوابی هم کمایی نمی‌کنند، لیکن شراب‌شان خالص نبوده است، بلکه آمیخته خواهد بود، به اندازه‌ی آنچه در اعمال دنیوی‌شان آمیخته‌اند.

#### اقسام ولایت از دیدگاه امام ابن قیم جوزی:

امام ابن قیم جوزی (رح) که مشهورترین شاگرد شیخ الإسلام ابن تیمیه می‌باشد در مورد اقسام ولایت می‌گوید: ولایت الله تبارک و تعالی به دو نوع می‌باشد.<sup>3</sup>

اول: ولایت عامه

دوم: ولایت خاصه

ولایت عامه اطلاقش برای همه مؤمنین می‌شود پس هر کسیکه مؤمن باشد و از الله متعال خوف داشته باشد و صاحب تقوی باشد، الله متعال این شخص را دوست میدارد بناء هر مؤمن به اندازه‌ی ایمان و تقوای خود صاحب ولایت می‌باشد. چنانچه الله متعال می‌فرماید: **(إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ)**.<sup>4</sup>

ترجمه: «سزاوارترین مردم (برای انتساب) به ابراهیم (و دین او) کسانی هستند که (در زمان ابراهیم دعوت او را اجابت کردند و) از او پیروی نمودند و نیز این پیغمبر (محمد) و کسانی‌اند که (با او) ایمان آورده‌اند (زیرا محمد و یارانش اهل توحید خالصند که دین ابراهیم است) و خداوند سرپرست و یاور مؤمنان است».

1- سوره فاتحه/6-7.

2- سوره نساء/69.

3- بدائع الفوائد، دار الكتاب العربي، بیروت، لبنان: ج 3/ص 106.

4- سوره آل عمران/68.

در رابطه به این ولایت ابن تیمیه. رحمه الله میگوید: اهل ایمان که ظالم بر نفس خود می باشند دارای ولایت الهی است به اندازه ایمان و تقوای خود و همچنان بدون ولایت الهی می باشد به اندازه عصیان و نافرمانی خود؛ چون یک شخص واحد هم دارای خوبی های می باشد که مقتضی ثواب است و هم دارای بدیها های می باشد که مقتضی عذاب است روی این ملحوظ برای یک شخص مطابق اعمالش یا ثواب داده می شود و یا عذاب به این قول اجماع صحابه، ائمه مسلمین و اهل سنت می باشد.<sup>1</sup>

### ولایت خاصه:

عبارت از انجام دادن تمام اعمال است خاص برای الله متعال حتی تمام هم و غم شخص کسب رضایت و محبت الله متعال می باشد، اگر صبح می کند و یا شام، تمام هم و غمش کسب رضامندی الله متعال می باشد نه چیزی دیگری، اگرچندی که مردم ناراض شوند<sup>2</sup>.

در رابطه به این نوع ولایت امام شوکانی رحمه الله می گوید: ولی به معنای قریب است و مراد از اولیاء الله مؤمنین مخلصین می باشند چونکه همین مؤمنین مخلصین اند که توسط اطاعت و فرمان برداری از اوامر الله متعال و اجتناب از نواهی و معاصی آن به الله متعال نزدیکی می جویند.<sup>3</sup>

### مبحث سوم

#### کار برد لفظ ولی و ولایت، و مشتقات آن در قرآن کریم

##### مطلب اول- کار برد لفظ ولی و ولایت در قرآن کریم:

یکی از مقتضیات ایمان مسلمانان (الحب لله والبغض لله) می باشد، یعنی برای هر فرد مسلمان واجب است که تنها الله و رسول او و مؤمنین را دوست بدارد. و از دشمنان اینها دوری و بیزاری نماید. لذا یکی از کلمات و واژه های که در قرآن کریم کاربرد زیاد دارد لفظ ولی و مشتقات آن می باشد که هم جنبه عقیده وی دارد و هم جنبه اخلاقی و اجتماعی.

کلمات ولی و مشتقات آن در قرآن کریم در مواضع مختلف و به معانی مختلفی بکار برده شده است.

##### أ- ولی به معنای آلهه (خدایان باطل مشرکین):

چنانچه الله متعال می فرماید: ( مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ )<sup>4</sup>.

ترجمه: «کار کسانی که جز خدا، (اشخاص و اصنام و اشیائی را به دوستی

<sup>1</sup> - مجموع الفتاوی ابن تیمیه/ ج2/ ص 345.

<sup>2</sup> - بدائع الفوائد، دار الکتب العربی، بیروت، لبنان: ج3/ ص107.

<sup>3</sup> - تفسیر فتح القدیر الشوکانی، ط1، دار الکتب العلمیه، بیروت، الطبعة الثانية دارالکتب العلمیه بیروت./ ج2/ ص436.

<sup>4</sup> - سوره عنکبوت/ 41.

برگرفته‌اند، و از میان آفریدگان، برای خود) سرپرستانی برگزیده‌اند، همچون کار عنکبوت است که (برای حفظ خود از تارهای ناچیز) خانه‌ای برگزیده است (بدون دیوار و سقف و در و پیکری که وی را از گزند باد و باران و حوادث دیگر در امان دارد). بی‌گمان سست‌ترین خانه‌ها خانه و کاشانه عنکبوت است، اگر (آنان از سستی معبودها و پایگاه‌هایی که غیر از خدا برگزیده‌اند باخبر بودند، به خوبی) می‌دانستند (که در اصل بر تار عنکبوت تکیه زده‌اند).

مطابق تفسیر عموم مفسرین در این آیت مبارکه اولیاء به آلهه یعنی خدایان باطل مشرکین اطلاق شده است.

امام شوکانی، رحمه الله گفته است: «یوالونهم، ویتکلون علیهم فی حاجاتهم من دون الله سواء كانوا من الجماد أو الحيوان، ومن الأحياء أو من الأموات».<sup>1</sup>

آنها به جز از الله متعال خدایان باطل خود را دوست میداشتند و بر آنها توکل و در بر آورده شدن حاجات شان بر آنها اعتماد میکردند و آن خدایان باطل یا از جمادات میبود یا از حیوانات یا از زنده‌ها و یا از مرده‌ها میبود.

و در تفسیر زاد المسیر { مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ } آمده است: «الأصنام يتخذها المشركون أولياء يرجون نفعها ونصرها».<sup>2</sup>

یعنی مراد از اولیاء بت‌های است که مشرکان برای خود دوست و مددگار گرفته‌اند که نفع و ضرر را از آنها توقع دارند.

**ب- ولی به معنای (فرزند):** چنانچه که در این آیت الله متعال در باره زکریا (علیه السلام) می‌فرماید: ( فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا )<sup>3</sup>.

ترجمه: پس از فضل خویش جانشینی به من ببخش.

امام شوکانی رحمه الله در تفسیر این آیت گفته است: هدفش اعطای فرزند بود از اینکه خانمش نازا بوده و خودش به بزرگ سالی رسیده بود به کلمه ولی تعبیر نمود.<sup>4</sup>

**ج- ولی به معنای صاحب و یاور:**

چنانچه الله متعال می‌فرماید: ( وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّنْيَا وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا )<sup>5</sup>.

ترجمه: «بگو: حمد و سپاس خداوندی را سزا است که برای خود فرزندی برنگزیده است و در فرمانروائی و مالکیت (جهان) انبازی انتخاب ننموده است و یآوری به خاطر ناتوانی نداشته است. بنابراین او را چنان که باید به عظمت بستا (و زبان به بزرگواریش بگشا).

یعنی، الله عاجز و ناتوان نیست که به یاور و امداد کننده نیاز داشته باشد.<sup>6</sup>

**د- ولی به معنای سرپرست و متولی امور:**

<sup>1</sup>-شوکانی، فتح القدير، ج5/ص 443.

<sup>2</sup>-تفسیر زاد المسیر، ج5/ص 79.

<sup>3</sup> -سوره مریم /5.

<sup>4</sup>-شوکانی، تفسیر فتح القدير، ج4/ص 440.

<sup>5</sup> -سوره اسرا/111.

<sup>6</sup>-تفسیر بحر المحيط، ج7/ص 411. محمد علی الصابونی، صفوة التفاسیر، ج2/ص 143.

چنانچه الله متعال می فرماید: (وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ).<sup>1</sup> ای : یوالیکم ، فیمنع عنکم ما قضاه الله .<sup>2</sup> ای : قریب ینفعکم<sup>3</sup>

ترجمه: شما نمی‌توانید (از قلمرو حکومت خدا بیرون روید و او را) درمانده کنید، چه در زمین و چه در آسمان (باشید)، و بغیر از خدا شما هیچ سرپرستی و یآوری ندارید.

#### ه- ولی به معنای معبود برحق:

الله متعال می فرماید: (قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ اتَّخَذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ).<sup>4</sup> أما الولي فالذي تولاه ، ويقرّ له بالربوبية.<sup>5</sup> ای : لا أتخذ وليا غير الله أتولاه ، وأعبده ، وأستعينه .<sup>6</sup>

ترجمه: «بگو: آیا غیر خدا را معبود و یاور خود بگیرم؟! در صورتی که او آفریننده آسمان‌ها و زمین است و او روزی می‌دهد (و رازق همگان او است و همه بدو نیازمندند) و به او روزی داده نمی‌شود (و نیازمند کسی نیست). بگو: به من دستور داده شده است که نخستین کسی باشم که (از این امت، خویشان را خالصانه تسلیم فرمان خدا کند و) مسلمان باشد (و نیز خداوند به من دستور داده است که) از زمره مشرکان مباش.

#### و- ولی به معنای مدد رسان:

چنانچه الله متعال می فرماید: (ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ).<sup>7</sup> { بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا } ای : بسبب أن الله ناصرهم ، { وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ } ای : لا ناصر يدفع عنهم .<sup>8</sup> ای لا ناصر لهم ولا معين ولا مغیث.<sup>9</sup>

ترجمه: این (عاقبت نیک مؤمنان و عاقبت سوء کافران) بدان خاطر است که خداوند سرپرست و یاور مؤمنان است، و لیکن کافران هیچ‌گونه سرپرست و یآوری ندارند.

#### ز- ولی به معنای وارثین: (فرزندان و خویشاوندان پدری شخص):

چنانچه الله متعال می فرماید: (وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوْلَىٰ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا).<sup>10</sup> جعلنا موالی ای وراثاً یلونه و یحرزونه.<sup>11</sup>

ترجمه: «برای هر یک (از مردان و زنان) وارثانی تعیین کردیم تا از میراث پدر و

1-سوره عنکبوت/22.

2-شوکانی، تفسیر فتح القدير، ج

3-تفسیر زاد المسیر ج/5 ص/73.

4-سوره انعام/14.

5-تفسیر فتح القدير، ج/2 ص/398.

6-تفسیر زاد المسیر، ج/2 ص/205.

7-سوره محمد/11.

8-تفسیر فتح القدير، ج/6 ص/247.

9-صابونی، صفة التفاسیر، ج/3 ص/224.

10-سوره نساء/33.

11-تفسیر بحرالمحیط، ج/4 ص/117.

مادر و نزدیکان برخوردار شوند (و بر ترکه ایشان استیلاء یابند) و به کسانی که با آنان پیمان (زناشویی) بسته‌اید (و ایشان را به شوهری یا همسری پذیرفته‌اید) بهره خودشان را (به تمام و کمال) بدهید (و بدانید که) بی‌گمان خدا بر هر چیزی حاضر و ناظر (و مراقب رفتار و کردار شما) بوده است (و می‌باشد).

**ن- ولی به معنای دوستی در دین کفر:** (تعهد گروه‌های کفار به همدیگر) چنانچه الله متعال می‌فرماید: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ).<sup>1</sup>

ترجمه: آیا آگاهی از کسانی که گروهی را به دوستی می‌گیرند که خدا بر آنان خشمگین است. اینان (منافقانی بیش نبوده و) نه از شمایند و نه از آنانند. چنین کسانی چگونه آگاهانه سوگند دروغ یاد می‌کنند!

یعنی: ای محمد از حالت کسانی که یهود را به خود دوست و هم پیمان دینی گرفته اند تعجب می‌کنی آنها کسانی اند که با گروه‌های کفار چون یهود و نصارا تعهد و پیمان دینی بسته اند بر اینکه در حق آنها خیر اندیشند و اسرار مؤمنان را به آنها انتقال می‌دهند.<sup>2</sup> و همچنان در این آیه نیز لفظ "اولیاء" به معنای دوستی در دین به کار برده شده است: (وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ).<sup>3</sup>

ترجمه: مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران دیگریند. أي: قلوبهم متحدة في التوادة، والتحابب، والتعاطف بسبب ما جمعهم من أمر الدين وضمهم من الإيمان بالله

یعنی، دل‌های مؤمن‌ها به سبب ایمان به الله با هم متحد است و به همین لحاظ یکدیگر را دوست داشته و با همدیگر مهربان‌اند.<sup>4</sup>

### مطلب دوم - مشتقات لفظ ولی و ولایت در قرآن کریم:

قبلا از لفظ ولی و ولایت تعریف کرده شد، و نیز معانی ولی و ولایت در قرآن کریم و طلاقات آن تذکر گردید.

مشتقات و کاربرد لفظ ولی یا ولایت در کلام عرب و از نظر فقهی خیلیها زیاد است، اما در قرآن کریم برخی از مشتقات ولی یا ولایت ذکر شده است، آنچه که در قرآن کریم ذکر شده است قرار ذیل می‌باشد.

**1\_ لفظ اولیاء در قرآن کریم:** این لفظ در قرآن کریم حدود 35 بار ذکر گردیده است و به معانی مختلفی چون دوست داشتن، دوست، یار و یاور، هم پیمان، همسایه، پیرو کیش و مذهب به کار برده شده است.

**2\_ لفظ تولی در قرآن کریم:** این لفظ در قرآن کریم حدود 8 بار ذکر گردیده است و به معنی به عهده گرفتن کاری، و انجام دادن کاری، برگشتن و روی گرداندن استعمال

<sup>1</sup> -سوره مجادله/14.

<sup>2</sup> -صابونی محمد علی، صفوة التفاسیر، ج3/ص 225.

<sup>3</sup> -سوره توبه/71.

<sup>4</sup> -شوکانی، تفسیر فتح القدير، ج3/ص 284.

شده است. چنانچه که الله متعال در این آیت می فرماید: (ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ).<sup>1</sup>

ترجمه: سپس شما، بعد از همه این‌ها، (از طاعت و عبادت) روگردان شدید، و اگر لطف خدا و رحمت او شامل شما نمی‌شد (و به شما مهلت نمی‌داد و عذاب را به تأخیر نمی‌انداخت) جزو زیانباران می‌بودید.

یعنی شما از پیمانی که بسته بودید روی گردانیدید و به آن عمل نکردید، در اصل "تولی" به جسم صورت می‌گیرد و در اعراض از امور، ادیان و معتقدات مجازا استعمال میشود،<sup>2</sup>

**3\_ لفظ مولی در قرآن کریم:** این لفظ در قرآن کریم حدود 5 بار ذکر گردیده است به معنی یاور و سرپرست استعمال شده است. چنانچه الله متعال می فرماید: (وَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَىٰ كُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ).<sup>3</sup>

ترجمه: «و اگر پشت کردند (و به روی گردانی خود از حق و آزار مؤمنان ادامه دادند) بدانید که (شما تحت سرپرستی خدا قرار دارید و) خداوند سرپرست شما است و او بهترین سرپرست و بهترین یاور و مددکار است.

و آیه (بَلِ اللَّهِ مَوْلَىٰ كُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ).<sup>4</sup>

ترجمه: (کافران یاور شما نیستند) بلکه خدا یاور شما است و او بهترین یاوران (و بزرگترین مددکاران) است.

**4\_ لفظ وال در قرآن کریم:** این لفظ یک بار در قرآن کریم ذکر شده است و به معنای یاور، سرپرست و عهده دار امور استعمال شده است. چنانچه الله متعال می فرماید: (لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ).<sup>5</sup> أي ليس لهم من دون الله ولي، يدفع عنهم العذاب والبلاء.<sup>6</sup>

ترجمه: «انسان دارای فرشتگانی است که به (نوبت عوض می‌شوند و) پیاپی از روبرو و از پشت سر (و از همه جوانب دیگر، او را می‌پایند و) به فرمان خدا از او مراقبت می‌نمایند. خداوند حال و وضع هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد (و ایشان را از بدبختی به خوشبختی، از نادانی به دانائی، از ذلت به عزت، از نوکری به سروری، و... و بالعکس نمی‌کشانند) مگر این که آنان احوال خود را تغییر دهند، و (این سنت جاری در اسباب و مسببات ظاهری است، ولی) هنگامی که خدا بخواهد بلائی به قومی برساند هیچ کس و هیچ چیزی نمی‌تواند آن را (از ایشان) برگرداند، و هیچ کس غیر خدا نمی‌تواند یاور و مددکار آنان شود.

<sup>1</sup> -سوره بقره/64.

<sup>2</sup> - ابو حیان اندولسی / بحرالمحیط، ج 1/ص 315.

<sup>3</sup> -سوره انفال/40

<sup>4</sup> -سوره آل عمران/150.

<sup>5</sup> -سوره رعد/11.

<sup>6</sup> -صابونی، صفوة التفسیر، ج2/ص 73.



## فصل دوم

### اولیاء الرحمن در قرآن کریم

اولیاء الرحمن همان دوستان و بنده های مقرب الله متعال اند که از مقتضیات ایمان ذره تخلف نکرده به اعمال صالح پایبند بوده و از معاصی اجتناب نموده اند.

در این فصل بعد از تعریف ولی و ولایت در فصل اول، اولیاء الرحمن را در ضمن بیان نمودن مواصفات آنها به معرفی گرفته شده، سپس در مباحث جدا گانه اقسام، مراتب، و تفاضل آنان بر سائرین و اسباب کسب ولایت و اثر گذاری آن به بحث گرفته میشود.

این فصل با بیان موارد فوق شامل سه مبحث و مطالب متعدد میگردد.

**مبحث اول:** اولیاء الرحمن، صفات، جایگاه و اهمیت آن هادر قرآن کریم

**مبحث دوم:** اقسام اولیاء الرحمن، مراتب و تفاضل میان آنها در قرآن کریم

**مبحث سوم:** اسباب کسب ولایت الهی و آثار آن در قرآن کریم

## مبحث اول

## اولیاء الرحمن، صفات، جایگاه و اهمیت آنها در قرآن کریم

اولیاء الله (دوستان خداوند): اشخاصی اند، که همواره مؤمن و مطیع خدای عزوجل باشند، زیرا این اشخاص با پیروی از دستورات رب ذو الجلال از وی اطاعت نموده و او را دوست می دارند. و به عبارت دیگر ولی الله کسی است که الله متعال به نسبت طاعت و عبادت او را دوست داشته است.<sup>1</sup>

امام محمد بن عبدالوهاب<sup>2</sup> رحمه الله می گوید: «به کرامات اولیاء و مکاشفاتی که دارند، اقرار می کنم ولی می گویم: هیچ حق خداوندی برایشان متصور نیست و جایز نیست که از آنان کاری خواسته شود که جز خدا کسی قادر بر آن نباشد».<sup>3</sup>

## مطلب اول- صفات اعتقادی و عملی اولیاء الرحمن در قرآن کریم:

اولیاء الرحمن کسانی هستند که از دیدگاه قرآن کریم و مفسرین دارای مواصفات و ویژگی های زیادی می باشند از جمله میتوان از این صفات نام برد .

## 1- اولیاء الرحمن اهل ایمان و اهل تقوی اند:

ایمان یکی از بزرگترین صفت های اولیاء الرحمن می باشد، چنانچه الله متعال در ضمن معرفی اولیاء الله فرموده است: **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ، الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ** .<sup>4</sup>

ترجمه: (دوستان خداوند) کسانی که ایمان آورده اند و تقوا پیشه کرده اند. هان! بی گمان دوستان خداوند (سبحان) ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت) نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است).

<sup>1</sup> - شرح کتاب ثلاثة الأصول: جلد 6/ ص 226: لشيخ الإسلام محمد بن عبد الوهاب التيمي ص 1111 هـ - 1206 هـ .

<sup>2</sup> - محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان تیمی النجدی ،مجدد عقیده ، رهبر و پیشوای نهضت اصلاحی در جزیره العرب ،در سال (1115) هـ ق در منطقه بنام درعیة از مربوطات نجد به دنیا آمد ، به شام وبصره سفر نموده است و بعد از اتمام دوره تعلیم و تحصیل به زاد گاهش در نجد بر گشته او در پیروی از قرآن و سنت منهج سلف را اختیار نموده و در اختیار مسلک توحید و سنت و مبارزه علیه شرک و بدعت روش دعوت خستگی نا پذیری را اختیار نموده و با پیروان خرافات عقیدوی و مبتدعین مبارزه سختی را در پیش گرفته بود و به همین سبب موافقان و دشمنانی زیادی در سرزمین حجاز و مناطق دیگری داشت، و محمد بن سعود که در آن زمان امیر نجد بود از او حمایت کرد پیروان او مکه ، مدینه و قبایل حجاز را تحت سلطه خود در آوردند دعوت او در سال (1143) هـ در تمام بلاد اسلامی نشأت کرده و عراق شام ، مصر و هند و افغانستان را شامل گردید چنانچه از پیروان دعوت او در بلاد اسلامی از اشخاص ذیل نامبرده شده است: علامه آلوسی کبیر در بغداد، صدیق حسن خان در هند و علماء دیگر در نقاط مختلف نامبرده شده است.

مخالفانش او و پیروانش را وهابی نام گذاشته اند که این نام گذاری به حربه دشمنی با دین اسلام در نزد اهل خرافات و دشمنان شرقی و غربی اسلام مبدل شده است . از او تألیفات زیادی به جا مانده است که شکل رسایل به طبع رسیده است که یکی از آن رسایل ((الدر السنیه)) میباشد. المكتبة الشاملة نقلا عن الاعلام للزرکلی.

<sup>3</sup> - محمد بن عبدالوهاب، بن سلیمان التیمی النجدی ط (1423) هـ الدر السنیه، الطبعة الرابعة الرياض ج 1/ص 32.

<sup>4</sup> -سوره یونس /62.

اولیاء الرحمن کسانی اند که الله ایمان آورده و به الله ورسولش محبت دارند از آنچه که سبب نارضایتی او تعالی میشود دوری نموده و همیشه مصروف طاعت و عبادت می باشند وایمان به الله و به ملائکه ها و کتابهای آسمانی و پیامبران الهی و به روز آخرت دارند، و همیشه از الله متعال می ترسند و تنها از او امر الله متعال اطاعت و از نواهی او اجتناب می کنند.<sup>1</sup>

کمال ایمان محبت به الله و طلب رضای او است چنانچه در حدیثی رسول الله ص فرموده اند: «مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ وَأَعْطَى لِلَّهِ وَمَنَعَ لِلَّهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ».<sup>2</sup>

ترجمه: کسیکه برای رضای الله دوست داشت و برای رضای الله بغض ورزید و برای رضای الله چیزی را داد و به برای رضای الله منع نمود حقیقتاً ایمان را کامل کرده است.

روی این ملحوظ هرکسیکه ایمان خود را به درجه کمال برساند ولی و دوست الله متعال می باشد؛ و اولیاء الرحمن کسانی اند که در دنیا ایمان و تقوی را انتخاب نموده و هیچگونه خوف و ترس از اولیاء الشیطان ندارند، و تنها از الله متعال می ترسند و هراس دارند چنانچه الله متعال می فرماید: **إِنَّمَا ذَلِكَمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**.<sup>3</sup>

ترجمه: «این تنها اهریمن است که شما را از دوستان خود (با پخش شایعات و سخنان بی اساس) می ترساند، پس (از آنجا که شما به خدا ایمان دارید، بیباک و دلیر باشید و) از آنان مترسید و از من بترسید اگر مؤمنان (راستین) هستید.

و همچنان اولیاء الرحمن مانند کفار و گنهکاران در آخرت هیچ نوع خوف و هراسی از عذاب قیامت ندارند چونکه اینها ایمان به قضاء و قدر الهی دارند و همیشه در دنیا رضایت الله متعال را می خواستند.<sup>4</sup> چنانچه الله متعال فرموده است: **لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَ كُنْتُمْ تُوعَدُونَ**<sup>5</sup>

ترجمه: «هراس بزرگ (رستخیز نه تنها) ایشان را غمگین نمی سازد، و بلکه فرشتگان (به) استقبال آنان می شتابند و برای تبریک و شاد باش پذیرایشان می گردند (و بدی شان می گویند): این همان روزی است که به شما وعده داده می شد.

## 2\_ اولیاء الرحمن اهل فرقان (بینش و درک ویژه ی) میباشند :

چنانچه الله متعال در قرآن کریم می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ**.<sup>6</sup>

ترجمه: ای مؤمنان! اگر از خدا (بترسید و از مخالفت فرمان او) بپرهیزید، خدا بینش ویژه ای به شما می دهد که در پرتو آن حق را از باطل می شناسید، و گناهانتان را می زداید و شما را می آمرزد، چرا که یزدان دارای فضل و بخشش فراوان است.

<sup>1</sup>-ابن تیمیة، اولیاء الرحمن و اولیاء الشیطان، ج1/ص9.

<sup>2</sup>-آخرجه ابوداود، سنن ابوداود کتاب الایمان، باب الدلیل علی زیادة الایمان و نقصانه، رقم الحدیث (4061) وقال الشیخ الالبانی، صحیح صحیح وضعیف سنن ابوداود، ج10/ص181.

<sup>3</sup>-سوره آل عمران/175.

<sup>4</sup> التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، د وهبة بن مصطفى الزحلی، دار الفكر المعاصر - بیروت، دمشق الطبعة : الثانية، 1418 هـ جلد 11/ ص 211/212.

<sup>5</sup>-سوره انبیاء/103.

<sup>6</sup>-سوره انفال/29.

در این آیت متعال مؤمنان را به تقوا توصیف نموده و سپس برای آنان سه پاداش در نظر گرفته است.

أ- اولیاء الرحمن اهل فرقان و بینش اند: یعنی اولیاء الرحمن در میان حق و باطل فرق می‌گذارند، و از طرف الله متعال به شرح صدر توصیف شده اند چنانچه که الله متعال اولیاء الرحمن را در دنیا به هدایت، معرفت، و انشراح صدر خاص گردانیده و می‌فرماید: **أَقْمَنَ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ** <sup>1</sup>.

ترجمه: «آیا کسی که خداوند سینه‌اش را برای پذیرش اسلام گشاده و فراخ ساخته است و دارای (بینشی روشن از) نور پروردگارش می‌باشد (و در پرتو آن، راه را از چاه تشخیص می‌دهد، همچون کسی است که هدایت الهی در سایه اسلام پرتوی به دل او نیفکنده است و درونش با ایمان تابان نشده است؟!». وای بر کسانی که دل‌های سنگینی دارند و یاد خدا بدان‌ها راه نمی‌یابد (و قرآن یزدان در آنها اثر نمی‌گذارد!). آنان واقعاً به گمراهی و سرگشتگی آشکاری دچارند.

ب- **محو سنیات**: الله متعال قلبهای اهل ایمان و تقوا را از کینه و حسد و کدورت بدور داشته و به فتح و نصرت و مرتبه بلند عزت و آبرو بشارت داده و می‌فرماید: **وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّذِينَ آمَنُوا أَجْرٌ كَبِيرٌ** <sup>2</sup>.

ترجمه: عزت و قدرت از آن خدا و فرستاده او و مؤمنان است، و لیکن منافقان (این را درک نمی‌کنند و) نمی‌دانند.

ج- **آمزش گناهان کبیره**: الله متعال تمام آثار گناهان کبیره و صغیره را از اولیاء الرحمن خود زائل نموده و یا آنرا مستور نموده است و شکی نیست که توبه نمودن بعد از انجام گناهان یکی از مظاهر تقوی و خدا ترسی می‌باشد. الله متعال به فضل و احسان بزرگ خود در روز قیامت تمام گناهان اولیاء و دوستان خود را محو و نابود می‌کند، چونکه الله متعال صاحب فضل بزرگی است، خلاصه گفته می‌توانیم که تقوی نوری در دنیا و آخرت، و سبب برای خوشبختی در دنیا و آخرت، و نجات از هرگونه بدی و بد بختی می‌باشد <sup>3</sup>.

همانگونه که الله متعال فرموده است: **وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ** <sup>4</sup>.

ترجمه: و توشه بگیرید (هم برای سفر حج و هم برای سرای دیگران و بدانید) که بهترین توشه پرهیزگاری است، و ای خردمندان! از (خشم و کيفر) من بپرهیزید.

### خصلت ها و اوصاف قلبی:

اولیاء الله دارای خصلت های ذیل می باشند.

#### 1- تقوی:

چنانچه که الله متعال می‌فرماید: **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ**

1 -سوره زمر/22.

2 -سوره منافقون/8.

3 - التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، د هبة بن مصطفى الزحيلي، جلد9 / ص 303.

4 -سوره بقره/197.

ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ<sup>1</sup>.

**ترجمه:** هان! بی‌گمان دوستان خداوند (سبحان) ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت) نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی‌گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است). (دوستان خداوند) کسانی که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند.

**2-انجام اعمال نیک برای کسب رضایت الله متعال:**

چنانچه که الله متعال می‌فرماید: وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ آتِبَعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَنبِيئًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ<sup>2</sup>.

**ترجمه:** مثل کسانی که دارائی خود را برای خوشنودی خدا و استوار کردن جان‌های خود (بر ایمان و احسان) صرف می‌کنند، همچون مثل باغی است که روی پشته‌ای باشد (و از هوای آزاد و نور آفتاب به حد کافی بهره گیرد) و باران شدیدی بر آن ببارد و در نتیجه چندین برابر میوه دهد، و اگر هم باران شدیدی بر آن نبارد، باران خفیفی بر آن ببارد، (به سبب خاک خوب و آفتاب مناسب و هوای آزاد، باز هم ببار نشیند)، و آنچه را انجام می‌دهید خدا می‌بیند.

بناء هر شخص که یک عمل را برای کسب رضامندی الله متعال انجام ، الله متعال عمل او را می‌پذیرد و خوشنود می‌گردد، و قلب های مردم را بسوی او مایل می‌گرداند. و کسیکه یک عمل را بخاطر دیگران نه برای کسب رضامندی الله متعال انجام بدهد، الله متعال از آن شخص روی گردانیده و قلب های مردم را نیز از او بر می‌گرداند و مورد قبول قلب های مردم قرار نمی‌گیرد .

**3\_ انجام اعمال نیک را از فضل و رحمت الله متعال می‌داند نه از جانب نفس خود:**

چنانچه که الله متعال می‌فرماید: وَاتَّبَعَتْ مَلَائِكَةُ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانُوا لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ<sup>3</sup>.

**ترجمه:** و من از آئین پدران (و نیاکان) خود ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کرده‌ام (و به دنبال ایشان رفته‌ام). ما (انبیاء) را نسزد که چیزی را انباز خدا کنیم. این (توحید و یگانه‌پرستی)، لطف خدا است در حق ما (انبیاء که افتخار تبلیغ آن را پیدا کرده‌ایم) و در حق همه مردمان (که با پذیرش آن راه بهشت را می‌سپزند) ولیکن بیشتر مردمان سپاس‌گزاری (چنین لطفی را) نمی‌کنند (و چیزهایی را انباز خدا می‌نمایند که کاری از آنها ساخته نیست). این تیمیه رحمة الله در این مورد می‌فرماید: شخص مؤمن میدانند که انجام اعمال نیک او خاص برای الله متعال می‌باشد نه برای دیگران؛ چون بنده مؤمن تنها الله متعال را عبادت می‌کند و تنها از او استعانت می‌خواهد<sup>4</sup>.

<sup>1</sup> -سوره یونس/62.

<sup>2</sup> -سوره بقره/265.

<sup>3</sup> -سوره یوسف/38.

<sup>4</sup> -اتحاف اهل السنة العدول فی بیان سته الاصول : مولف : عبد الله بن صالح العییلان ، ج/183 / 190،

روی این ملحوظ بنده مؤمن برای کسیکه نیکی میکند از آن شخص پاداش و شکر گزاری نمی خواهد بلکه آنرا خاص برای رضامندی الله متعال انجام داده و پاداش آن را از الله متعال می خواهد. چنانچه که الله متعال در این مورد می فرماید: **إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا**<sup>1</sup>.

**ترجمه:** (به زبان حال، بدی‌شان می‌گویند) ما شما را تنها به خاطر ذات خدا خوراک می‌دهیم، و از شما پاداش و سپاسگزاری نمی‌خواهیم.

#### 4\_ محاسبه عیب‌ها و کنترل جوارح که توسط آن گناه انجام میشود:

وقتیکه الله متعال انسان را از هر نوع عملکردش بازخواست نموده و مورد محاسبه قرار میدهد پس لازم است که انسان بانفس خود محاسبه کند قبل از اینکه محاسبه شود. چنانچه که الله متعال می فرماید: **وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا**<sup>2</sup>.

**ترجمه:** از چیزی دنبال‌هروی مکن که از آن نا آگاهی. بی‌گمان (انسان در برابر کارهایی که) چشم و گوش و دل همه (و سایر اعضا دیگر انجام می‌دهند) مورد پرس و جوی از آن قرار می‌گیرد.

#### 5- داشتن گمان نیک در برابر الله متعال:

چنانچه که الله متعال می فرماید: **ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ**<sup>3</sup>.

**ترجمه:** سپس به دنبال این غم و اندوه، آرامشی به گونه خواب سبکی بر شما چیره کرد که گروهی از (مؤمنان راستین) شما را فرا گرفت، و گروه دیگری تنها در بند خود بودند و درباره خدا پندارهای نادرستی چون پندارهای زمان جاهلیت داشتند (و بر سبیل انکار) می‌گفتند: آیا چیزی از کار (پیروزی و نصرتی که پیغمبر به ما وعده داده بود) نصیب ما می‌شود؟ بگو: همه کارها (اعم از پیروزی و شکست) در دست خدا است. (آنان در حین گفتن این سخن) در دل خود چیزهایی را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند. (به خود) می‌گویند: اگر کار به دست ما بود (و یا: اگر برابر وعده محمد، سهمی از پیروزی داشتیم)، در اینجا کشته نمی‌شدیم. بگو: اگر (برای جنگ بیرون نمی‌آمدید و) در خانه‌های خود هم بودید، آنان که کشته‌شدن در سرنوشتشان بود، به قتلگاه خود می‌آمدند و (در مسلخ مرگ کشته می‌شدند). آنچه خدا خواست - بنا به مصلحتی که خود می‌دانست - در جنگ احد شد (تا خداوند

الطبعة الاولى، 1439 هـ، 2018 م.

1-سوره انسان/9.

2-سوره اسراء/36.

3-سوره آل عمران/156.

آنچه را که در سینه‌ها دارید بیازماید و تا آنچه را که در دل‌ها دارید خالص و سره گرداند، و خداوند بدانچه در سینه‌ها (از اسرار و رازها) است آگاه است.

## 6\_ مداومت و همیشگی به توبه و استغفار:

چنانچه که الله متعال می فرماید: إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا.<sup>1</sup>

ترجمه: هنگامی که یاری خدا و پیروزی (و فتح مکه) فرا می‌رسد. و مردم را می‌بینی که دسته دسته و گروه گروه داخل دین خدا می‌شوند (و به اسلام ایمان می‌آورند). پروردگار خود را سپاس و ستایش کن، و از او آمرزش (خود و یاران خویش را از شتابگری در فرا رسیدن فتح و وقوع پیروزی، و اظهار دل‌تنگی و گلاویه از زندگی) بخواه. خدا بسیار توبه‌پذیر است.

و در صحیحین از حضرت عائشه (رضی الله عنها) روایت شده است که فرمود: «ما صلی النبی (صلی الله علیه وسلم) صلاة بعد أن نزلت علیه (إذا جاء نصر الله) إلا یقول فیها: (( سبحنک ربنا وبحمدک، اللهم اغفر لی))».<sup>2</sup>

ترجمه: هیچ نمازی را پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بعد از نزول سوره نصر نمی خواند مگر اینکه در آن می گفت: (سبحنک ربنا وبحمدک، اللهم اغفر لی)

## 7- تدبیر در قرآن کریم و تفکر در نعمت‌ها و مخلوقات الله متعال:

چنانچه که الله متعال در وصف مؤمنان رستگار فرموده است: وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا.<sup>3</sup>

ترجمه: «و کسانی که به وسیله آیات پروردگارشان پند داده شدند همسان کران و نابینایان بر آن فرو نمی‌افتند (و غافل‌وار بدان گوش فرا نمی‌دهند. بلکه با گوش دل می‌شنوند و با چشم عقل بدان می‌نگرند، و درسها و اندرزهای قرآنی را آویزه گوش جان می‌کنند و نیروی ایمان خود را بدان تقویت می‌سازند).

این آیت دلالت بر این میکند که بالاترین مراتب صدیقین و دوستان خداوند همانا تفکر در دلایل ذات و صفات الله متعال می باشد.

## 8- ذکر و یاد الله متعال در همه حالات :

چنانچه که الله متعال می فرماید: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ.<sup>4</sup>

ترجمه: «گناهی بر شما نیست این که از فضل پروردگار خود برخوردار شوید (و در ایام حج به کسب و تجارت پردازید). و هنگامی که از عرفات (به سوی مزدلفه) روان شدید، خدا را (با تهلیل و تکبیر و تلبیه) در نزد مشعر الحرام یاد کنید، و همان‌گونه که شما را رهنمون کرده است خدای را یاد کنید (و با تضرع و زاری و بیم و امید و این که گوئی که او را می‌بینید به

1 -سوره نصر/1-3.

2 - اخرجه البخاری، صحیح البخاری، کتاب الفسیر، باب ..ج15/ص349. رقم(4585)

3 -سوره فرقان/73.

4 -سوره بقره/198.

ذکرش بپردازید) اگرچه پیش از آن جزو گمراهان بوده باشید.  
**فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا<sup>1</sup>**

ترجمه: هرگاه نماز را به پایان بردید، خدای را ایستاده و نشسته و بر پهلوهایتان افتاده (و در همه حال و احوال) یاد کنید (و حتی در کشاکش روزگار و گرماگرم کشت و کشتار، خدا گویند و خدا جویند) و هنگامی که (ترس و هراسی نماند و) آرامش خود را باز یافتید، نماز را (به تمام و کمال و در وقت مشخص) برپای دارید. بی‌گمان نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معلوم و معین است.

### 9- تلاوت قرآن کریم، عمل به آیات محکم و ایمان به متشابه آن:

الله متعال در وصف مؤمنانی که کتاب الله را تلاوت نموده نماز بر پا میدارند و زکات میپردازند، فرموده است: **إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجْرَةً لَّن تَبُورَ<sup>2</sup>**

ترجمه: «کسانی که کتاب خدا (قرآن را) می‌خوانند، و نماز را پا برجای می‌دارند، و از چیزهایی که بدیشان داده‌ایم، پنهان و آشکار، بذل و بخشش می‌نمایند، آنان چشم امید به تجارتی دوخته‌اند که هرگز بی‌رونق نمی‌گردد و از میان نمی‌رود.

و در آیه دیگری در مورد ایمان راسخ و بدون شک و تردید به آیات قرآن کریم فرموده است: **هُوَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ<sup>3</sup>**

ترجمه: « او است که کتاب ( قرآن ) را بر تو نازل کرده است . بخشی از آن ، آیه های « مُحْكَمَات » است ( و معانی مشخص و اهداف روشنی دارند و ) آنها اصل و اساس این کتاب هستند ، و بخشی از آن آیه های « مُتَشَابِهَات » است ، ( و معانی دقیقی دارند و احتمالات مختلفی در آنها می رود ) . و اما کسانی که در دل‌هایشان کژی است ( و گریز از حق ، زوایای وجودشان را فرا گرفته است ) برای فتنه انگیزی و تأویل ( نادرست ) به دنبال متشابهات می افتند . در حالی که تأویل ( درست ) آنها را جز خدا و کسانی نمی دانند که راسخان ( و ثابت قدمان ) در دانش هستند . ( این چنین و ارستگان و فرزانهانی ) می گویند : ما به همه آنها ایمان داریم ( و در پرتو دانش می دانیم که محکمت و متشابهات ) همه از سوی خدای ما است . و ( این را ) جز صاحبان عقل ( سلیمی که از هوی و هوس فرمان نمی برند ، نمی دانند و ) متذکر نمی شوند .

### 10- امر به معروف و نهی از منکر:

چنانچه که الله متعال در وصف مؤمنان که خود را از خسران و زیان نجات میدهند فرموده است: **وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، (إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا**

1-سوره نساء/103.

2-سوره فاطر/29.

3-سوره آل عمران/7.



بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ.<sup>1</sup>

ترجمه: «سوگند به زمان (که سرمایه زندگی انسان، و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است) انسان‌ها همه زیانمندند. مگر کسانی که ایمان می‌آورند، و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند، و همدیگر را به تمسک به حق (در عقیده و قول و عمل) سفارش می‌کنند، و یکدیگر را به شکیبایی (در تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها و دردها و رنج‌هایی) توصیه می‌نمایند (که موجب رضای خدا می‌گردد).

و همچنان الله متعال توصیه‌های لقمان حکیم را به فرزندش بازگو نموده فرموده است: **يَبْنَیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلٰی مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ**.<sup>2</sup>

ترجمه: ای پسر عزیزم! نماز را چنان که شاید بخوان، و به کار نیک دستور بده و از کار بد نهی کن، و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد شکیبا باش. این‌ها از کارهای (اساسی و مهمی) است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید.

### 11-حفاظت زبان از منکر و دروغ :

چنانچه که الله متعال در وصف مؤمنان نیکو می‌فرماید: **وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ**.<sup>3</sup>

ترجمه: آنان به‌سوی (گفتن) سخنان زیبا، و راه (انجام کارهای) پسندیده رهنمود می‌گردند.

و همچنان الله متعال در مورد جلو گیری از گناه که توسط زبان انجام میابد می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّغَابِ بِسِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ**.<sup>4</sup>

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری را استهزاء کنند، شاید آنان بهتر از اینان باشند، و نباید زنانی زنان دیگری را استهزاء کنند، زیرا چه‌بسا آنان از اینان خوبتر باشند، و همدیگر را طعنه نزنید و مورد عیبجویی قرار ندهید، و یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند مخوانید و نمانید. (برای مسلمان) چه بد است، بعد از ایمان آوردن، سخنان ناگوار و گناه‌آلود (دالّ بر تمسخر، و طعنه زدن و عیبجویی کردن، و به القاب بد خواندن) گفتن و بر زبان راندن! کسانی که (از چنین اعمالی و اقوالی) دست برندارند و توبه نکنند، ایشان ستمگرند (و با سخنان نیشدار، و با خرده‌گیری‌ها، و ملقب گرداندن مردم به القاب زشت و توهین آمیز، به دیگران ظلم می‌کنند).

در حدیثی به نقل از ابوهریره رض رسول الله ص در مورد محافظت زبان فرمودند: **«كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ»**.<sup>5</sup>

1-سوره عصر/3-1.

2-سوره لقمان/17.

3-سوره حج/24.

4-سوره حجرات/11.

5- اخرجه البخاری، صحیح البخاری، کتاب الادب، باب حفظ اللسان..، رقم(5671) و صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب الحث علی اکرام الضیف رقم(61)

از ابوهریره ا روایت است که رسول الله ه فرمود: «...وکسیکه به الله و روز آخرت ایمان دارد پاسخ نیک بگوید ویا سکوت را اختیار کند.

### 12-دوستی برای کسی بخاطر رضای الله و دشمنی با کسی بخاطر الله:

و از صفات ایشان این است که ایشان خاص برای الله متعال دوستی و دشمنی می نمایند. چنانچه در اثری از ابن عمر رض آمده که فرموده است: «أَجِبَّ فِي اللَّهِ وَأَبْغَضُ فِي اللَّهِ وَوَالٍ فِي اللَّهِ وَعَادٍ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تَنَالُ وَلَايَةَ اللَّهِ إِلَّا بِذَلِكَ»<sup>1</sup>.

ترجمه: خوب ببین خاص برای الله متعال، بد ببین خاص برای الله ، دوستی کن خاص برای الله ، دشمنی کن خاص برای الله؛ زیرا ولایت الله جز از همین طریق از راه دیگری بدست نمی آید.

اگرچه این حدیث را به این لفظ و سند محدثین ضعیف گفته اند اما در مورد دشمنی با کسی به خاطر الله و دوستی با کسی به خاطر الله روایات زیادی وارد شده است، از جمله این حدیث ابی ذر ا که امام ابوداود روایت کرده است که رسول الله ه فرمودند: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ»<sup>2</sup>.

و از جمله صفات اولیاء الله محافظت بر نمازهای پنجگانه، روزه گرفتن ماه مبارک رمضان، بخاطر اطاعت از الله متعال بیرون کردن زکات، دوری از گناهان کبیره می باشد.

و همچنین از صفات اولیاء الله این است که ایشان اعمال خود را پنهان می نمایند و برای مردم آشکار نمی سازند. بلکه حتی مردم آنها را نمی شناسند.

از زید بن اسلم از پدرش نقل شده است که حضرت عمر بیرون شد به طرف مسجد رفت معاذ را دید که در کنار قبر پیامبر ه گریه می کند. پس گفت: چی چیزی تورا به گریه انداخت؟ فرمود: حدیثی که از رسول الله ه شنیدم که فرمودند: «اليسير من الرياء شرك، ومن عادى أولياء الله فقد بارز الله بالمحاربة، إن الله يحب الأبرار، الأتقياء الأخفياء، الذين إن غابوا لم يفتقدوا، وإن حضروا لم يعرفوا، قلوبهم مصابيح الهدى، يخرجون من كل غبراء، مظلمة»<sup>3</sup>.

ترجمه: پایین ترین درجه ریا شرک است و کسیکه با اولیاء الله دشمنی کند در حقیقت با الله متعال اعلام مبارزه و جنگ نموده است، الله نیکوکاران را دوست دارد، و سپس فرمودند: خداترسان بیشتر مخفی میباشند اگر غایب و ناپدید شوند جستجو نمیشوند، و اگر حاضر باشند شناخته نمیشوند، قلب هایشان چراغ هدایت است، از دشواری ها و تاریکی ها خود را بیرون میکشند.

### 13-محافظت بر نماز:

چنانچه که الله متعال می فرماید: وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ<sup>4</sup>.

ترجمه: و کسانی که مواظب نمازهای خود می باشند (و پیوسته آنها را در وقت خود اداء، و

<sup>1</sup> - المعجم الكبير للطبرانی (417/12، رقم 13537)، قال الهيثمي (90/1): فيه ليث بن أبي سليم، والأكثر على ضعفه، والحلية لأبي نعيم (312/1).

<sup>2</sup> - سنن ابوداود، كتاب السنة، باب مجانبة اهل الاهواء وبغضهم، ج 12/ص 200. وقال الشيخ الالباني ضعيف صحيح وضعيف سنن ابوداود ج 10/ص 99.

<sup>3</sup> - المستدرک علی الصحیحین، باب اليسير من الرياء شرک ج 1/ص 7. وقال: « هذا حديث صحيح ولم يخرج في الصحيحين.

<sup>4</sup> - سورة مؤمنون/9.

ارکان و اصول و خشوع و خضوع لازم را مراعات می‌نمایند).  
 اولیاء الله هیچگاهی نمازهای شان را از روی کسالت ترک، و از روی اهمال ضایع نمی‌کنند، و در اقامت آن هیچگونه کوتاهی و تقصیری نشان نمی‌دهند، و همیشه به وقت معینه آن با در نظر داشت ارکان و آداب آن اداء می‌کنند، زیرا آنها میدانند که نماز رابطه ای است میان قلب و الله متعال، پس کسیکه نماز را حفظ نکند، آن را ادا نکند منتظر رابطه هم نباشد؛ چون نماز است که ما را به الله متعال وصل می‌کند. روی این ملحوظ باید برای همیشه بر ادای نماز کوشا بوده و آن را به وقت معینه آن ادا نماییم<sup>1</sup>.

**14-تهجد خواندن در شب :** چنانچه که الله متعال می‌فرماید: **وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا**<sup>2</sup>.

**ترجمه:** و کسانی که (بخش قابل ملاحظه‌ای از شب، و گاهی تمام) شب را با سجده و قیام به روز می‌آورند (و با عبادت و نماز سپری می‌کنند).  
 اولیاء الله کسانی اند که بخش قابل ملاحظه ای از شب و گاهی تمام از شب را با سجده با پیشانی های شان و قیام به قدم های شان روز میکنند، در رابطه به فضیلت شب زنده داری ابن عباس ا می گوید: « **من صلی بعد العشاء الآخرة رکعتین أو أكثر فقد بات لله ساجدًا وقائمًا** »<sup>3</sup>.

**ترجمه :** کسیکه بعد از خفتن دو رکعت و یا بیشتر از آن بخواند در حقیقت تمام شب را به سجده و قیام بسر برده است.

و همچنان رسول الله ه می‌فرماید: «**من صلی العشاء فی جماعة فکأنما قام نصف اللیل، ومن صلی الصبح فی جماعة فکأنما صلی اللیل کله**»<sup>4</sup>

**ترجمه:** کسیکه نماز خفتن را با جماعت اداء کند گویا که نصف شب را به قیام سپری نموده است و کسیکه نماز صبح را با جماعت اداء کند گویا که تمام شب را به قیام سپری نموده است.

**15-دوری از شرک، قتل و زنا :**

چنانچه که الله متعال می‌فرماید: **(وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا)**<sup>5</sup>.

**ترجمه:** و کسانی که با الله، معبود دیگری را به فریاد نمی‌خوانند و پرستش نمی‌نمایند، و انسانی را که خداوند خورش را حرام کرده است، به قتل نمی‌رسانند مگر به حق، و زنا نمی‌کنند. چرا که هر کس (یکی از) این (کارهای ناشایست شرک و قتل و زنا) را انجام دهد، کیفر آن را می‌بیند.

اولیاء الرحمن کسانی اند که همراه با الله متعال معبود دیگری را به فریاد نمی‌خوانند، و پرستش نمی‌کنند، بلکه فقط الله متعال را می‌پرستند و خالصانه برای او عبادت می‌کنند،

<sup>1</sup> فی ظلال القرآن، سید قطب، ج 5 / ص 225.

<sup>2</sup> -سوره فرقان/64.

<sup>3</sup> -هیثمی، مجمع الزوائد: ج 2 / ص 231.

<sup>4</sup> -اخرجه مسلم، صحیح مسلم، کتاب الصلاة، باب فضل صلاة العشاء والصبح فی جماعة، برقم (1042)

<sup>5</sup> -سوره فرقان/63.

و انسانی را که الله متعال خونس را حرام کرده است جز به حق نمی کشند، مانند: کشتن یک انسان به خاطر اینکه انسان دیگر را کشته، و کشتن فرد متأهل که زنا کرده و کشتن کافری که قتل او جایز و حلال است. زنا هم نمی کنند بلکه شرمگاه های شانرا حفاظت می نمایند مگر بر همسران شان و یا کنیزانی که در ملک یمین آنها هستند، و هر کسیکه یکی از این کبائر یعنی شرک ورزیدن به الله، یا کشتن انسانی که الله متعال او را حرام نموده، و یا زنا را انجام بدهد به کیفر و عذاب سختی گرفتار خواهد شد<sup>(۱)</sup>.

### 16- اداء زکات اموال :

چنانچه که الله متعال می فرماید: (وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ )<sup>2</sup>.

ترجمه: و کسانی که زکات مال بدر می کنند.

اولیاء الله کسانی اند که بخاطر تزکیه مال و نفس شان اعمال نیک را انجام میدهند چنانچه که الله متعال در جاهای دیگری از قرآن کریم ار شاد می فرماید: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى )<sup>3</sup>.

ترجمه: قطعاً رستگار می گردد کسی که خویشتن را (از کثافت کفر و معاصی) پاکیزه دارد.

و همچنان می فرماید: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا )<sup>4</sup>.

ترجمه: (قسم به همه اینها!) کسی رستگار و کامیاب می گردد که نفس خویشتن را (با انجام طاعات و عبادات، و ترک معاصی و منهیات) پاکیزه دارد و بپیراید (و آن را با هویدا ساختن هویت انسانی رشد دهد و بالا برد).

چون آیات قرآن برخی تفسیر برخی دیگر اند بناء تا جاییکه ممکن است باید از تفسیر بعضی آیات بر بعضی دیگر عدول نکنیم و باید تفسیر قرآن به قرآن بکنیم<sup>5</sup>.

### 17- اعتدال در انفاق :

چنانچه که الله متعال می فرماید: وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا<sup>6</sup>.

ترجمه: و کسانی که به هنگام خرج کردن (مال برای خود و خانواده) نه زیاده روی می کنند و نه سخت گیری، و بلکه در میان این دو (یعنی اسراف و بخل، حد) میانه روی و اعتدال را رعایت می کنند.

اولیاء الله وقتیکه بر نفس و عیال خود نفقه می کنند در انفاق شان مبدترین (اسراف کنندگان) نمی باشند یعنی بالاتر از حاجت شان مصرف نمی کنند، و همچنان در حق شان بخیل هم نیستند بلکه به اندازه ای حاجت و ضرورت انفاق می کنند چون بهترین امور اوسط و میانه آن است چنانچه که الله متعال می فرماید: وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا<sup>7</sup>.

<sup>1</sup> التفسیر المیسر: المؤلف: عدد من أساتذة التفسیر تحت إشراف الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي مصدر الكتاب: موقع مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف: ج 6/ ص 327.

<sup>2</sup> -سوره مؤمنون/3.

<sup>3</sup> -سوره اعلی، 14.

<sup>4</sup> -سوره شمس/9.

<sup>5</sup> روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی: المؤلف: محمود الألوسی أبو الفضل: الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت: ج 18/ ص 5

<sup>6</sup> -سوره فرقان/63.

<sup>7</sup> -سوره اسرا/29.

**ترجمه:** دست خود را بر گردن خویش بسته مدار (و از کمک به دیگران خودداری مکن و بخیل مباش)، و آن را فوق العاده گشاده مساز (و بذل و بخشش بی حساب مکن و اسراف موز، بدان گونه) که سبب شود از کار بمانی و مورد ملامت (این و آن) قرار گیری و لخت و غمناک گردی.

اساس اقتصاد در اسلام و اساس انفاق در اسلام نیز وسطیت و میانه روی است چنانچه که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: { من فقه الرجل قصده فی معیشته } دانایی شخص بر این است که در زندگی خود راه میانه را انتخاب کند.<sup>1</sup>

اما تذبذب در مال سبب ضیاع مال شخص و امت می شود حتی مبذبین را الله متعال برادران شیاطین خوانده و می فرماید: إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ط وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا.<sup>2</sup>

**ترجمه:** بی گمان بادستان دوستان اهریمنانند (و گوش به وسوسه های ایشان می دارند و در انجام بدی ها همسان و همگامند) و اهریمنان بسیار ناسپاس (نعمت های) پروردگار خود هستند (و تمام توان خویش را در فساد و نافرمانی از خدا می گذرانند. باد دستی هم فساد و نافرمانی است، از آن خویشان را بر حذر دارید تا همچون اهریمنان بشمار نیائید و با ایشان در آخرت به دوزخ نیفتید).

### 18- اخلاص ورزیدن در دعا :

چنانچه که الله متعال می فرماید: وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرَّةً أَعْيُنًا وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.<sup>3</sup>

**ترجمه:** و کسانی که می گویند: پروردگارا! همسران و فرزندان ما را عطاء فرما (که به سبب انجام طاعات و عبادات و دیگر کارهای پسندیده، مایه سرور ما و) باعث روشنی چشمانمان گردند، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان (به گونه ای که در صالحات و حسنات به ما اقتداء و از ما پیروی نمایند).

اولیاء الرحمن کسانی اند که از الله متعال همسران و فرزندان نیکو می طلبند، و با اخلاص دعا می کنند که ای پروردگارا! برای ما همسران نیکوکار و ولد مؤمن نصیب بفرما، اولادیکه همیشه اعمال خیر انجام داده و از اعمال بد دوری بجوید. و نفس های ما به دیدن آنها خوشحال شود چون شخص مؤمن و قتیکه کسی را ببیند که اطاعت از الله متعال می کند قلب او سرشار از خوشی ها می شود. و هر شخص در آرزوی این است که الله متعال برای او فرزندان صالح و فرمانبردار نصیب کند؛ چون اولاد صالح است که بعد از مردن شخص به او دعای خیر می کند و به منفعت او تمام می شود چنانچه که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: «إذا مات الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جاریة، أو علم ینتفع به، أو ولد صالح یدعو له» ترجمه: و قتیکه انسان می میرد از او تمام اعمالش قطع می شود مگر از سه چیز: صدقه جاریه، علم نافع، اولاد صالح که در حق والدین خود دعا کند.<sup>4</sup>

### 19- ترسیدن از عذاب الله :

<sup>1</sup> التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج : /ج 19/ ص 109.

<sup>2</sup> -سوره اسراء/ 27.

<sup>3</sup> -سوره فرقان / 74.

<sup>4</sup> [التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج]- / ج 19/ ص 112.

چنانچه که الله متعال می فرماید: وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا.<sup>1</sup>

ترجمه: و کسانی که پیوسته می گویند: پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما به دور دار. چرا که عذاب آن (گریبانگیر هر کس که شد از او) جدا نمی گردد (و تا ابد ملازم وی می شود).

الله متعال علت سوال و دعای مؤمنین را در این آیت مبارکه دوجیز می داند

اول: عذاب الله متعال ملازم و دائم است برای انسانهای گنهکار

دوم: جهنم بدترین منزل جایگاه و مستقر است

روی این دو علت مؤمنین همیشه از عذاب الهی پناه و دوری می خواهد.<sup>2</sup>

شکی نیست صفات فوق تمام مؤمنان است اما اولیاء الله کسانی هستند که با داشتن این صفات ولایت الله متعال را کسب نمودند.

**مطلب دوم- مواصفات اخلاقی اولیاء الله:**

اولیاء الرحمن همان مؤمنان مخلص در عقیده و عمل میباشند که در قرآن کریم اوصاف عملی و برخی مواصفات اخلاقی برای آنان ذکر گردیده است و اوصاف اخلاقی مؤمنان واقعی قرار ذیل است.

### 1- وفا به عهد و عدم نقض پیمان:

اولیاء الرحمن کسانی اند که به عهد و پیمان خود وفاء نموده و هیچگاهی پیمان شکنی نمی کنند. چنانچه که الله متعال در توصیف مؤمنان واقعی می فرماید: وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ<sup>3</sup>

ترجمه:

و کسانی که در امانتداری خویش امین و در عهد خود بر سر پیمانند.

امام شوکانی در تفسیر این آیت گفته است: امانت هر آنچه است که محافظت آن از ایشان خواسته شود و عهد پیمانهای است که بسته اند، برابر اینکه از طرف الله متعال باشد یا از طرف بنده ها و در میان امانت و عهد جمع کرده شده زیرا هر دو امور دینی و دنیای را شامل میشود.<sup>4</sup>

زیرا عدم وفا به عهد از صفات اخلاقی اهل نفاق است که دوستان شیطان میباشند چنانچه رسول الله ه فرمودند: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا، وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَلَّةٌ مِنْ نِفَاقٍ حَتَّى يَدْعَهَا إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ عَدَرَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ».<sup>5</sup>

«چهار چیزی است که در کسی باشد منافق خالص شمرده میشود، و اگر خصلتی از آن در کسی بود خصلتی از نفاق در آن وجود دارد تا اینکه آن را ترک نماید [و سپس آن خصلت ها

<sup>1</sup> -سوره فرقان/65.

<sup>2</sup> [التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج]- ج/19 ص/108.

<sup>3</sup> -سوره رعد/20.

<sup>4</sup> -شوکانی، تفسیر فتح القدير، ج/5 ص/145.

<sup>5</sup> - متفق علیه، اخرجه البخاری، صحيح البخاری، كتاب الايمان، باب علامة المنافق، ج/1 ص/59 رقم(33) و صحيح مسلم كتاب الايمان باب بيان خصال المنافق، ج/1 ص/190 رقم(88)

را چنین بر شمردند] هرگاه سخن گوید دروغ گوید و اگر پیمانی ببندد غدر کند، و اگر وعده نماید خلاف ورزی نماید، و اگر خصومت کند دشنام دهد.

## 2- صلّه رحمی و رعایت حقوق الله و بندگان :

اولیاء الرحمن کسانی اند که پیوندهای را که الله متعال به حفظ آنها دستور داده است بر قرار می دارند، و تنها از الله متعال می ترسند و از خاتمه بدی قیامت در هراس می باشند، و همچنان به آنچه که الله متعال به وصل آن امر کرده باشد وصل می شوند و از آنچه که نهی کرده باشد مانند قطع حقوق الله دوری می جویند، و با فقراء و محتاجین احسان و نیکویی می نمایند.<sup>1</sup>

چنانچه که الله متعال می فرماید: **وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ**.<sup>2</sup>

**ترجمه:** و کسانی که برقرار می دارند پیوندهائی را که خدا به حفظ آنها دستور داده است، (از قبیل: رابطه انسان با آفریننده جهان، پیوند انسان با جامعه انسانیت، و رابطه او با هموعان به ویژه خویشان و نزدیکان) و از پروردگارشان می ترسند و از محاسبه بدی (که در قیامت به سبب گناهان داشته باشند) هراسناک می باشند.

## 3- صبر در برابر مشکلات و مصائب :

اولیاء الرحمن کسانی اند که در برابر مشکلات بخاطر الله متعال صبر و شکیبایی را اختیار میکنند، و نماز را برپا میدارند و از اموال شان آشکارا و پنهان در راه خداوند مصرف می کنند: **وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِعَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ أَلَسَيِّئَةً أُولَئِكَ لَهُمْ عَقَبَى الدَّارِ**.<sup>3</sup>

**ترجمه:** و کسانی که (در برابر مشکلات زندگی و اذیت و آزار دیگران) به خاطر پروردگارشان شکیبائی می ورزند، و نماز را چنان که باید می خوانند، و از چیزهائی که بدی شان داده ایم، به گونه پنهان و آشکار می بخشند و خرج می کنند، و با انجام نیکی ها بدی ها را از میان برمی دارند. آنان (با انجام چنین کارهای پسندیده ای) عاقبت نیک دنیا (که بهشت است) از آن ایشان است.

در این آیت مبارکه بر علاوه از صبر که یکی از صفاتهای اولیاء الله می باشد چند صفت دیگری هم بیان شده است. و آنها عبارت اند از: اقامه نماز، انفاق در راه های خیر، و تبدیل نمودن بدی ها به نیکی.

## 4- سکون و آرامش قلب :

اولیاء الرحمن کسانی اند که قلبهای شان را به یاد و ذکر الله متعال سکون و آرامش می دهند: **الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**.<sup>4</sup>

**ترجمه:** آن کسانی که ایمان می آورند و دل هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می کند. هان! دل ها با یاد خدا آرام می گیرند (و از تذکر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و کسب رضای

<sup>1</sup>-سید قطب، فی ظلال القرآن، ج4/ص 321.

<sup>2</sup>-سوره رعد/21.

<sup>3</sup>-سوره رعد/22.

<sup>4</sup>-سوره رعد/24.

یزدان اطمینان پیدا می‌کنند).

اولیاء الرحمن کسانی اند که توسط الله متعال هدایت یافته اند و به توحید و وعده های الله متعال قلب های شان سکون و آرامش پیدا نموده است، دقیقاً به ذکر الله متعال، به تأمل نمودن به آیات الله متعال، و به شناخت قدرت کامل الله متعال قلب ها سکون آرامش پیدا نموده و باعث زدودن اضطراب از قلب ها می شود و به جای آن نور ایمان جاگزین می شود چنانچه که الله متعال می فرماید: **ثُمَّ تَلَيْنُ جُلُودَهُمْ وَقُلُوبَهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ**.<sup>1</sup>

ترجمه: و از آن پس پوست‌هایشان و دل‌هایشان (و همه وجودشان) نرم و آماده پذیرش قرآن خدا می‌گردد (و آن را تصدیق و بدان عمل می‌کنند).

مؤمن وقتیکه عذاب الهی را یاد آور می شود برای آن خوف و ترس بوجود می آید چنانچه که الله متعال می فرماید: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ**.<sup>2</sup>

ترجمه: مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود، دل‌هایشان هراسان می‌گردد (و در انجام نیکی‌ها و خوبی‌ها بیشتر می‌کوشند)

و هرگاهی که شخص مؤمن وعده های الهی را به ثواب و رحمت او یاد آور می شود قلبش آرامش و سکون یافته و باعث خوشحالی نفس او می شود.<sup>3</sup>

چنانچه که الله متعال می فرماید: **وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ**.<sup>4</sup>

ترجمه: و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می‌شود، بر ایمان‌شان می‌افزاید، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند (و خویشان را در پناه او می‌دارند و هستی خویش را بدو می‌سپارند).

اولیاء الرحمن در سوره مبارکه مؤمنون دارای صفاتهای ذیل می باشد.

اولیاء الرحمن کسانی اند که از نماز خواندن شان نهایت لذت را می برند، نمازی که در آن همه جوانب از قبیل خشوع، تذلل، سکون و خوف در نظر گرفته شده است، و هیچگاهی در وقت نماز خواندن به طرف راست و چپ نظر نمی کنند.<sup>5</sup>

### 5-اعراض از لهو و لعب :

چنانچه که الله متعال می فرماید: **وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ**.<sup>6</sup>

ترجمه: و کسانی که از (کردار) بیهوده و (گفتار) یاهو رویگردانند (و زندگی را جدی می‌گیرند؛ نه شوخی).

اولیاء الرحمن از لغو قولی و فعلی اعراض می کنند؛ چون قلب مؤمن قلبی است مشغول به لهو و لعب نیست بلکه مملو از ذکر و یاد الله متعال می باشد، و همیشه در تصور و تدبیر نشانه های الهی در آفاق و انفس می باشد، و آنچه را که ما در جهان هستی مشاهده می کنیم فکر

1 -سوره زمر/23.

2 -سوره انفال/2.

3 [التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج]- : ج13/ ص165.

4 -سوره انفال/3.

5 روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی : المؤلف : محمود الألوسی أبو الفضل : الناشر : دار إحياء التراث العربی - بیروت : ج18/ ص3.

6 -سوره مؤنون/3.



ووجدان های با احساس را در حرکت آورده و باعث ضمیر پاک و تزکیه نفس و قلب مملو از یاد الهی می شود.<sup>1</sup>

### 6-دوری از فساد اخلاقی و حفظ فرج و عفت :

چنانچه که الله متعال می فرماید: **وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَفِظُونَ**.<sup>2</sup>  
ترجمه: و آنها کسانی اند که عورت خود را حفظ می کنند.

اولیاء الله یکی از اوصاف شان این است که اهل عفت می باشند با وجودیکه انسانها دارای نفس و شهوات اند و اختیار کامل برای کسب ارضای آن دارند ولیکن از آن خود را منع می کنند از اینکه بجای مصرف کنند که الله متعال نهی نموده است بلکه تنها میتوان به همسر و کسانی که مملوکه شان است مصرف کنند و از آنها فائده حاصل کنند.<sup>3</sup>

### 7-امانتداری و رعایت عهد و عقد :

چنانچه که الله متعال می فرماید: **وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رُءُونَ**.<sup>4</sup>

ترجمه: و کسانی که در امانتداری خویش امین و در عهد خود بر سر پیمانند.

امانت های بسیار زیادی در گردن فرد و یا یک جماعت نهفته است یکی از آن امانت ها امانت فطری است که ما همه مسلمانان در برابر سوال الله متعال (الست بربکم) قالوا بلی گفته بودیم باید به آن عهد خود پابند باشیم و از آن امانت بزرگ الهی هیچگاهی انحراف نوزیم، این امانت بزرگترین امانت الهی است اگر ما به این امانت الهی پا بند و استوار باقی ماندیم در سائر امانت ها نیز استوار باقی می مانیم، جماعت مسلمانان نیز مکلف و مسئول اند که در برابر الله متعال و مردم امین و با عهد باشند آیت کریمه شامل تمام امانت ها و عهد ها می شود؛ چون الله متعال مؤمنین را در این آیت به تمام امانت ها و عهد ها توصیف نموده و این توصیف خداوندی دائم و در هر زمان می باشد.<sup>5</sup>

### 8-تواضع، فروتنی و کلام زیبا:

چنانچه که الله متعال می فرماید: **(وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)**.<sup>6</sup>

ترجمه: و بندگان (خوب خدای) رحمان کسانی که آرام (و بدون غرور و تکبر) روی زمین راه می روند (و تواضع در حرکات و سکنات ایشان و حتی در راه رفتن آنان آشکار است)، و هنگامی که نادانان ایشان را مخاطب (دشنامها و بد و بیراههای خود) قرار می دهند، از آنان روی می گردانند و به ترک ایشان می گویند.

مراد از عباد الرحمن در این آیت مبارکه افاضل العباد یعنی بهترین بندگان است، اضافه است عباد به الرحمن اضافه است و تفضیل است و گرنه تمام مخلوقات بندگان الله متعال می

<sup>1</sup> فی ظلال القرآن: المؤلف: سید قطب: مصدر الكتاب: موقع التفاسیر، ج 5/ ص 223.

<sup>2</sup> -سوره مؤمنون/5.

<sup>3</sup> روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی: المؤلف: محمود الألوسی أبو الفضل: الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت: ج 18/ ص 6.

<sup>4</sup> -سوره مؤمنون/7.

<sup>5</sup> الكتاب: فی ظلال القرآن: المؤلف: سید قطب: ج 5/ ص 225.

<sup>6</sup> -سوره فرقان/63.

باشند<sup>1</sup>). بناء اولیاء الله یکی از صفاتهای این است که در زمین به سکون باوقار ومتواضع راه میروند نه متکبرانه و خود خواه و هرگاهی با جهلاء و سفهاء رو بروی میشوند برای شان سلام می گویند. سلام در این آیت تعبیر های مختلفی شده است از جمله مجاهد می گوید: سلام راست شدن قول را می گوید. حسن می گوید: سلام یعنی در برابر سفهاء از حلم و برد باری باید کار گرفت نه از جهل و نادانی و همچنان می گوید: سلام در اینجا همان سلام معروف نیست که مردم میان شان استفاده میکنند. اما برخی دیگر از حسن روایت می کند که معنی سلام در این آیت (سَلِّمُوا عَلَیْهِمْ) است یعنی سلامتی بفرستید برای شان چنانچه که الله متعال می فرماید: وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلِّمُوا عَلَیْكُمْ لَا تَبْغِي الْجَاهِلِينَ<sup>2</sup>.

ترجمه: و هنگامی که یاهو بشنوند از آن روی میگردانند (و دشنام را با دشنام پاسخ نمیگویند و بلکه) میگویند: اعمال ما از آن ما، و اعمال شما از آن شما است (و هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت). وداع و بدرودتان باد! ما خواهان (همنشینی با) نادانان نیستیم.

در حدیثی به روایت ابن عباس رض آمده است رسول الله ص فرمودند «ثَلَاثٌ مِنْ كُنْ فِيهِ اسْتَحَقَّ وِلَايَةَ اللَّهِ وَطَاعَتَهُ: حِلْمٌ أَصِيلٌ يَدْفَعُ سَفَهَ السَّفِيهِ عَنِ نَفْسِهِ، وَوَرَعٌ صَادِقٌ يَحْجِزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ، وَخُلُقٌ حَسَنٌ يَدَارِي بِهَ النَّاسِ»<sup>3</sup>.

ترجمه: سه خصلتی است که در کسی باشد مستحق ولایت الله و طاعتش میگردد: صفت حلم (بردباری) واقعی که نادانی انسان کم عقل را از او دور سازد، پرهیز گاری صادقانه که او را از نافرمانی خداوند باز دارد، اخلاق نیکوی که برخورد خوب با مردم را برابر سازد.

#### 9- خود داری از شهادت دروغ:

چنانچه که الله متعال می فرماید: وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا<sup>4</sup>.

ترجمه: و (بندگان خدای رحمان) کسانی که بر باطل گواهی نمی دهند، و هنگامی که کارهای یاهو و سخنان پوچی را ببینند و بشنوند، بزرگوارانه (از شرکت در بیهوده کاری و یاهوسرائی کنارگیری می کنند و از آنها) می گذرند.

اولیاء الرحمن کسانی اند که بر باطل گواهی نمی دهند و در برابر کارهای بیهوده بزرگوارانه می گذرند، و در مواضع که مناسب نباشد حضور نمی یابند مانند: حاضر شدن در اعیاد مشرکین و داخل شدن در مجامع مردم فاسق و بد کار؛ چون کسیکه با اهل شر روابط برقرار کند و به افعال آنها نظر کند و یا در مجامع شان حضور پیدا کند در حقیقت به معصیت و گناه شریک است چونکه حاضر شدن و نظر کردن دلیلی برای رضایت همین شخص است.

ابن عباس (رض) میگوید: مراد از شهادت زور مجالس زور است یعنی در مجالسی که در آنجا به الله متعال و پیامبرش حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) دروغ می بافند باید حضور نیابند، محمد بن حنفیه میگوید: مراد از زور موسیقی است یعنی در مجالسی که موسیقی باشد

<sup>1</sup> معالم التنزیل: المؤلف: محیی السنة، أبو محمد الحسین بن مسعود البغوي [المتوفی 516 هـ]. الناشر: دار طيبة للنشر والتوزیع: الطبعة: الرابعة، 1417 هـ - 1997 م، ج 6/ص 93.

<sup>2</sup> -سوره قصص/55.

<sup>3</sup> -اورده ابن ابی الدنیاء، الاولیاء باب ثلاث من کن فیه .. ج 15/1.

<sup>4</sup> -سوره فرقان/72.

نباید حضور یافت. قول ابن عباس و محمد بن حنفیه از جمله احتمالات است ولیکن استعمال اصلی کلمه (الزور) در کذب بیشتر می باشد.<sup>1</sup>

**10- گوش دادن به موعظه ها :** چنانچه که الله متعال می فرماید: **وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا<sup>2</sup>**

**ترجمه:** و کسانی که به وسیله آیات پروردگارشان پند داده شدند همسان کران و نابینایان بر آن فرو نمی افتند (و غافل وار بدان گوش فرا نمی دهند. بلکه با گوش دل می شنوند و با چشم عقل بدان می نگرند، و درسها و اندرزهای قرآنی را آویزه گوش جان می کنند و نیروی ایمان خود را بدان تقویت می سازند).

اولیاء الرحمن کسانی اند که آیات قرآن کریم را با گوش شنوا می شنوند و با چشم عقل به آن می نگرند نه اینکه مانند کفار و منافقین و قتیکه آیات قرآن کریم را می شنیدند متأثر نمی شدند، و هیچگاهی تغییر نمی یافتند، بلکه به کفر و نفاق، و به جهل سرکشی شان استمرار می ورزیدند، گویا که آنها نه می شنوند و نه می بینند.<sup>3</sup>

چنانچه که الله متعال در این مورد می فرماید: **وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ، (وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كُفْرُونَ<sup>4</sup>**

**ترجمه:** هنگامی که سوره ای (از سوره های قرآن) نازل می شود، کسانی از آنان (که منافقتند، از روی تمسخر و استهزاء، برخی به برخی رو می کنند و) می گویند: این سوره بر ایمان کدام یک از شما افزود؟ (و آیا چیز مهم و مفیدی گفت و نمود؟! و اما مؤمنان، (همان سوره قرآن) بر ایمان شان می افزاید و (نور آن بیش از پیش راه حق را بدی شان می نماید، و از این نزول قرآن که مایه افزایش ایمان و پرتو جان و سعادت هر دو جهان آنان می شود) شادمان می گردند.

و اما کسانی که در دل هایشان بیماری (نفاق) است، (نزول سوره ای از سوره های قرآن، به جای این که روح تازه ای به کالبدشان دمد و مایه تربیت جدیدی شود)، خبائتی بر خبائت شان می افزاید (و کفر و عنادشان را بیشتر می نماید، و پلیدی هایشان هر روز فزونی می گیرد، و تاریکی های جان و دل شان دائماً تراکم می پذیرد، و) در حال کفر می میرند (و در دوزخ جای می گیرند).

### مطلب سوم- جایگاه انبیاء و اولیاء و تفاوت هایشان:

برای هر فرد مسلمان واجب است که اولاً برای الله متعال اظهار دوستی و محبت کند بعد از آن برای رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و مؤمنین تا اینکه از جمله حزب الله محسوب گردد. و نعمت محسوب شدن از جمله حزب الله بعد از حصول ایمان قوی می باشد، چنانچه که الله

<sup>1</sup> مفاتیح الغیب - ج: 24 / ص: 99: ترقیم الشاملة موافق للمطبوع: المؤلف: الإمام العالم العلامة والحبر البحر الفهامة فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی: دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1421 هـ - 2000 م: الطبعة: الأولى.

<sup>2</sup> -سوره فرقان/73.

<sup>3</sup> [التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة والمنهج]- ج 19/ص112.

<sup>4</sup> -سوره توبه/124-125.

متعال می فرماید: وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.<sup>1</sup> ترجمه: و هرکس که خدا و پیغمبر او و مؤمنان را به دوستی و یاری ببیند (از زمره حزب الله است و) بی‌تردید حزب‌الله پیروز است.

وقتیکه عزت، نصرت، غلبه، و کرامت همه از جانب الله متعال بوده و این همه مواصفات را برای اشخاصی میدهد که دارای ایمان قوی باشد و از عقاید رذیله انحراف ورزد. پس کسانی که بجز از الله متعال نصرت و عزت میخواهند در حقیقت از مقام و جایگاه بزرگ خالق و آفریننده خود جاهل مانده و یا اینکه شأن و بزرگی الله متعال را در رابطه به نصرت و عزت کوچک می داند.<sup>2</sup>

پیامبران و مؤمنان مخلص همه از جمله اولیاء الله می باشند، انبیاء علیهم السلام همه بنا بر اعتقاد که اهل سنت دارند معصوم می باشند اما مؤمنان با وجودیکه از جمله اولیاء الله می باشند و لکن معصوم نیستند بناء برای فهم و درک بیشتر چند فرقی که میان انبیاء و اولیاء می باشد قابل ذکر میدانم .

1\_ انبیاء علیهم السلام همه معصوم اند برخلاف اولیاء الله، بدون پیامبران دیگران مرتکب گناه می شوند، چنانچه که علامه شوکانی میگوید: اولیاء الله کسانی اند که به درجات و منزلت بلند و رفیع رسیده و بسیار کم است که از آنها مخالف صواب و یا منافی حق عملی واقع شود، و اگر واقع شود باز هم این کار شان آنها را از اولیاء الله بودن خارج نمی سازد.<sup>3</sup>

2\_ ایمان آوردن و متابعت کردن از پیامبران واجب است، اما اولیاء الله برخلاف این است، ابن تیمبه (رح) در این مورد می گوید: اولیاء الله هرگاهی که قول شان موافق کتاب الله و سنت رسول الله ه بود قبول شود و گرنه قول شان مردود می باشد. و همچنان می گوید: برای اولیاء الله واجب است که همیشه متمسک به کتاب و سنت باشند، آنچه را که از نزد خویش بدون اعتبار و در نظر گرفتن کتاب و سنت میگویند قابل قبول نمی باشد.<sup>4</sup>

3\_ برای انبیاء توسط ملائکه ها وحی میشود، اما اولیاء اینگونه نمی باشند و اگر ادعای نبوت را بکنند تبدیل به اعداء الله می شوند نه اولیاء الله.

4\_ انبیاء مأمور به تبلیغ احکام الهی می باشند، اما اولیاء اینگونه نیستند، بلکه متابعت از انبیاء می کنند.

5\_ انبیاء از عاقبت بد و یا سوء خاتمه در امان می باشند، برخلاف اولیاء الله چون اینها نمی دانند آیا با ایمان از دنیا می روند و یا بدون ایمان.

6\_ انبیاء توسط حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) ختم شده اما اولیاء الله و یا مرتبه ولایت ختم نمی شود، بلکه تا زمان وقوع قیامت ادامه دارد.

7\_ کسیکه انبیاء الهی را دشنام بزنند کافر حکم می شوند، اگر اولیاء الله را کسی دشنام بزند کافر حکم نمی شود.<sup>5</sup>

1-سوره مائده/56.

2 [الموالاته و المعاداة فی الشریعة الإسلامیة]- المؤلف: محماس بن عبد الله بن محمد الجلعود: الناشر: دار الیقین

للنشر و التوزیع: الطبعة: الأولى، 1407 هـ - 1987 م: ج 1/ ص 191.

3 الخلاصة فی شرح حدیث الولی: تألیف: علی بن نایف الشعود: ص 17.

4 مجموع فتاوی این تیمیه/ ج 11/ ص 209/208.

5- شربینی، مغنی المحتاج / ج 4/ ص 135.

**مطلب چهارم: اهمیت اولیاء الرحمن در قرآن کریم:**

اولیاء الرحمن در نزد پروردگار از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار می باشند، همانطوریکه الله متعال اولیاء الرحمن را به صفت های ویژه در قرآن کریم یاد نموده و برای آنها نسبت به سایر بندگان خود از مکانت و جایگاه و اهمیت ویژه ای برخوردار ساخته است، چونکه هر پاداش و بلند مرتبه گی نسبت به اعمالی است که یک انسان انجام می دهد. بناء اولیاء الرحمن کسانی اند که همیشه به اطاعت از اوامر الله متعال و اجتناب از نواهی اش مواظبت نموده و الله متعال برای اولیاء الرحمن اهمیت و جایگاه مهم را قایل شده است که ما بگونه ای مختصر از دیدگاه قرآن کریم بیان می کنیم.

1- الله متعال برای اولیاء الرحمن مژده در زندگی دنیا و آخرت داده است، چنانچه که می فرماید:

(لَهُمْ أَجْرٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)<sup>1</sup>.

ترجمه: برای آنان در دنیا (به هنگام مرگ) و در آخرت (در هنگامه رستاخیز) بشارت (به خوشبختی و نیکبختی) است. سخنان خدا، (یعنی وعده هائی که خدا به پیغمبرانش مبنی بر پیروزی و بهروزی و سعادت دو جهان داده است) تخلف ناپذیر است. این (چیزی که در دنیا و آخرت بدانان مژده داده می شود) رسیدن به آرزو و رستگاری بزرگی است.

2- وهم چنان الله متعال در رابطه به جایگاه اولیاء الرحمن می فرماید که آنها با فرزندان شان وارد بهشت می شوند و از نعمت های بزرگ بهشت بهره مند میشوند: جَنَّتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ<sup>2</sup>.

ترجمه: (این عاقبت نیکو) باغ های بهشت است که جای ماندگاری (سرمدی و زیستن ابدی) است، و آنان همراه کسانی از پدران و فرزندان و همسران خود بدانجا وارد می شوند که صالح، (یعنی از عقائد و اعمال پسندیده ای برخوردار بوده) باشند (و جملگی در کنار هم جاودانه و سعادت مندانه در آن بسر می برند) و فرشتگان از هر سوئی بر آنان وارد (و به درودشان) می آیند.

3- یکی از بزرگترین جایگاه اولیاء الرحمن در قرآن کریم این است که الله متعال آنها را در بهشت جاگزین نموده و برای ابد در آنجا زیست میکنند: الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ<sup>3</sup>.

ترجمه: آنان بهشت برین را تملک می کنند و جاودانه در آن خواهند ماند.

4 - اولیاء الرحمن در بهشت از عالی ترین جایگاه برخوردار بوده و برای شان در آنجا از هر طرف درود و سلام فرستاده میشود. چنانچه الله متعال می فرماید: أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ

<sup>1</sup> -سوره یونس/64.

<sup>2</sup> -سوره رعد/23.

<sup>3</sup> -سوره مؤنون/11.

بِمَا صَبَرُوا وَيُلْقُونَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا<sup>1</sup>.

ترجمه: به اینان بالاترین درجات و عالی‌ترین منزلگاههای بهشت داده می‌شود در برابر صبر و استقامتشان (بر انجام طاعات و دوری از منکرات)، و در آن (جایگاههای والای بهشت، از هر سو) بدانان درود و سلام گفته می‌شود.

5- در رابطه به جایگاه اولیاء الرحمن باید گفت که الله متعال همیشه برای آنها منت و احسان نموده و در تحت سایه رحمت خود قرار داده و همیشه با اولیاء الله اظهار محبت و دوستی نموده است، چونکه اولیاء الله در قرون مختلف، از اقوام مختلف، و از جنس مختلف، و در مکانهای مختلف با هم مثل یک ملت واحد و یا یک خانواده واحد زندگی نموده اند، در حقیقت دین اسلام نیز اساس برتری میان انسانها را رنگ، قوم، جنس و وطن را نگردانیده مانند جاهلیت بلکه اساس برتری را شناخت خداوند و تقوی را قرار داده است<sup>(2)</sup>. چنانچه که الله متعال می فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ<sup>3</sup>.

ترجمه: ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حواء) آفریده‌ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید (و هر کسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد). بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شما است. خداوند مسلماً آگاه و باخبر (از پندار و کردار و گفتار شما، و از حال همه‌کس و همه چیز) است.

در حدیثی پیامبر ه فرموده اند: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِبِي الْمُتَّقُونَ مَنْ كَانُوا وَحَيْثُ كَانُوا»<sup>4</sup>

ترجمه: محققاً بهترین مردمان در نزد من پرهیزگاران اند هر کسی باشند و از هر جایکه باشند.

این فرموده پیامبر ه تفسیر این فرموده الله متعال می باشد: ( فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَلِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ )<sup>5</sup>.

ترجمه: خدا یاور او است، و علاوه از خدا، جبرئیل، و مؤمنان خوب و شایسته، و فرشتگان پشتیبان او هستند.

1-سوره فرقان/75.

2-الولاء والبراء: المؤلف: محمد بن سعید القحطاني: تقديم فضيلة الشيخ: عبد الرزاق عفيفي: ج 1: ص 95.

3-سوره حجرات/13.

4- مسند أحمد بن حنبل: (ج 5 / ص 235) وهو حديث صحيح. قال الهيثمي (22/9): رواه أحمد بإسنادين وقال في أحدهما عن عاصم بن حميد ورجال الإسنادين رجال الصحيح غير راشد بن سعد وعاصم بن حميد وهما ثقتان. وصحيح الجامع الصغير (ج 181/2 ح 2008) قال الهيثمي (232/10): إسناده جيد.

5-سوره تحریم/4.

## مبحث دوم

اقسام اولیاء الرحمن، مراتب و تفاضل میان آنها در قرآن کریم

مطلب اول - اقسام اولیاء الرحمن در قرآن کریم:

اولیاء الرحمن به دو دسته تقسیم می شوند<sup>1</sup>.

اول: سابقون یا مقربون.

دوم: اصحاب یمین یا مقتصدون.

تعریف: اصحاب یمین در اصطلاح به کسانی گفته میشود که کردار شان نیک بوده و در نتیجه نامه اعمال شان به دست راست شان داده میشود و از این افراد در قرآن کریم با عنوان ( اصحاب الیمینه ) نیز یاد شده است و ویژه گی ها و پاداش های برای شان یاد شده است. الله متعال در رابطه به این دو دسته از اولیاء الرحمن در سوره فاطر آیه 32 به تفصیل یاد آور شده است و می فرماید:

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳۲)

سپس این کتاب را به کسانی از بندگانمان که برگزیدیم به میراث دادیم؛ پس برخی از آنان [در ترک عمل به کتاب] ستمکار بر خویش اند، و برخی از آنان میانه رو، و برخی از آنان به ( بر دیگران ) پیشی میگیرند؛ این است آن فضل بزرگ اذن خدا در کار های خیر.

ابن کثیر<sup>2</sup> رحمه الله در رابطه به سابقون که عبارت از کی ها اند اقوال زیادی را ذکر نموده است که قرار ذیل می باشند<sup>3</sup>.

-محمد بن کعب<sup>4</sup>، رحمه الله و أبو حَزْرَةَ يَعْقُوبَ بْنِ مُجَاهِدٍ مِثْلَهُ: مراد از سابقون انبیاء علیهم السلام می باشد.

-و سُؤْدِيٌّ<sup>5</sup> رحمه الله، میگوید: مراد از سابقون اهل علیین می باشند.

1 - أصول الإيمان في ضوء الكتاب والسنة، المؤلف: نخبة من العلماء الطيبة: الأولى: الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية: جلد 1 / ص 277.

1- سوره فاطر / 32

2- <https://www.islamquest.net>

3- ابن کثیر أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي (المتوفى: 774هـ) تفسير ابن كثير المحقق: محمود حسن: الناشر: دار الفكر، جلد: 7 ص 517.

4- ابو حمزه محمد بن كعب بن سليم بن اسد، القرظي كوفي و تابعي بوده از عباس بن عبد المطلب و علي بن ابي طالب، ابن مسعود، عمرو بن عاص وغيره اصحاب حديث روايت کرده است و از او برادرش عثمان بن كعب، حكم بن عتيبه، موسى بن عبيده و تعداد ديگري روايت کرده اند. ابن حبان رحمه الله گفته است: محمد بن كعب از فضلا و فقهاء مدينه بوده است. ابن سعد گفته است: محمد بن كعب عالم ثقة بوده كه احاديث زيادي از او روايت شده است و سبب مرگش اين بود كه روزي در مسجد موعظه ميكرد كه سقف مسجد افتيد همراه تعداد ديگري در سال (108) هـ وفات نمود. [تهذيب التهذيب 9 / 421، وشذرات الذهب 1 / 136].

5- سدي، اسماعيل بن عبد الرحمن بن ابي كريمه سدي به ضم سين و شد دال نام مسجدي در كوفه است

-ابن ابی حاتم ( رحمه الله )<sup>1</sup> میگوید: مراد از سابقون کسانی اند که به هردو قبله (مسجد الاقصی، و مسجد الحرام) نماز خوانده باشند.

-حسن وقتاده میگویند: مراد از سابقون تمام امت می باشد.

همه این اقوال که گفته شد درست می باشد چونکه مراد از سابقون کسانی اند که در فعل خیر چنانچه که الله متعال برای شان گفته مبادرت می ورزند، پس کسیکه در این دنیا به اعمال خیر سبقت بجوید در آخرت نیز از سبقت کنندگان در رحمت الله می باشد؛ چونکه پاداش از جنس عمل می باشد.

و در رابطه به اصحاب یمین در آیه 27 سوره واقعه الله متعال چنین میفرماید:

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (٢٧) فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ (٢٨) وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ (٢٩) وَظِلِّ مَمْدُودٍ (٣٠) وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ (٣١) وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ (٣٢) لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (٣٣) وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ (٣٤)

ترجمه : و یاران راست یاران راست کدامند. در زیر درختان کنار بی خار و درخت های موز که میوه اش خوشه خوشه روی هم چیده است . سایه ای پایدار . و آبی ریزان . و میوه فراوان . نبریده و نه ممنوع . و بستر های بالا و بلند.

### مطلب دوم - مراتب و تفاضل میان اولیاء الرحمن در قرآن کریم:

اولیاء الرحمن مؤمنان با تقوای هستند که توسط ایمان و تقوای خویش ولایت الهی را کسب کردند، پس به هر اندازه که ایمان و تقوای کامل داشته باشند به همان اندازه ولایت کامل دارند روی این ملحوظ اولیاء الله در ولایت شان به اندازه قوت و ضعف ایمان و تقوای شان دارای تفاضل می باشند، پس بهترین اولیاء الله انبیاء علیهم السلام می باشند، و بهترین انبیاء مرسلین شان می باشند، و بهترین مرسلین پیامبران اولوالعزم می باشند که عبارتند: از نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه وسلم. و بهترین پیامبران اولوالعزم حضرت محمد صلی الله علیه وسلم می باشد، بعد از آن حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد در رابطه به تفاضل متباقی آنها علماء با یکدیگر

اسماعیل در درب آن مسجد مقنع و چادری میفروخت و از این طریق معیشت خود را تأمین میکرد خود را به آن مسجد نسبت داد و به آن مشهور گردید ، او تابعی بوده از انس بن مالک ، و ابن عباس رض حدیث راایت کرده و ابن عمر رض را ملاقات کرده است و از او شعبه ، ثوری و حسن بن صالح حدیث روایت کرده اند از او تفسیری در قرآن کریم بجا مانده است: [تهذیب التهذیب 1 / 313 ؛ و تقریب التهذیب 1 / 71].

<sup>1</sup> - ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد بن ابی حاتم بن ادريس شيخ الاسلام، ابو محمد تيمي، الحنظلي از جمله بزرگان حفاظ حدیث بوده در سال (240) هـ تولد یافته و در سال (327) هـ وفات کرده است او همراه با پدرش به خاطر شنیدن حدیث سفر میکرد از جمع کثیری روات ثقه از جمله ابا سعید اشج، ابن واره، و ابا زرعه حدیث روایت کرده است، او یکی از امامان بزرگ در شناخت رجال حدیث بوده. ابو الولید باجی رحمه الله گفته است: ابن ابی حاتم شخص با اعتماد و حافظ حدیث است.

از او تصنیفات زیادی در علوم حدیث، تفسیر و فقه به جا مانده است: [تذکره الحفاظ 3 / 46 ؛ و طبقات الحنابلة 2 / 55 ؛ و الأعلام للزركلي 4 / 99].

2- سوره واقعه / 27-34



اختلاف دارند<sup>1</sup>.

وتفاضل اولیاء الله را میتوان به سبب کثرت ونقصان اطاعت از پروردگار محاسبه کرد، پس کسیکه بیشتر به سبب اطاعت خود به الله متعال نزدیکتر شود ولایت آن نیز بزرگتر می شود چنانچه که شهید بر دیگران افضلیت دارد به سبب اینکه شهید به اطاعت از پروردگار ونصرت دین او حتی جان ومال خود را از دست داده است آیا بزرگتر از این کرده اطاعت دیگر است<sup>2</sup>.

الله متعال در رابطه به فضیلت اولیاء الله می فرماید: **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ، لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ**<sup>3</sup>.

ترجمه: هان! بی گمان دوستان خداوند (سبحان) ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت) نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است). (دوستان خداوند) کسانی که ایمان آورده اند و تقوا پیشه کرده اند. برای آنان در دنیا (به هنگام مرگ) و در آخرت (در هنگامه رستاخیز) بشارت (به خوشبختی و نیکبختی) است. سخنان خدا، (یعنی وعده هائی که خدا به پیغمبرانش مبنی بر پیروزی و بهروزی و سعادت دو جهان داده است) تخلف ناپذیر است. این (چیزی که در دنیا و آخرت بدانان مژده داده می شود) رسیدن به آرزو و رستگاری بزرگی است.

این آیت نص است در فضیلت اولیاء الله. اول در رابطه به بیان حال ایشان می فرماید که "لا خوف علیهم ولا هم یحزنون" در آخرت بر ایشان ترسی نباشد از هیچ مخوف و مکروه، و اندوهگین نشوند بر هیچ فائت. ثانیاً حقیقت ولایت با ما صدق آن ذکر شده است که "الذین آمنوا وکانوا یَتَّقُونَ".

پس حقیقت ولایت در آن جماعت متحقق می شود که به وصف ایمان حقیقی که شرح آن در سوره انفال مذکور است می باشد چنانچه که الله متعال می فرماید: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ**<sup>4</sup>.

ترجمه: مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود، دل هایشان هراسان می گردد (و در انجام نیکی ها و خوبی ها بیشتر می کوشند) و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده می شود، بر ایمان شان می افزاید، و بر پروردگار خود توکل می کنند (و خویشان را در پناه او می دارند و هستی خویش را بدو می سپارند).

<sup>1</sup> - أصول الإيمان في ضوء الكتاب والسنة: المؤلف: نخبة من العلماء الطيبة: الأولى: الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية: ج1: ص277.

<sup>2</sup> - لوامع الأنوار البهية وسواطع الأسرار الأثرية لشرح الدرّة المضیة في عقيدة الفرقة المرضیة المؤلف: شمس الدین، أبو العون محمد بن أحمد بن سالم السفارینی الحنبلی (المتوفى: 1188هـ) الناشر: مؤسسة الخافقين ومكبتها - دمشق: الطبعة: الثانية - 1402 هـ - 1982 م: جلد 2: ص 411.

<sup>3</sup> -سوره یونس/62-64.

<sup>4</sup> -سوره انفال/2.

وبه وصف تقوی نیز متصف اند.<sup>1</sup>

و همچنان کسی که به رسالت محمد (ص) ایمان مفصل داشته باشد و از آن پیروی نماید، آن شخص ایمان و ولایتش با الله تعالی نسبت به شخصی که از رسالت آن جناب آگاهی تفصیلی و پیروی تفصیلی ندارد، کاملتر خواهد بود، اگرچه هردو اولیاء الله هستند.<sup>2</sup>

جنت مرتبه های بسیار متفاوت دارد، اولیاء الله بر اساس ایمان و تقوایشان در آن مرتبه ها قرار می گیرند، الله تعالی می فرماید:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ، وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ، كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَهُوَآءٍ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ، أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا<sup>3</sup>

ترجمه: هر کس که دنیای زودگذر (این جهان) را بخواهد (و تنها برای زندگی آن کار کند)، آن اندازه که خود می خواهیم و به هر کس که صلاح می دانیم، هرچه زودتر در دنیا بدو عطاء خواهیم کرد. به دنبال آن، دوزخ را بهره او می کنیم که به آتش آن می سوزد، در حالی که (به سبب کارهایی که در دنیا کرده است) مورد سرزنش است و (از رحمت خدا) رانده و مانده است.

و هر کس که (دنیای جاودانه) آخرت را بخواهد و برای (فراچنگ آوردن) آن، تلاش سزاوار آن را از خود نشان دهد، در حالی که مؤمن باشد، این چنین کسانی، تلاششان بی سپاس (و بی اجر) نمی ماند. و ما هر یک از اینان (که آخرت طلبانند) و از آنان (که دنیا پرستانند، در این جهان) از بخشایش پروردگارت (بهره مند می گردانیم و) کمک می رسانیم و (کافر و مؤمن را بر این خوان یغما می نشانیم. چرا که در صورت رعایت اسباب و علل،) بخشایش پروردگارت هرگز (از کسی بازداشته نشده است و از او) ممنوع نگشته است. ببین چگونه برخی (از مردمان) را بر برخی دیگر (در همین دنیای ناچیز، به سبب تفاوت تلاش و کوشششان) برتری داده ایم و (یکی را شاه، دارا، دانا، و یکی را نوکر، نادار، نادان کرده ایم. و اما بدان که در دنیای مهم و ارزشمند) آخرت، درجات بزرگتر و برتریها سترگتر است (و تفاوتها و فاصلهها بیشتر است؛ چرا که آنجا سرای جاویدان است و بهشت و درجات عظیم آن در میان است. پس ای انسان! برای آن به مسابقه بپرداز و شبانه روز بکوش).

پیامبران که از جمله اولیاء الرحمن می باشند نیز باهم از لحاظ مرتبه و فضیلت باهم فرق دارند، چنانچه که الله تعالی تفاضل و برتری بعضی انبیاء را بر بعضی دیگر بیان نموده فرموده است: ( تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ )<sup>4</sup>

ترجمه: این پیغمبران (که نام برخی از آنان گذشت) بعضی از ایشان را بر بعضی دیگر

<sup>1</sup> إزالة الخفاء عن خلافة الخلفاء: تأليف: محدث هند شاه ولي الله دهلوي رحمه الله: تصحيح و مراجعه: سيد جمال الدين هروي: جلد اول/ص 486.

<sup>2</sup> فرق بين اوليائى رحمان و اوليائى شيطان: تأليف: شيخ الإسلام احمد بن عبد الحليم: ترجمه: دكتور محمد ابراهيم بلخى: سال: 1388 هـ/ص 37-38/

<sup>3</sup> -سوره اسرا 18-21.

<sup>4</sup> -سوره بقره/253.

برتری دادیم. خداوند با برخی از آنان سخن گفت، و بعضی را درجاتی برتر داد، و به عیسی پسر مریم معجزاتی دادیم و او را با روح القدس (یعنی جبرئیل) تقویت و تأیید نمودیم. در سوره‌ی دیگر فرموده است: (وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا) <sup>1</sup>

ترجمه: پروردگارت از (احوال همه) مردمان و چیزهائی که در آسمان‌ها و زمینند آگاه‌تر (از هر کسی) است (و می‌داند چه کسانی را از میان توده مردم به پیغمبری برمی‌گزیند). ما برخی از پیغمبران را بر برخی دیگر برتری داده‌ایم، و (از جمله) به داود زبور عطاء نموده‌ایم (و او را بدان افتخار بخشیده و بالاتر از بعضی انبیاء قرار داده‌ایم. به تو نیز قرآن ارمغان کرده و خاتم و سرآمد همه پیغمبرانت ساخته‌ایم).

و همچنان بندگان مؤمن و باتقوای الله متعال که از جمله اولیاء الرحمن هستند باهم تفاضل و نسبت به یکدیگر برتری دارند، چنانچه الله متعال می‌فرماید: لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ، دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا <sup>2</sup>.

ترجمه: (جهاد با رعایت این همه احتیاطی که گذشت، بس بزرگ و ارزشمند است). مسلمانانی که (به جهاد نمی‌روند و در منازل خود) می‌نشینند، با مسلمانانی برابر نیستند که با مال و جان، در راه یزدان جهاد می‌کنند. خداوند مرتبه و الائی را نصیب مجاهدان کرده است که بالاتر از درجه خانه‌نشینان است، مگر چنین خانه‌نشینانی دارای عذری باشند (که ایشان را از بیرون شدن برای جهاد بازداشته باشد. در این صورت درخور سرزنش نیستند، و پاداش بزرگ خود را از خدا دریافت می‌دارند و مرتبه بالائی دارند). خداوند به هر یک (از دو گروه مجاهد و وانشستگان معذور) منزلت زیبا (و عاقبت والائی) وعده داده است. و خداوند مجاهدان را بر وانشستگان (بدون عذر) با دادن اجر فراوان و بزرگ، برتری بخشیده است. درجات بزرگی از ناحیه خدا (بدانان داده می‌شود) همراه با مغفرت و رحمت (فراوان الله. و اگر لغزش‌هائی هم داشته‌اند) خداوند آمرزنده و مهربان است.

### مبحث سوم

#### اسباب کسب ولایت الهی و آثار آن در قرآن کریم

علماء در رابطه به اسباب کسب ولایت الهی در قرآن کریم تفحص و جستجوی زیادی نموده اند و به این نتیجه دست یافتند که کسب ولایت الهی به عمل اندک به دست نمی‌آید بلکه به اطاعت و فرمان برداری در همه اوقات و لحظات زنده گی و ریاضت در بنده گی به دست می‌آید؛ بنا براین ولایت دارای اسبابی میباشد که در صورت وجود آن اسباب بنده به ولایت الهی میرسد. در این مبحث اسباب مقتضی ولایت بررسی میشود.

<sup>1</sup> -سوره اسرا 55

<sup>2</sup> -سوره اسرا/95-96.

**مطلب اول- اسباب اعتقادی و قلبی کسب ولایت در قرآن کریم:**

اسباب اعتقادی و قلبی کسب ولایت الهی قرار ذیل می باشد.

**سبب اول: حصول ایمان و تقوی:**

چنانچه که الله متعال می فرماید: **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ 1.**

**ترجمه:** هان! بی گمان دوستان خداوند (سبحان) ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت) نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است). (دوستان خداوند) کسانیند که ایمان آورده اند و تقوا پیشه کرده اند.

هیچ فرد مسلمان بدون ایمان به الله متعال قرار و سکون قلبی پیدا نمی کند، وانسان بدون دین اسلام انسانی است که هیچ قیمت و ارزشی ندارد اگر چندیکه ظاهرا خود را پاک نگهدارد، و از بهترین وسائل نقلیه استفاده کند، و یا اینکه در بهترین قصر های مجلل زندگی کند، و یا اینکه بیشترین سرمایه را غصب و یا جمع آوری کند اما باز هم در آخرت به بدترین جایگاه سوق داده می شود چنانچه که الله متعال می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ 2.**

**ترجمه:** خداوند کسانی را که ایمان بیاورند و کارهای شایسته و بایسته بکنند، به باغ هائی از بهشت داخل می گرداند که رودبارها و چشمه سارها در زیر (کاخ ها و درخت های) آن روان است. در حالی که کافران (چند روزی از نعمت های زودگذر جهان) بهره و لذت می برند و همچون چهارپایان (بی خبر و غافل از سرانجام کار) می چرند و می خورند، و (پس از بدرود حیات و گام نهادن به آخرت) آتش دوزخ جایگاه ایشان است.

برخلاف غیر دین، اهل دین و اهل اسلام کسانی اند که قلبهای شان سرشار از ایمان و محبت با الله متعال می باشد، اهل ایمان پروردگار شان را دوست دارند، و کتاب پروردگار شان را که قرآن کریم می باشد نیز دوست دارند. کتابیکه مردمان را از تاریکیهای جهل و نادانی بسوی روشنایی سوق میدهد، اهل ایمان رسول الله (صلی الله علیه و سلم) را که الله متعال او را رحمت برای عالمیان فرستاده است دوست دارند، و همچنان برادران دینی خود را که اهل خیر و اهل صلاح هستند نیز دوست دارند چونکه محبت و دوستی با فرد مسلمان یک امر لازمی و واجب می باشد برای هر فرد مسلمان<sup>3</sup>). چنانچه که الله متعال می فرماید: **وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ 4.**

**ترجمه:** بی گمان کسانی که ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و در راه خدا جهاد نموده اند، و همچنین کسانی که پناه داده اند و یاری کرده اند، (هر دو گروه) آنان حقیقه مؤمن و باایمانند (و

1-سوره یونس/62-63.

2-سوره محمد/12.

3 [الموالاته والمعاده في الشريعة الإسلامية]- المؤلف: محماس بن عبد الله بن محمد الجلود الناشر: دار اليقين للنشر والتوزيع الطبعة: الأولى، 1407 هـ - 1987 م: ج 1/ ص 245.

4-سوره انفال/74.

شایسته واژه مهاجر و انصارند و تار و پود جاودانه پرچم اسلامند و) برای آنان آمرزش (گناهان از سوی یزدان منان) و روزی شایسته (در بهشت جاویدان) است.

و همچنان رسول الله ه می فرماید: «لا تدخلوا الجنة حتى تؤمنوا، ولا تؤمنوا حتى تحابوا، أو لا أدلكم على شيء إذا فعلتموه تحاببتم؟ أفشوا السلام بينكم»<sup>1</sup>

ترجمه: شما وارد جنت نمی شوید تا زمانی که ایمان نیاورید، و ایمان کامل نمی دارید تا زمانی که میان یکدیگر محبت و دوستی نداشته باشید، بعد رسول الله ه می فرماید: آیا شمارا دلالت برجیزی نکنم زمانی که آنرا انجام دهید در میان تان محبت ایجاد شود؟ او این است که در میان تان سلام دهید.

#### سبب دوم: سلامت قلب از کینه و کدورت در برابر مسلمانان

مسلمان حقیقی کسی است که همیشه مردم را به خیر و فلاح تشویق می کند و از کینه توزی و کدورت در برابر مسلمانان دیگران را منع می کند، چنانچه که الله متعال همه مسلمانان را به حکمت و موعظه حسنه امر می کند و می فرماید: **ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجِدْ لَهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ**<sup>2</sup>.

ترجمه: (ای پیغمبر!) مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزه‌های نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان، و با ایشان به شیوه هرچه نیکوتر و بهتر گفتگو کن؛ چرا که (بر تو) تبلیغ رسالت الهی است با سخنان حکیمانه و مستدلانه و آگاهانه، و به گونه بس زیبا و گیرا و پیداء، و بر ما هدایت و ضلال و حساب و کتاب و سزا و جزا است. (بی‌گمان پروردگارت آگاه‌تر (از همگان) به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می‌شوند و یا این که رهنمود و راهیاب می‌گردند.

#### سبب سوم: فرحت و خوشحالی به حسن حال مسلمانان و پوره نمودن حاجات آنها

پوره نمودن حاجات، دوستی و صمیمیت، فرحت و خوشحالی میان یکدیگر یکی از امور ضروری در اسلام میباشد و دین اسلام پیروان خود را همیشه به این امر مهم و اساسی تشویق و ترغیب نموده است. چنانچه که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: «أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ، وَأَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى سُرُورٌ تُدْخِلُهُ عَلَى مُسْلِمٍ»<sup>3</sup>

ترجمه: محبوب ترین مردم نزد الله متعال کسانی اند که بیشترین منفعت را برای مردم رسانیده باشد، و محبوب ترین اعمال نزد الله متعال رساندن فرحت و خوشحالی میان مسلمانان است.

و در روایت دیگری فرمودند: «أحب الناس إلى الله أحسنهم خلقا»<sup>4</sup>.

و هم چنان الله متعال مسلمانان را به فعل خیر تشویق نموده و به آن امر می کند: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**<sup>5</sup>.

1- اخرجہ مسلم صحیح مسلم کتاب الایمان، باب بیان انه لا یدخل الجنة .. ج 1/ص 74 .

2- سوره نحل/125.

3- المعجم الكبير للطبرانی ج 11/ص 307 رقم (13468) وقال الشيخ الالبانی صحیح، سلسلة الأحادیث الصحیحة للألبانی (2/608) رقم الحدیث (906) .

4- صحیح ابن حبان (کتاب الإحسان) باب حسن الخلق، ج 2/ص 665. رقم (467)

5- سوره حج/77.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (برای آفریدگار خویش) رکوع (و کرنش برید،) و سجده کنید (و به خاک افتید،) و پروردگار خود را پرستش نمائید و کارهای نیک انجام دهید، تا این که رستگار شوید.

### اسباب عملی و اخلاقی ولایت:

#### سبب اول- ادای فرایض، واجبات و نوافل:

مؤمنی که در سدد کسب ولایت الله متعال باشد در ادای فرایض، واجبات و نوافل کوتاهی نمیکند در حدیث قدسی آمده است رسول الله ه به نقل از الله متعال فرموده است: « إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا، فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ، كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ، وَلَئِنْ أَسْتَعَاذَنِي لِأَعِيذَنَّهُ »<sup>1</sup>.

خداوند فرمود: آنکه با دوستی از دوستانم دشمنی کند، با او اعلان جنگ کرده ام، و نزدیکی نمی جوید به من بنده ام به چیزی که دوست داشتی تر برایم باشد از آنچه که بر وی فرض ساخته ام، و همیشه بنده ام بوسیله نوافل به من نزدیکی می جوید تا اینکه دوستش می دارم و چون دوستش داشتیم، شنوائی او می شوم که بدان می شنود و چشمش که به آن می بیند و دستی که با آن چنگ می زند و پایش که با آن می رود و اگر از من درخواست کند به وی می دهم، و اگر از من پناه جوید، به وی پناه می دهم.»

از این حدیث بر می آید کسانی که با فرایض و واجبات پابند بوده و با نوافل به الله متعال تقرب بجوید در جمع اولیاء الله قرار داشته و دشمنی با آنان دشمنی با الله متعال است. کثرت تلاوت و مطالعه کتاب الله و تدبیر در آن از نوافلی است که بنده مؤمن را به الله متعال نزدیک ساخته و ایمانش را جلا میبخشد.

فرد مسلمان از خلال آیات قرآن کریم می فهمد که از جانب الله متعال و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برای مسلمانان کدام چیز واجب است، و کدام چیز واجب نیست. قرائت و تدبیر در قرآن کریم وسیله ای روشنی چشم و قلب می شود، مداومت و همیشگی بر تلاوت قرآن کریم تاریکی ها و بدبختی را از قلب دور نموده و پر از انوار الهی میگرداند روی این ملحوظ الله متعال مسلمانان را به این امر دستور داده و می فرماید: أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا.<sup>2</sup>

ترجمه: آیا درباره قرآن نمی اندیشند (و مطالب و نکات آن را بررسی و واری نمی کنند؟) یا این که بر دل هائی شان قفل های ویژه ای زده اند؟

#### 4\_ سبب چهارم: اجتناب از منازعه، اختلاف و مجادله میان مسلمانان

وارد نمودن اختلاف میان مسلمانان مفزی به انقسام وضعف موالات می شود، حتی گاهی به معادات و دشمنی میان طرفین نیز می انجامد. چنانچه که الله متعال از منازعه اختلاف و مجادله میان مسلمانان نهی نموده و می فرماید: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ

<sup>1</sup> - اخرجه البخاری ، صحيح البخاری كتاب الرقاق ؛ باب التواضع رقم ( 6021 )

<sup>2</sup> -سوره محمد/24.

بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ<sup>1</sup>.

ترجمه: و مانند کسانی نشوید که (با ترک امر به معروف و نهی از منکر) پراکنده شدند و اختلاف ورزیدند (آن هم) پس از آن که نشانه های روشن (پروردگارشان) به آنان رسید، و ایشان را عذاب بزرگی است.

و همچنان در سوره دیگر می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ<sup>2</sup>.

ترجمه: بی گمان کسانی که آئین (یکتاپرستی راستین) خود را پراکنده می دارند (و آن را با عقائد منحرف و معتقدات باطل به هم می آمیزند) و دسته دسته و گروه گروه می شوند (و هر دسته و گروهی از مکتبی و مذهبی پیروی می کنند) تو به هیچ وجه از آنان نیستی و (حساب تو از آنان جدا و) سروکارشان با خدا است و خدا ایشان را از آنچه می کنند باخبر می سازد (و سزای آنان را خواهد داد).

در برابر اختلاف که میان کفار وجود دارد الله متعال مسلمانان را به اتحاد، الفت، مهربانی، و برادری دعوت می نماید، چنانچه که الله متعال می فرماید: وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ<sup>3</sup>.

ترجمه: و همگی به رشته (ناگسستی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که بدان گاه که (برای همدیگر) دشمنانی بودید و خدا میان دل هایتان (انس و الفت برقرار و آنها را به هم) پیوند داد، پس (در پرتو نعمت او برای هم) برادرانی شدید، و (همچنین شما با بت پرستی و شرکی که داشتید) بر لبه گودالی از آتش (دوزخ) بودید (و هر آن با فرا رسیدن مرگتان بیم فرو افتادن در آن می رفت) ولی شما را از آن رهانید (و به ساحل ایمان رسانید)، خداوند این چنین برایتان آیات خود را آشکار می سازد، شاید که هدایت شوید.

بناء برای علماء و دعوتگران ضرور است که مسلمانان را از اختلاف و پراکندگی منع نموده و به اجتماع، الفت، مهربانی، و احترام متقابل دعوت کنند<sup>4</sup>.

## 5\_ سبب پنجم: مصاحبت با اهل خیر و اهل معرفت

صحبت نمودن با اهل خیر و اهل معرفت امری است که اسلام به آن مسلمانان را تشویق نموده است، اهل خیر کسانی اند که مشغول زدودن عیوب از نفس خود می باشند نه از دیگران، صحبت با اهل خیر و اهل معرفت باعث نرم شدن قلب و پاک شدن از گناهان می شود. چنانچه که الله متعال در وصف مردم انصار زمانیکه برادران مهاجر خود را اکرام و تعظیم نمودند می فرماید: وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ

<sup>1</sup> -سوره آل عمران/105.

<sup>2</sup> -سوره انعام/160.

<sup>3</sup> -سوره آل عمران/103.

<sup>4</sup> أسباب اختلاف الفقهاء د/ عبد المحسن بن عبد الله التركي (34 - 36).

فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>1</sup>.

ترجمه: آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه (آئین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند، و در درون احساس و رغبت نیازی نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجران داده شده است، و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هرچند که خود سخت نیازمند باشند. کسانی که از بخل نفس خود، نگاهداری و مصون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگارانند.

#### 6- سبب ششم: حفظ اسرار برادر مسلمان

هر گاهی که یک مسلمان به برادر مسلمان خود چیزی سِرِّی را به ودیعت می‌گذارد برای آن واجب است که از سِرِّ آن محافظت کند<sup>2</sup>. در رابطه به این قول مهم الله متعال تاکید می‌کند و می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ<sup>3</sup>.

ترجمه: ای مؤمنان! به خدا و پیغمبر (با دوست داشت دشمنان حق، پخش اسرار جنگی، پشت سرافکندن برنامه‌های الهی، و غیره) خیانت نکنید، و در امانات خود نیز آگاهانه خیانت روا مدارید.

#### 7- سبب نهم: احتراز نمودن از سوء ظن به مسلمانان

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در رابطه به مذمت سوء ظن فرموده: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَحَسَّسُوا وَلَا تَنَافَسُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا»<sup>4</sup>.

«خود را از عواقب بد، بدگمانی نگه دارید زیرا بدگمانی دروغ‌ترین سخن است، عیبهای یکدیگر را جستجو نکنید، وحسد نه ورزید، و به همدیگر بغض نه ورزید، و در پشت هم نیفتید، بل بنده‌های خالص الله و برادر همدیگر باشید. وهم چنان الله متعال ما را به تثبیت آنچه که از دیگران صادر می‌شود تاکید نموده است؛ چونکه عدم توجه به امر دیگران باعث ندامت و پشیمانی ما می‌شود. چنانچه که الله متعال می‌فرماید: أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ<sup>5</sup>.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری را به شما رسانید درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی - بدون آگاهی (از حال و احوال‌شان و شناخت راستین ایشان -) آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید.

<sup>1</sup> -سوره حشر/9.

<sup>2</sup> [الموالاته والمعاداة في الشريعة الإسلامية]- ج1/ ص261.

<sup>3</sup> -سوره انفال/27.

<sup>4</sup> - اخرجه البخاری، صحیح البخاری کتاب الادب، باب ماینهی عن التحاسد، رقم (5604)

<sup>5</sup> -سوره حجرات/6.



**مطلب دوم- آثار و نتایج ولایت الهی در قرآن کریم:**

کسانی که به ولایت الهی نایل میشوند زحمات بی پایان را متحمل شده بعد به این مقام میرسند روی این ملحوظ اولیاء الله که بعد از سپری نمودن طاعت و عبادت بسیار زیاد به این مرحله رسیده از خود دارای آثار و نتایج می باشد که الله متعال در باره این آثار و نتایج در قرآن کریم تصریح نموده است.

1- یکی از آثار و نتایج ولایت الهی در قرآن کریم بیرون نمودن اولیاء الله از تاریکی های جهل و نادانی بسوی روشنایی ایمان و تقوی می باشد. چنانچه که الله متعال می فرماید: **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطُّغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** <sup>1</sup>.

ترجمه: خداوند متولی و عهده دار (امور) کسانی است که ایمان آورده اند. ایشان را از تاریکی های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می شود. و (اما) کسانی که کفر ورزیده اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شر و ضلال) متولی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده به سوی تاریکی های (زمخت کفر و فساد) می کشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می مانند.

2- یکی دیگر از آثار و نتایج ولایت الهی در قرآن کریم نصرت و کمک نمودن الله متعال برای اولیاء الله می باشد چنانچه که الله متعال می فرماید: **بَلِ اللَّهُ مَوْلَى كُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ** <sup>2</sup>.

ترجمه: (کافران یاور شما نیستند) بلکه خدا یاور شما است و او بهترین یاوران (و بزرگترین مددکاران) است.

وقتی که مؤمنان اولیاء الله بوده الله متعال آنها را کمک می کند و در برابر هر نوع نا هنجاری ها آنها را یاری میدهد چنانچه که الله متعال مؤمنان اولیه را که همیشه متمسک به قرآن و سنت بودند در برابر دشمنان شان پیروزی های را نصیب فرمود که بشر نظیر آن را در جهان ندیده بود. <sup>3</sup>.

3- یکی دیگر از آثار و نتایج ولایت الهی در قرآن کریم رستگار شدن و کامیابی در همه امور می باشد. چنانچه که الله متعال می فرماید: **لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا ءَابَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُقْلِحُونَ** <sup>4</sup>.

ترجمه: مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند، ولی کسانی را به دوستی بگیرند که با خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده باشند، هر چند که آنان پدران، یا پسران، یا برادران، و یا قوم و قبیله ایشان باشند. چرا که مؤمنان، خدا بر دل هایشان رقم ایمان زده است، و با نفخه ربانی خود یاری شان داده است و تقویتشان کرده است، و ایشان را

1- سوره بقره/257.

2- سوره آل عمران/150.

3- اسم الله الولی/ الطبعه الاولى/ 1427ق/ 2006م/ ج 1/ ص 20.

4- سوره مجادله/22.

به باغ‌های بهشتی داخل می‌گرداند که از زیر (کاخها و درختان) آنها رودبارها روان است، و جاودانه در آنجا می‌مانند. خدا از آنان خوشنود، و ایشان هم از خدا خوشنودند. اینان حزب یزدانند. هان! حزب یزدان، قطعاً پیروز و رستگار است.<sup>1</sup>

4- یکی دیگر از آثار و نتایج ولایت الهی در قرآن کریم این است که الله متعال اولیای خود را مشمول رحمت خود می‌گرداند چنانچه که الله متعال می‌فرماید: **وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ**.<sup>2</sup>

ترجمه: مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می‌خوانند و از کار بد باز می‌دارند، و نماز را چنان که باید می‌گزارند، و زکات را می‌پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می‌کنند. ایشان کسانی‌اند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می‌گرداند. (این وعده خدا است و خداوند به گزاف وعده نمی‌دهد و از وفای بدان هم ناتوان نیست. چرا که) خداوند توانا و حکیم است.

در این آیت مبارکه که الله به مواصفات مؤمنین پرداخته، در آخر فرموده است کسانی‌که متصف به به این صفات باشد الله متعال وعده سپرده است که آنها را مشمول رحمت خود می‌گرداند چی در دنیا باشد و چی در آخرت همان طوریکه داخل شدن حرف سین در این جزء آیت (سیرحمهم الله) نیز دلالت به تأکید این قول الهی میکند؛ چون این تأکید پروردگار برای مؤمنین مقابل نسیانی است که از طرف منافقین صادر میشود و تقی‌که منافقین ذکر و عبادت الله متعال را فراموش کردند الله متعال نیز آنها را از رحمت خود دور نگهداشته و برای شان عذاب دردناک تهیه نموده است.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> الطريق إلى الجنة: تأليف فضيلة الشيخ عبد المجيد بن يوسف الشاذلي: تقديم فضيلة الشيخ: عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين: الطبعة الإلكترونية الأولى: أبريل 2007: ج 5/ص 5.

<sup>2</sup> -سوره توبه/71.

<sup>3</sup> [التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج]- المؤلف: د وهبة بن مصطفى الزحيلي: الناشر: دار الفكر

المعاصر - بيروت، دمشق: الطبعة: الثانية، 1418 هـ/ 10/ص 305.

## فصل سوم

### اولیاء الشیطان در قرآن کریم

قرآن کریم شیطان را دشمن قسم خورده انسان معرفی نموده و به مؤمنان حکم کرده است که شیطان در صدد گمراه ساختن آنان از مسیر حق است پس او را به حیث دشمن خود شناخته و به دشمنی بگیرند و از کسانی که به دام فریب کارانه شیطان افتیده به عنوان اولیاء شیطان یاد کرده است.

در این فصل بعد از معرفی اولیاء الرحمن، اولیاء شیطان با اوصاف، انواع، اسباب، آثار و نتایج زشت ولایت شیطان معرفی میگردد و این فصل با بیان همین مطالب شامل سه مبحث میباشد.

**مبحث اول: اولیاء الشیطان و صفات آنها در قرآن کریم**

**مبحث دوم: اقسام و مراتب اولیاء الشیطان در قرآن کریم**

**مبحث سوم: اسباب ولایت شیطان، آثار و نتایج آن در قرآن کریم**

## مبحث اول

## اولیاء الشیطان وصفات آنها در قرآن کریم

## مطلب اول- تعریف شیطان:

شیطان از شطن گرفته شده، جمعش شیاطین است در لغت به معنای بعد (دوری و دور شدن) است. و این ماده در لغت عربی در دوری از خیر و میلان به شر استعمال میشود. و "شطن" ریسمان طویل را نیز گفته شده است.

و به قولی شیطان بر وزن فعلان بوده و از "شاط یشیط" گرفته شده در اینصورت به معنای هلاکت و احتراق استعمال میشود "شاط النشیئ ای هلك و احترق".

از هری رحمه الله معنای اول را راجح دانسته گفته است: شیطان به صورت عام هر فرد متمرّد عاصی، طغیان گر و سرکش را گفته میشود، برابر است اینکه از نوع انسان باشد یا از جن و یا از حیوانات.<sup>1</sup>

به این معنا شیطان نوع از مخلوق است که به اعتبار خلقت از جمله جن بوده که از چشم انسانها مخفی و پوشیده است البته در ماده خلقت انسانها و جنات از هم متفاوت است، چنانچه الله متعال در مورد خلقت جنها فرموده است: وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ.<sup>2</sup>

ترجمه: «و جن را پیش از آن از آتش سراپا شعله بیافریدیم».

در نص قرآن کریم جن از حیث تکلیف و خلقت در مقابل انسان قرار داشته و مقصد خلقت هر دو عبادت و خدا شناسی خوانده شده است، چنانچه الله متعال فرموده است: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.<sup>3</sup>

ترجمه: من جنیات و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده ام.

شیطان از حیث خلقت در جمع جن میباشد، اما شیطان نوع متمرّد و سرکش جنات را گفته میشود که در رأس آن ابلیس قرار دارد، و متمرّد ترین فرد شیاطین را در قرآن کریم ابلیس و عفریت گفته شده است، و عفریت فرد قوی از شیاطین را گفته میشود که در کفر و تمرد به درجه نهایی رسیده باشد،

ابن عبدالبر رحمه الله گفته است جن از نظر اهل کلام بر سه مرتبه و سه نوع تقسیم شده است:

- اگر مراد از جن مخلوقی باشد که به همراه انسانها سکونت و بود باش دارد آن را به نام عامر یاد کرده اند.

- واگر مراد از جن آن چه باشد که بر اطفال آسیب میرساند آن را ارواح نامیده اند.

- و اگر با انسانها دشمنی ورزد و در آسیب رسانیدن و گمراه ساختن انسانها تلاش نماید آن گروه را شیطان نامیده میشود.<sup>4</sup>

1- ابن منظور، لسان العرب، ج 5/ص 222 و از هری، الصحاح، ج 3/ص 321 و الکلیات، ج 3/ص 55.

2- سوره حجر/27.

3- سوره زاریات/56.

4- آکام المرجان فی أحكام الجن، ص 8.

و در مورد اینکه شیطان از جمله جنات است آیات بسیاری از قرآن کریم دلالت دارد از جمله این قول الله متعال که فرموده است: وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا<sup>1</sup>.

ترجمه: ( ای پیغمبر! آغاز آفرینش مردمان را برایشان بیان کن ) آن گاه را که ما به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. آنان جملگی سجده کردند مگر ابلیس که از جنیان بود و از فرمان پروردگارش تمرّد کرد. آیا او و فرزندانش را با وجود این که ایشان دشمنان شمایند، به جای من سرپرست و مددکار خود می گیرید؟! ستمکاران چه عوض بدی دارند!

از این آیت صریحا دانسته میشود که شیطان از جمع جنات بوده و با تمرّد از امر پروردگار از جمع آنان خارج گردیده است و نوع شیطاين به سرکرده گی ابلیس دشمن ابو البشر بوده و به خاطر گمراه ساختن اولاد آدم و دشمنی با آنها قسم یاد کرده است و رابطه انسانها باشیاطین دوستی با دشمنی میباشد، به همین سبب الله متعال فرمود:

أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ ..

ایمان و باور به وجود جن و شیاطین از جمله ضروریات دینی میباشد و منکر وجود جن کافر حکم کرده میشود.<sup>2</sup>

### مطلب دوم - معرفی اولیاء الشیطان از دیگاه قرآن کریم:

شیخ الاسلام ابن تیمیه در رابطه به تعریف اولیاء الشیطان میگوید: «هو الذي يطيع الشيطان ويأمر بأمره ويخالف ما جاء به محمد عليه الصلاة والسلام»<sup>3</sup>. اولیاء الشیطان عبارت از کسانی اند که اطاعت از شیطان نموده و مأمور به امر شیطان می باشند، و آنچه را که از جانب رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمده است مخالفت می کند.

با وجودیکه الله متعال از متابعت و اطاعت کردن شیطان مسلمانان را منع نموده و آن را دشمن واضح و آشکار خوانده است. چنانچه که الله متعال می فرماید: (أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يُنْيِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ )<sup>4</sup>.

ترجمه: ای آدمیزادگان! مگر من به شما سفارش ننمودم و امر نکردم که اهریمن را پرستش نکنید، چرا که او دشمن آشکار شما است؟

انسان مسلمان بر این باور است که شیطان در میان مردم دوستانی دارد که آنها را به خدمت گرفته و ابزار کار خویش قرار داده، و شر و فساد را برای آنان زیبا و دلپذیر

1-سوره كهف/50.

2 - تفسیر فخر الرازي، ج 30 / ص 152

3 أولیاء الصوفیة عند ابن تیمیة فی الفرقان: إعاد الطالب: موسی بن محمد بن هجاء الزهرانی: جامعة القاهرة - كلية دار العلوم - قسم الفلسفة الإسلامية: تحت إشراف الأستاذ الدكتور: عبد الفتاح أحمد الفاوي: السنة التمهيدية للماجستير بقسم الفلسفة الإسلامية بكلية دار العلوم: ص 6

4-سوره يس/60.

گردانیده، و گوش‌هایشان را از شنیدن اندرز و خیر خواهی کر نموده و چشمان آن‌ها را از دیدن دلایل قدرت و عظمت خداوند نابینا گردانیده است.

آن‌ها تسلیم شیطان شده‌اند، و دستوراتش را انجام می‌دهند، و شیطان نیز به وسیله فریبکاری‌های شرورانه اش آن‌ها را فریب داده و فساد و تباهی را برایشان زیبا جلوه داده است. زشتی را در چشمان آنان زیبا و زیبایی را زشت گردانیده است، و با اهل ایمان و دوستان خدا به رویارویی می‌پردازد و با آنان دشمنی می‌ورزند، و بر خلاف عمل و روش آن‌ها گام بر می‌دارند، دوستان خدا ولایت و دوستی خدا را برگزیده، و او را دوست می‌دارند، و در پی تأمین رضایت او هستند، اما دوستان شیطان با خداوند و دین او دشمنی می‌ورزند، و اسباب خشم او را فراهم نموده‌اند، و در نتیجه لعنت و خشم خداوند را شامل حال خویش گردانیده‌اند. اگر آنان بتوانند کارهای خارق العاده ای مانند پرواز در آسمان، راه رفتن بر روی دریا را انجام دهند، هیچ ارزش و اعتباری را در پی ندارد، و این کارها تنها شعبده‌ها و فریبکاری‌هایی است که شیطان برای دوستان و هواداران خود انجام می‌دهد، و هر چه بیشتر اسباب وابستگی آن‌ها را بخود فراهم می‌نماید<sup>(1)</sup>. چنانچه که الله متعال در مورد دوستان و کارگزاران شیطان می‌فرماید: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَائِهِمُ الطَّغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)<sup>2</sup>.

**ترجمه:** و (اما) کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و ضلال) متولّی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده به سوی تاریکی‌های (زمخت کفر و فساد) می‌کشانند. اینان اهل آتشدن و در آنجا جاویدانه می‌مانند.

و همچنان می‌فرماید: (وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلِيَ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجِدُواكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ)<sup>3</sup>

**ترجمه:** بی‌گمان اهریمنان و شیاطین صفتان، مطالب و سوسه‌انگیزی به طور مخفیانه به دوستان خود القاء می‌کنند تا این که با شما منازعه و مجادله کنند (و بکوشند که شما را به تحریم آنچه خدا حلال کرده است وادارند). اگر از آنان اطاعت کنید بی‌گمان شما (مثل ایشان) مشرک خواهید بود.

### مطلب سوم - صفات اولیاء الشیطان در قرآن کریم:

در کاربرد های عربی، شیطان هر موجودی از انسان و جن و حیوانی است که سرکشی و تمرد می کند و بیرون از دایره رفتارهای طبیعی می باشد بنابر این، اختصاص به طائفه ای خاص ندارد. از این رو در قرآن کریم نیز از شیاطین جن و انس سخن به میان آمده است. بنا براین هرگاه از شیطان و صفات و افکار او سخن به میان می آید،

<sup>1</sup> کلیات اسلام : مؤلف: ابوبکر جابر الجزایری: مترجم: عبدالعزیز سلیمی: سال انتشار عقرب 1394 شمسی،

1436 هجری قمری.

<sup>2</sup> -سوره بقره /257.

<sup>3</sup> -سوره انعام/121.

مقصود ابلیس است؛ چونکه وی نماد هر زشتی و پلیدی و دشمنی است با این همه برخی از مردمان نه تنها صفات او را می پسندند، بلکه می کوشند تا با الگو برداری از ابلیس خود را شبیه شیطان سازند، و صفات وافکار او را در خود تحقق بخشند. در این جا است که از خدایی شدن به سوی شیطانی شدن گرایش می یابند و در این راه گام برمیدارند، چنین افرادی که تحت سلطه فکری و صفاتی ابلیس درآمده اند، همان اولیاء و دوستان او هستند به همین دلیل لازم میدانم که برخی از صفات اولیاء الشیطن را از دیدگاه قرآن کریم بیان کنم.

**1- اختلاف و تفرقه افگنی میان زن و شوهر:** چنانچه که الله متعال می فرماید: *فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ*<sup>1</sup>.

**ترجمه:** از ایشان چیزهایی آموختند (و در راهی از آن استفاده کردند) که با آن میان مرد و همسرش جدائی می افکنند. (آری این شیطان صفات گناهپیشه، کفر و ورزیدند، چون اینگونه یاوه گوئی ها و افسانه سرائی های گذشتگان را بهم بافتند و آن را وسیله آموزش جادو به یهودیان کردند) و حال آن که با چنین جادوی (خویش) نمی توانند به کسی زیان برسانند مگر این که با اجازه و خواست خدا باشد. و آنان قسمتهائی را فرا می گرفتند که برای شان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشت و بدی شان سودی نمی رساند. و مسلماً می دانستند هر کسی خریدار اینگونه متاع باشد، بهره ای در آخرت نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته (و آن را پیشه خویشتن ساخته اند) اگر می دانستند (و علم و دانشی می داشتند).

یهودیان یاد الله متعال را ترک میکردند و بدترین انواع سحر را که عبارت از تفرقه افگنی بین زن و شوهر است می آموختند تا اینکه فرقت و جدایی را بین زن و شوهر ایجاد کنند، این در حالی است که رابطه زن و شوهر رابطه ای محبت و مؤدب است با وجود این رابطه قوی و مستحکم سحر و جادو از دیدگاه جمهور علماء حقیقت دارد و به اذن الله متعال تأثیر میگذارد، و در بین زن و شوهر اختلاف ایجاد می کند، یهودیان می دانستند هر کسیکه به سحر و جادو رغبت داشته باشد و ایمان خود را در بدل سحر بفروشد سهمی از رحمت و ثواب الله متعال ندارد بلکه برعکس دچار عذابی سخت و شدید نیز می شود چقدر این خسارت و تحقیر بزرگ است که آنها ایمان و پیروی پیامبران را ترک کردند و به سحر و دجل روی آوردند و به آنها اصلاً علم و دانش سودمندی ندارد تا آنان را بر تمییز بین خوب و بد، مفید و مضر وا دارد.<sup>2</sup>

**2- مجادله به باطل:** اهل باطل به دشمنی شان بر ضد حق ضرورت به همکار دارند تا اینکه مقابله با اهل حق کنند، و یا اینکه در برابر آنها از مکر و حيله خود کار گیرند

<sup>1</sup> -سوره بقره/102.

<sup>2</sup> التفسیر المیسر: المؤلف: عدد من أساتذة التفسیر تحت إشراف الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي: مصدر الكتاب: موقع مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف: ج1/ص116.

وکارهای باطل را به آنها مزین سازند. اولیاء الشیطان برای پیشرفت همه این کارهای شان از شیاطین استمداد می طلبند، این مواجهه اولیاء الشیطان با شیاطین را مجادله به باطل گویند چنانچه که الله متعال می فرماید: **وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجِدِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ**.<sup>1</sup>

**ترجمه:** گروهی از مردم بدون هیچ علم و دانشی (و بلکه تنها از روی تقلید و هواپرستی) درباره (شناخت) یزدان (و مسأله توحید خداوند منان، و احیاء مردگان، و رستاخیز همگان به فرمان خالق جهان) به مجادله برمی خیزند، و (در این امر، طبیعی است، نه از دانش و منطق، بلکه) از هرگونه شیطان (انس و جن) سرکشی، پیروی می نمایند (و برابر نقشه و برنامه و حيله و دام همه شیاطین و شیاطین صفتان عمل می کنند).

یعنی کسانی که بدون علم در برابر الله متعال مجادله و یا مخاصمه می کنند و گمان به این دارند که الله متعال قادر به زنده گرداندن مرده ها نیست و قتی که آنها به خاک مبدل میگردد، این گفته ها به سبب جهالت و نادانی است که از جانب اهل باطل صادر می شود و همیشه تابع و پیرو از شیطان سرکش می باشد.<sup>2</sup>

و همچنان الله متعال نسبت کارهای زشت را که اولیاء الشیطان می کنند از وسوسه های شیطان میداند و می فرماید: **وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلِيَ آوْلِيَاءِهِمْ لِيُجِدِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمْهُمْ إِنْكُمْ لَمُشْرِكُونَ**.<sup>3</sup>

**ترجمه:** بی گمان اهریمنان و شیاطین صفتان، مطالب و وسوسه انگیزی به طور مخفیانه به دوستان خود القاء می کنند تا این که با شما منازعه و مجادله کنند (و بکوشند که شما را به تحریم آنچه خدا حلال کرده است وادارند). اگر از آنان اطاعت کنید بی گمان شما (مثل ایشان) مشرک خواهید بود.

شیاطین انسی و جنی برای اولیاء و اعوان خود که مشرکین اند و وسوسه می کنند تا اینکه همراهِ همراهِ رسول الله ه و یارانِش در رابطه به خوردن گوشت خود مرده مجادله کنند.<sup>4</sup>

با وجودیکه الله متعال از اطاعت و فرمانبرداری اهل مجادله به باطل برحذر داشته و می فرماید: **وَإِنْ أَطَعْتُمْهُمْ إِنْكُمْ لَمُشْرِكُونَ**.<sup>5</sup>

**ترجمه:** اگر از آنان اطاعت کنید بی گمان شما (مثل ایشان) مشرک خواهید بود. الله متعال در کتاب خود دو مثال را ذکر می کند که در آن از اهل باطل مجادله صورت گرفته است، هدف از ذکر این دو مثال در قرآن کریم وضاحت و بیان چگونگی مکر شیاطین و اولیای آن در رابطه به دقت امور و لطائف آن می باشد که چگونه شیطان از راه هوی و خواهشات وارد عقل انسان شده و آنرا به مجادله می کشاند بناء برای

1-سوره حج/3.

2-تفسیر جامع البیان طبری: ج17/ص149.

3-سوره انعام/121.

4-تفسیر منیر: ج17/ص23.

5-سوره انعام/122.



وضاحت مکر شیطان این دو مثال را ذکر می‌کنم.

**مثال اول:** الله متعال در سوره انعام از آنچه برای ما حلال گردانیده و از آنچه که حرام گردانیده است می‌فرماید: (فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ، وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرَّرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ، وَذَرُوا ظَهْرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ سَيُجْزَوْنَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ، وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفُسْقٌ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلِيَ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجِدِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمْوَهُمْ إِنْكُمْ لَمُشْرِكُونَ).<sup>1</sup>

**ترجمه:** پس (از آنجا که خدا راه‌یافتگان و گمراهان را بهتر از هرکسی می‌شناسد، به ضلالت مشرکان در تحریم برخی از چهارپایان گوش فرا ندهید و) از گوشت چهارپائی بخورید که به هنگام ذبح نام خدا را بر آن برده‌اند (و آن را به نام الله، نه به نام کسی یا چیزی جز او سر بریده‌اند) اگر به آیات خدا (و از جمله به آیات وارده در این باره) ایمان دارید. شما چرا باید از گوشت حیوانی نخورید که به هنگام ذبح نام خدا بر آن رفته است؟ و حال آن که خداوند گوشت حیواناتی را که بر شما حرام است (در همین سوره / 145 و مائده / 3) بیان کرده است (و دستور داده است که از آنها نخورید) مگر ناچار و درمانده شوید (که در این صورت می‌توانید به اندازه‌ای که رفع ضرورت و دفع هلاک کند از گوشت حرام آنها بخورید). بسیاری از مردم، با هواها و هوس‌های (کج و نادرست) خود، بدون آگاهی (از صحت آنچه که می‌گویند و بدون دلیلی بر آنچه در راه آن می‌کوشند، دیگران را) سرگشته و گمراه می‌سازند. بی‌گمان پروردگارت (از تو و از همه بندگان) آگاهتر از حال تجاوزکاران است. گناهان آشکار و بزهکاری‌های پنهان را ترک کنید (و در هیچ حال خویشتن را به معصیت نیالائید). بی‌گمان کسانی که به دنبال گناه راه می‌افتند، هرچه زودتر کیفر ارتکاب معاصی ایشان داده می‌شود. از گوشت حیوانی نخورید که (به هنگام ذبح عمداً) نام خدا بر آن برده نشده است (و یا به نام دیگران و یا به خاطر بتان سر بریده شده است). چرا که خوردن از چنین گوشتی، نافرمانی (از دستور خدا) است. بی‌گمان اهریمنان و شیاطین صفتان، مطالب وسوسه‌انگیزی به طور مخفیانه به دوستان خود القاء می‌کنند تا این که با شما منازعه و مجادله کنند (و بکوشند که شما را به تحریم آنچه خدا حلال کرده است وادارند). اگر از آنان اطاعت کنید بی‌گمان شما (مثل ایشان) مشرک خواهید بود.

امام سیوطی.<sup>2</sup> رحمه الله در سبب نزول این آیات می‌گوید<sup>1</sup>: از ابن عباس روایت است

<sup>1</sup> -سوره انعام/118-120.

<sup>2</sup> - سیوطی، جلال‌الدین ابو الفضل عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد بن سابق الدین الحضری السیوطی، در سال (849 هـ) در قریه به نام اسبوط به دنیا آمده در طفولیت پدرش وفات نموده او در قاهره یتیم بزرگ شده است از فقهاء مشهور شافعی بوده محدث، مؤرخ، ادیب و عالم به علم لغت و فنون میباشد او یک نویسنده خیلی سریع بوده در جوانی به تألیف و تصنیف مصروف بود وقتیکه به عمر چهل سالگی رسید افتاء و تدریس را ترک کرده و فقط مصروف تألیف گردید تصنیفاتش در علوم مختلف نزدیک به پنجمصد کتاب میباشد از جمله: (الأشباه والنظائر في فروع الشافعية، و (الحاوي للفتاوى) ؛ و (والإتقان في علوم القرآن) ولباب

که گفت: یک تعداد مردم به حضور رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمدند و گفتند: یارسول الله!

آیا ما از آنچه که خود ما کشته ایم بخوریم؟ و از آنچه که الله متعال او را کشته نخوریم؟ پس الله متعال این آیت را نازل فرمود: فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ<sup>2</sup>.

**مثال دوم:** مثال دوم قضیه ای است که در رابطه به آن چی در زمان گذشته و چی در زمان حاضر مجادله بسیار صورت گرفته است که آن عبارت از قضیه ای زنده شدن بعد از مرگ می باشد، علت کثرت مجادله در رابطه به این قضیه غیر محسوس بودن آن برای بشریت است. روی این ملحوظ الله متعال برای رد مجادلات اولیای شیطان در رابطه به این قضیه در سوره حج به وضاحت بیان نموده می فرماید: وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجِدِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ (كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يَضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ) (يَأْيَهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن نُّرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يَتُوفَىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يَرُدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي الْقُبُورِ)<sup>3</sup>.

**ترجمه:** گروهی از مردم بدون هیچ علم و دانشی (و بلکه تنها از روی تقلید و هواپرستی) درباره (شناخت) یزدان (و مسأله توحید خداوند منان، و احیاء مردگان، و رستاخیز همگان به فرمان خالق جهان) به مجادله برمی خیزند، و (در این امر، طبیعی است، نه از دانش و منطق، بلکه) از هرگونه شیطان (انس و جن) سرکشی، پیروی می نمایند (و برابر نقشه و برنامه و حيله و دام همه شیاطین و شیاطین صفتان عمل می کنند). اهریمنانی که مشخص و معلوم است، هرکس آنها را به دوستی گیرد، حتماً گمراهش می گردانند و به عذاب آتش (دوزخ) سوزانش می کشانند. ای مردم! اگر درباره رستاخیز (مردگان و زندگانی دوباره ایشان) تردید دارید، (بدین نکته توجه کنید تا به گوشه ای از قدرت الهی پی ببرید و به خود آئید): ما شما را از خاک می آفرینیم، سپس (این خاک پیش پا افتاده را) به نطفه، و بعد (نطفه، این پدیده اسرارآمیز فراهم آمده از اسپرم مرد و اوول زن را) به خون بسته (زالو مانند)، و پس از آن (این خون بسته را به چیزی شبیه) به یک قطعه گوشت (جویده شده) در می آوریم که برخی (کامل و تام الخلقه و) بسامان، و برخی (ناتمام و ناقص الخلقه و) نابسامان است. (همه اینها) بدین خاطر است که برای شما روشن سازیم (که ما بر آفرینش و تغییر و تبدیل و

[المنقول فی اسباب النزول ((میباشد. [شذرات الذهب 51 / 8 ؛ والأعلام 4 / 71]

<sup>1</sup> لباب النقول فی اسباب النزول للسیوطی / ص 124.

<sup>2</sup> -سوره انعام/118.

<sup>3</sup> -سوره حج/3-7.

هرگونه کاری، از جمله زندگی دوباره بخشیدن توانائیم). ما جنین‌هائی را که بخواهیم تا زمان خود در رحم‌ها نگاه می‌داریم و آن گاه شما را به صورت کودک (پسر یا دختر، از شکم مادران) بیرون می‌آوریم، سپس (شما را تحت نظارت و رعایت خود می‌پائیم) تا به رشد جسمانی و عقلانی خود می‌رسید. برخی از شما (در این میان) می‌میرند و بعضی از شما به نهایت عمر و غایت پیری می‌رسند. تا بدانجا که چیزی از علوم خود را به خاطر نخواهند داشت (و دانسته‌های خویش را فراموش کرده و از یاد می‌برند، و درست همانند یک کودک می‌شوند. دلیل دیگری بر قدرت خدا در همه‌چیز، به ویژه درباره مسأله رستاخیز، این است که ای انسان در فصل زمستان) تو زمین را خشک و خاموش می‌بینی، اما هنگامی که (فصل بهار در می‌رسد و) بر آن آب می‌پاریم، حرکت و جنبش بدان می‌افتد و رشد و نمو می‌کند و انواع گیاهان زیبا و شادی‌بخش را می‌رویاند. آن (چیزهائی که در آیات پیشین درباره مراحل مختلف آفرینش انسان و جهان گیاهان بازگو شد) بدان خاطر است که (بدانید) خدا حق است و (لذا نظامی را که آفریده نیز حق بوده و بیهوده و بی‌هدف نیست، و به زبان حال به شما می‌گوید:) او مردگان را زنده می‌گرداند، و وی بر هر چیزی توانا است. و (این که بدانید) بدون شک قیامت فرا می‌رسد و جای هیچ‌گونه تردیدی نیست، و خداوند تمام کسانی را که در گورها آرمیده‌اند دوباره زنده می‌گرداند.

این آیات در رابطه به گفته‌های نضر بن حارث نازل شده است.<sup>1</sup>

چونکه او بسیار اهل مجادله بود و می‌گفت: ملائکه‌ها دختران خداوند است، و قرآن کریم از جمله افسانه‌های پیشینیان است، والله متعال برای زنده نمودن کسانی که به خاک مبدل شده است غیر قادر است.<sup>2</sup>

و همچنان فطرت سلیم انسانی آنست که هیچگاه انسان را به هوا و خواهشات نفسانی اش میلان نمی‌دهد بلکه همیشه بسوی افعال خیر سوق میدهد، بناء کسانی که یکدیگر را به شر و بدی تشویق می‌کنند در حقیقت مقام شیطان را کسب نموده و مردم را به سوی عصیان و نافرمانی تشویق می‌کنند. و همیشه از فساد شرارت و بد بختی به یکدیگر به گونه مخفی کار می‌گیرند اما فطرت سلیم همچون اعمال زشت را ناپسند می‌داند حتی الله متعال برای مؤمنان می‌گوید که اگر شما از رفتار و کردار اولیای شیطان اطاعت می‌کنید یعنی حلال را حرام و حرام را حلال بدانید در حقیقت شما در احکام الهی مرتکب شرک شده اید.<sup>3</sup>

**3- نوشیدن شراب:** چنانچه که الله متعال می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.**<sup>4</sup>

**ترجمه:** ای مؤمنان! میخوارگی و قماربازی و بتان (سنگی که در کنار آنها قربانی

<sup>1</sup> تفسیر القرآن العظیم لابن ابی حاتم: ج 8 / ص 2373.

<sup>2</sup> تفسیر منیر لزحیلی: ج 17 / ص 153.

<sup>3</sup> تفسیر الشعراوی: ج 1 / ص 899.

<sup>4</sup> -سوره مائده/90.

می‌کنید) و تیرها (و سنگ‌ها و اوراقی که برای بخت‌آزمایی و غیب‌گویی به کار می‌برید، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند و (ناشی از تزیین و تلقین) عمل شیطان می‌باشند. پس از (این کارهای) پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید.

الله متعال این اعمال زشت را نکوهش نموده و خبر میدهد که اینها از عمل شیطان و پلید می‌باشند پس آنها ترک کنید تا از جمله رستگاران شوید، چون رستگاری کامل نمی‌شود مگر با ترک آنچه که الله متعال حرام کرده است، به ویژه ترک این زشتی‌های مذکور که عبارت اند از «خمر»، و آن به هر چیزی گفته می‌شود که عقل را با مستی و بیهوشی بیوشاند.

«میسر» عبارت است از رقابتی که در آن دوطرف عوضی گذاشته اند، مانند شرط بندی و غیره. «انصاب» بتها و همتیانی هستند که به جز از الله متعال پرستش می‌شوند. «ازلام» تیرهای اند که مردم در جاهلیت با آن قرعه‌کشی می‌کردند و فال می‌گرفتند، پس الله متعال از این چهار چیز نهی کرده است و از مفسد آن خبر داده است، مفسدی که آدمی را به ترک و دوری از آن فرا می‌خواند. مفسد این اعمال قرار ذیل اند.

**اول:** این کارها از حیث معنوی پلید و نجس می‌باشند گرچه در ظاهر پلید نیستند، و امور خبیث از جمله مواردی هستند که باید از آنها پرهیز نمود و خویشتن را به پلیدی‌های آنان آلوده نسازیم.

**دوم:** این کارها از عمل شیطان و دوستان آن است، که بزرگترین و سرسخت‌ترین دشمن انسان است و مشخص است که از دشمن و دام‌ها و کارهایش باید پرهیز کرد، به خصوص از توطئه‌هایی که او می‌چیند تا دشمن را در آن بیفکند، چونکه اگر در آن بیفتد هلاک می‌شود پس باید قاطعانه تصمیم گرفت که از عمل دشمن برحذر بود و کاملاً از وی پرهیز کرد، تا اینکه در دام توطئه‌هایش گیر نیاییم. از سوی دیگر موفقیت و رستگاری بنده جز با پرهیز از آن ممکن نیست زیرا رستگاری به معنی رسیدن به اهداف و نجات یافتن از امور ناگوار است، و این امور مانع به دست آوردن رستگاری و حائل میان آن هستند.

**سوم:** این اعمال باعث دشمنی و کینه‌توزی بین مردم می‌گردد، و شیطان برای منتشر کردن آن بسیار علاقمند است، به ویژه درپخش کردن شراب و قمار تا میان مسلمانان دشمنی و کینه‌توزی بیفکند؛ زیرا شراب به علت این که عقل را فاسد می‌کند و ادراک را از بین می‌برد، باعث می‌شود تا میان شرابخوار و برادران مؤمنش دشمنی به وجود بیاید. به ویژه هرگاه بافحش و ناسزا همراه باشد که از ویژگی‌های شرابخوار است. و در بسیاری اوقات شرابخواری منجر به قتل می‌شود، و در قمار یکی پیروز می‌شود و دیگری می‌بازد، و آنکه پیروز می‌شود مال فراوانی را بدست می‌آورد بدون اینکه در عوض آن چیزی را بدهد. و این کار بزرگترین سبب برای دشمنی و کینه‌توزی است همچنان این اعمال زشت قلب را آلوده کرده و صاحبش را از یاد الله متعال و از نماز خواندن باز می‌دارد. با وجودیکه انسان برای این دو چیز آفریده شده، و سعادتش در این دو کار است. بنابراین شراب و قمار انسان را از این چیزها به شدت بازداشته،

و قلب و ذهن را به خود مشغول می‌دارد، و بعد از مدتی نمی‌داند او کجا قرار دارد، پس چه معصیتی بزرگتر و زشت‌تر از گناهی است که آدمی را آلوده می‌کند و او را از اهل پلیدی‌ها می‌گرداند. بنا بر این الله متعال این پیشنهاد را بر عقل‌های سالم عرضه داشت و فرمود: (آیا شما دست می‌کشید؟) چون مرد عاقل وقتی به این مفاسد بنگرد از آن خود را باز داشته و خودش را کنترل می‌کند و نیازی به وعظ و پند زیاد و نهی فراوان ندارد.

**4-تهمت نمودن افتراء و بهتان :** چنانچه که الله متعال می‌فرماید : **يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا وَلَا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ، إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ<sup>1</sup>.**

**ترجمه:** ای مردم! از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است (و خدا آن را تحریم نکرده و نفس انسان گوارا و خوشایندش می‌داند) بخورید، و پا به پای اهریمن راه نیفتید (و به دنبال شیطان روان نشوید). بی‌گمان او دشمن آشکار شما است. او تنها شما را به سوی زشتکاری و گناهکاری فرمان می‌دهد (و بدی‌ها را در نظرتان می‌آراید و شما را وا می‌دارد بر) این که آنچه را نمی‌دانید به خدا نسبت دهید (و با پیروی از او هام و خرافات نادانسته به دنبال معبودهای باطل روان شوید و حلال را حرام، و حرام را حلال بشمار آورید).

خطاب در این آیت مبارکه عام است شامل مسلمانان و دیگران می‌شود، الله متعال برای بندگان خود می‌گوید از روزی که پروردگارتان به شما از زمین بیرون نموده است البته با بدست آوردن آن از راه‌های حلال بخورید، و آنچه را از راه‌های حرام مانند: غصب، سرقت، سود و رشوت و امثال اینها کسب کردید در حالی که در اسلام از آنها نهی به عمل آمده نخورید و به پلیدی‌های مانند: خود مرده، خون، گوشت خوک و آنچه که الله متعال از آن باز داشته نزدیک نشوید، بلکه همواره به دنبال پاک و حلال باشید؛ زیرا گرفتن غذا به اندازه‌ای که حیات‌تان حفظ شود واجب و لازم است و از این برحذر باشید که در تحلیل و تحریم از روش‌های شیطان پیروی کنید بلکه باید از آنچه استفاده کنید که الله متعال به شما مشروع نموده است، چون شیطان دشمنی است که انسان را جز به شر و فرومایگی امر نمی‌کند.

شیطان انسان را جز به بدی مانند: ظلم، تجاوز، سرکشی، فحشا و کارهای بدی مانند: زنا و شرب خمر امر نمی‌کند. بدی آنست که انسان را بد کار سازد و فحشا آنست که در بین مردم بد باشد و از عرف و قیاس آنها بیرون گردد، و از جمله اموری که شیطان شمارا بر آن امر می‌کند سخن گفتن در باره الله متعال بر اساس جهل و نادانی است نه علم و دانش، مانند نسبت دادن همسر و فرزند به الله متعال، بحث و مباحثه در باره‌ای

<sup>1</sup> -سوره بقره/168-169.

ذات او، و تحریف اسم ها و تأویل صفاتش و باتغییر آیات الهی و حلال و حرام ساختن چیزی بدون یک مبنای علمی و علاوه کردن اموری در شرع که از جمله آن نیست<sup>1</sup>.

**5- ایجاد آرزوهای فریبکارانه :** چنانچه که الله متعال می فرماید: **إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَّا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا، لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا، وَلَا ضَلَالَتَهُمْ وَلَا أَمْنِيَّتَهُمْ وَلَا مَنِّئَهُمْ فَالْيَبِئْتُونَ إِذَانَ الْإِنْعَمِ وَلَا مَرْئَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا، يَعْدُهُمْ وَيُمْنِيَّهُمْ وَمَا يَعْدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا.**<sup>2</sup>

**ترجمه:** غیر از خدا هر که و هر چه او را بپرستند و به فریاد خوانند جز بت‌های ناتوان و اشیاء ضعیفی نیست که بر آنها نام ماده گذارده‌اند، و جز اهریمنی نیست که بسی متمرّد و نافرمان است. خدا نفرینش کند! (او قسم خورده است و با خود عهد بسته است) و گفته است که: من از میان بندگان تو حتماً بهره معین و جداگانه خود را برمی‌گیرم. حتماً آنان را گمراه می‌کنم و به دنبال آرزوها و خیالات روانشان می‌گردانم، و (آن گاه که بدین وسیله ایشان را فرمانبر خود کردم، هر چه را خواستم) بدی‌شان دستور می‌دهم، و آنان (اعمال خرافی انجام می‌دهند و از جمله: گوشه‌های چهارپایان را قطع می‌کنند، و بدی‌شان دستور می‌دهم، و آنان آفرینش خدا را دگرگون می‌کنند) و حتی دین خدا را تغیییر می‌دهند، و فطرت توحید را به شرک می‌آیند! و هر که اهریمن را به جای خدا سرپرست و یاور خود کند، به راستی زیان آشکاری کرده است. اهریمن بدانان وعده‌ها می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌کند، و اهریمن جز وعده‌های فریبکارانه بدی‌شان نمی‌دهد.

آنهایی که شیطان را دوست خود انتخاب نمودند، و همه امور خود را به او سپرده بودند، و یا اینکه شیطان را به خود مقتدی و رهبر گرفتند، درحقیقت به زیان بزرگی گرفتار شدند. زبانی که اصلاً قابل جبران نیست، ترک نمودن رهنمودهای قرآنی و متابعت نمودن اسالیب شیطانی خود بزرگترین زبانی است که اولیای شیطان مرتکب آن شده است، شیطان برای دوستان خود وعده های باطل و آرزوهای فریبکارانه پیشکش می‌کند مثلاً: می‌گوید اگر شما اموال تان را در راه الله متعال به مصرف برسانید به فقر و تنگدستی گرفتار می‌شوید و اگر در راه های دیگر غیر از راه الله متعال به مصرف برسانید غنی می‌شوید، و وعده های زیادی از جمله رستگاری در دنیا و آخرت را برای شان میدهد در حالی که این همه دروغ بیش نیست. و هر عمل زشت را برای دوستان خود مزین ساخته و بامنفعت تلقی می‌کند، باوجودیکه در آخرت برای دوستان خود می‌گوید این عذابی را که شما می‌چشید نتیجه آن اعمالی است که در دنیا انجام

<sup>1</sup> التفسیر المیسر: المؤلف : عدد من أساتذة التفسیر تحت إشراف الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي  
مصدر الكتاب : موقع مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف: ج1/ ص. 182.  
<sup>2</sup> -سوره نساء/ 117-120.

داده اید و در آن وقت از دوستان خود دوری میجوید و هیچ کدام منفعتی برای شان رسانده نمی تواند<sup>1</sup>.

چنانچه که الله متعال می فرماید: وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقَّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْلَمَوْا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ<sup>2</sup>.

**ترجمه:** و اهریمن (سر دسته کفر و ضلال) هنگامی که کار (حساب و کتاب) به پایان رسید (و بهشتیان آماده بهشت و دوزخیان آماده دوزخ شدند، خطاب به پیروان بدبخت خود) می گوید: خداوند (بر زبان پیغمبران) به شما وعده راستینی داد (که فرمانبرداران را پاداش و نافرمانبرداران را پادافره خواهم داد، و بدان وفا کرد) و من به شما وعده دادم (که ثواب و عقاب و بهشت و دوزخی در میان نیست) و با شما خلاف وعده کردم (و دروغ گفتم) و من بر شما تسلطی نداشتیم (و کاری نکردم) جز این که شما را دعوت (به گناه و گمراهی) نمودم و شما هم (گول و سوسه مرا خوردید و) دعوتم را پذیرفتید. پس مرا سرزنش مکنید و بلکه خویشتن را سرزنش بکنید. (امروز) نه من به فریاد شما می رسم و نه شما به فریاد من می رسید. من (امروز) از این که مرا قبلاً (در دنیا برای خدا) انباز کرده اید، تیری می جویم (و آن را انکار می کنم). بی گمان کافران عذاب دردناکی دارند.

و همچنان شیطان کسانی که راه حقیقت را ترک گفته به بیراهه رفتند آن کار شان را در نشر شان خوب جلوه داده و به آرزوهای فراوانی آنها را سرگرم می کند. چنانچه الله متعال در این آیت می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ أَرْتُوا عَلَىٰ آدْبِرِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ<sup>3</sup>.

**ترجمه:** کسانی که بعد از روشن شدن (راه حقیقت و) هدایت، به کفر و ضلال پیشین خود برمی گردند، بدان خاطر است که اهریمن کارهایشان را در نظرشان می آراید و ایشان را با آرزوهای طولانی فریفته می دارد.

**6- اسراف و تبذیر:** چنانچه که الله متعال می فرماید: إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ۖ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا<sup>4</sup>.

**ترجمه:** بی گمان باد دستان دوستان اهریمنانند (و گوش به سوسه های ایشان می دارند و در انجام بدی ها همسان و همگامند) و اهریمنان بسیار ناسپاس (نعمت های) پروردگار خود هستند (و تمام توان خویش را در فساد و نافرمانی از خدا می گذرانند. باد دستی هم فساد و نافرمانی است، از آن خویشتن را برحذر دارید تا همچون اهریمنان بشمار نیائید و با ایشان در آخرت به دوزخ نیفتید).

<sup>1</sup> - [التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج] - المؤلف: دوهبة بن مصطفى الزحيلي: الناشر: دار الفكر المعاصر - بيروت، دمشق: الطبعة: الثانية، 1418 هـ: ج5/ص277/278.

<sup>2</sup> -سوره ابراهیم/22.

<sup>3</sup> -سوره محمد/25.

<sup>4</sup> -سوره اسرا/27.

در این آیت مبارکه تأکید بر این شده است که اسراف و تبذیریکی از صفاتهای مهم شیطان و دوستان آن می باشد. پس برای شخص عاقل لازم و ضروری است که در انفاق نمودن خود متوسط و میانه رو باشد و هیچگاهی مرتکب اسراف و تبذیر نشود چونکه الله متعال مبذرین و اسراف کنندگان را در قرآن کریم برادران و همکاران شیاطین گفته شده است، روی این ملحوظ باید از همچون صفت قبیح دوری نموده و همیشه به شکر گزاری نعمت های الهی بپردازد. برخلاف شیاطین که آنها همیشه منکر نعمت های الهی بوده و هیچگاهی شکر گزار نعمتهای الله متعال نمی باشد<sup>1</sup>.

**7- بت پرستی :** بت پرستی و روی آوردن به عبادت بتها یکی از صفتهای شیطان می باشد چنانچه که الله متعال در سوره مریم در رابطه به مناقشه حضرت ابراهیم (علیه السلام) و پدرش می فرماید : (إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ، يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ، يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ، يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا )<sup>2</sup>.

**ترجمه:** هنگامی (را بیان دار) که (محترمانه) به پدرش گفت: ای پدر! چرا چیزی را پرستش می کنی که نمی شنود و نمی بیند و اصلاً شرّ و بلائی از تو به دور نمی دارد؟ ای پدر! دانشی (از طریق وحی الهی) نصیب من شده است که بهره تو نگشته است، بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راه راست رهنمود کنم. ای پدر! اهریمن را پرستش مکن که اهریمن پیوسته در برابر (فرمان خداوند) رحمان سرکش بوده و هست. ای پدر! من از این می ترسم که عذاب سختی از سوی خداوند مهربان گریبانگیر تو شود (که آتش دوزخ است) و آن گاه همدم شیطان (در نفرین یزدان و عذاب سوزان) شوی.

**8- ترسیدن از شیطان:** وقتیکه شیطان افراد خود را مسخر و رام ساخت برای محاربه با اهل حق پس همین اتباع و پیروان شیطان در برابر سید و مولای شان از هیچ قوت و نیروی برخوردار نمی باشد. روی این ملحوظ شیطان برای فریب دادن و انداختن اتباع خود در کبر و غرور از هیچگونه تلاشی دریغ نمی ورزد و اتباع آن نیز از کبر و غرور و قوت سید و مولای شان با وجودیکه ضعیف و ناتوان است استمداد می جوید، پس نتیجه چنین می شود که شیطان بالای اتباع خود تسلط و تمکن پیدا می کند و اتباعش هیچگاه نافرمانی او را نمی کند چنانچه که الله متعال در وصف اتباع شیطان می فرماید : فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، (إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ، إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ )<sup>3</sup>.

**ترجمه:** هنگامی که خواستی قرآن بخوانی، از وسوسه های شیطان مطرود به خدا پناه ببر (تا اهریمن تو را از فهم معنی قرآن و عمل بدان باز ندارد). بی گمان شیطان

<sup>1</sup> - التفسیر الوسیط: المؤلف: محمد سید طنطاوی.

<sup>2</sup> -سوره مریم/42-45.

<sup>3</sup> -سوره نحل/98-100.



هیچ‌گونه تسلطی بر کسانی ندارد که ایمان دارند و بر پروردگارشان تکیه می‌نمایند. بلکه تنها تسلط شیطان بر کسانی است که او را به دوستی می‌گیرند و به واسطه او شرک می‌ورزند (و خدایان و بتانی را در عبادت انباز خدا می‌سازند).  
یعنی شیطان بالای کسانی که تصدیق‌کننده ملاقات الله متعال در روز قیامت است، و همه امور خود را به الله متعال سپرده است قوت و تسلط ندارد، بلکه قوت و تسلط شیطان برای بیراهه نمودن و گمراه نمودن کسانی است که او را اطاعت کردند و یا اینکه او را ولی و ناصر خود بجز از الله متعال گرفته بودند و یا کسانی که شریک آورده بودند به الله متعال در عبادت خود<sup>1</sup>.

**9-پنهان کاری:** انسان باید از شرّ و بدی شیطان که مصدر هر شرّ و بدی‌ها می‌باشد به پروردگار خود که الله متعال می‌باشد پناه ببرد؛ چون شیاطین کارهای نیکو و خوب را برای انسان به صورت غیر واقعی نشان میدهد و پنهان کاری می‌کند. چنانچه که الله متعال می‌فرماید: *مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ، الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ*<sup>2</sup>.

**ترجمه:** از شرّ و وسوسه‌گری که واپس می‌رود (اگر برای چیره‌شدن بر او، از خدا کمک بخواهی و خویشتن را در پناهش داری). وسوسه‌گری است که در سینه‌های مردمان به وسوسه می‌پردازد (و ایشان را به سوی زشتی و گناه و ترک خوبی‌ها و واجبات می‌خواند). (در سینه‌های مردمانی) از جنّی‌ها و انسان‌ها.

شیطان موجودی است که برای گول زدن شخص به سراغش می‌آید، ولی همین که همان فرد برای نبرد با او از الله متعال یاری خواست، شکست می‌خورد و خود را پس می‌کشد و میدان را خالی می‌کند و در انتظار فرصت بعدی می‌ماند. شیطان باعث هلاکت قلب انسان می‌شود هرگاهی که یک شخص ذکر و یاد الله متعال را بکند خود را پنهان می‌کند، ولی وقتی که انسان غافل شد او را وسوسه می‌کند. وسوسه شیطان در دل انسانها بگونه خفی و پنهان می‌باشد که حتی قابل‌سمع نمی‌باشد، نه تنها که شیاطین جنی برای انسانها وسوسه می‌کنند بلکه شیاطین انسی نیز وجود دارد که همان عملکرد شیاطین جنی را انجام می‌دهند و مردم را وسوسه نموده و به بیراهه می‌کشاند<sup>3</sup>.

چنانچه که الله متعال می‌فرماید: *وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرُهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ*<sup>4</sup>.

**ترجمه:** همان گونه (که اینان که در صدد هدایت ایشان هستی با تو دشمنی و ستیزه می‌ورزند) دشمنانی از انسان‌های متمرّد و جنّیان سرکش را در برابر هر پیغمبری عَلم کرده‌ایم. گروهی از آنها سخنان فریبنده بی‌اساسی را نهانی به گروه دیگری پیام

<sup>1</sup> تفسیر منیر: ج 14/ص 233.

<sup>2</sup> -سوره الناس/ 4-6.

<sup>3</sup> -معالم التنزیل فی تفسیر القرآن للبغوی: ج 5/ص 336.

<sup>4</sup> -سوره انعام/ 112.

می‌داده‌اند تا ایشان را (با یاوه‌سرایی‌های رنگین و وسوسه‌های دروغین) بفریبند. اگر پروردگار تو می‌خواست، چنین کاری را نمی‌کردند. پس بگذار دروغ‌ها به هم بافند (و خویشان را گرفتار کفر و ضلال کنند. بر تو تبلیغ است و بر ما هم حساب).

### مبحث دوم

#### اسباب ولایت شیطان، آثار و نتایج آن در قرآن کریم

##### مطلب اول- اسباب ولایت شیطان در قرآن کریم:

اسباب ولایت شیطان قرار ذیل می‌باشد.

##### 1- تزیین اعمال زشت انسانها توسط شیطان :

چنانچه که الله متعال می‌فرماید: وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ.<sup>1</sup>

**ترجمه:** من او و قوم او را دیدم که به جای خدا برای خورشید سجده می‌برند، و اهریمن اعمال‌شان را در نظرشان آراسته است و ایشان را از راه (راست) به در برده است، آنان (به خدا و یکتاپرستی) راهیاب نمی‌گردند.

##### 2- دعوت دادن شیطان به طرف کارهای زشت:

چنانچه که الله متعال می‌فرماید: وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتَكُمْ فَأَخْلَقْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَنِ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَلَوْ مَوْأَأَنْفُسِكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِحِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِحِي إِنْ كَفَرْتُمْ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنْ أَلْظَمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.<sup>2</sup>

**ترجمه:** و اهریمن (سر دسته کفر و ضلال) هنگامی که کار (حساب و کتاب) به پایان رسید (و بهشتیان آماده بهشت و دوزخیان آماده دوزخ شدند، خطاب به پیروان بدبخت خود) می‌گوید: خداوند (بر زبان پیغمبران) به شما وعده راستینی داد (که فرمانبرداران را پاداش و نافرمانبرداران را پادافره خواهم داد، و بدان وفا کرد) و من به شما وعده دادم (که ثواب و عقاب و بهشت و دوزخی در میان نیست) و با شما خلاف وعده کردم (و دروغ گفتم) و من بر شما تسلطی نداشتم (و کاری نکردم) جز این که شما را دعوت (به گناه و گمراهی) نمودم و شما هم (گول و وسوسه مرا خوردید و) دعوتم را پذیرفتید. پس مرا سرزنش مکنید و بلکه خویشان را سرزنش بکنید. (امروز) نه من به فریاد شما می‌رسم و نه شما به فریاد من می‌رسید. من (امروز) از این که مرا قبلاً (در دنیا برای خدا) انباز کرده‌اید، تبری می‌جویم (و آن را انکار می‌کنم). بی‌گمان کافران عذاب دردناکی دارند.

این دو شیوه‌های ولایت شیطان بر انسان می‌باشد و اسباب اش متفاوت است یا غفلت یا جهل یا غرور و عناد یا فهم اشتباه.

الف: وعده شیطان به فقر:

و در این مورد الله متعال می‌فرماید:

<sup>1</sup> -سوره نمل/24.

<sup>2</sup> -سوره ابراهیم/22.

لَشَيْطَانٍ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ 268  
ترجمه: شیطان شما را وعده فقر و بی‌چیزی دهد و به کارهای زشت و بخل و ادا کند، و خدا به شما وعده آمرزش و احسان دهد، و خدا را رحمت بی‌منتهاست و (به همه امور جهان) داناست.

ب: و سوسه در دل‌های مردم:

و در این مورد الله متعال می‌فرماید:

الَّذِي يُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)

ترجمه: آنکس که در سینه‌های مردم و سوسه میکند.

ج: وعده‌های دروغ:

و در این مورد الله متعال می‌فرماید:

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِيمًا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ 27

ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را فریب دهد چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، در حالی که جامه از تن آنان بر می‌کند تا قبایح آنان را در نظرشان پدیدار کند، همانا آن شیطان و بستگانش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید. ما نوع شیطان را دوستدار و سرپرست کسانی قرار داده‌ایم که ایمان نمی‌آورند.

### 3- عبادت و پیروی از شیطان:

دوستان شیطان نه تنها اینکه در دام فریبکارانه شیطان افتیده اند بلکه شیطان را عبادت و پرستش نیز می‌کردند چنانچه که الله متعال می‌فرماید: يَأْتِبِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا<sup>1</sup>.

ترجمه: ای پدر! اهریمن را پرستش مکن که اهریمن پیوسته در برابر (فرمان خداوند) رحمان سرکش بوده و هست.

### مطلب دوم - آثار و نتایج ولایت شیطان در قرآن کریم:

سنت و حکمت الله متعال در رابطه به مخلوقاتش مقتضی این است که شخص نیکوکار باید پاداش نیک و شخص بدکار باید پاداش بد بگیرد، اگرچندیکه این جزا و پاداش بعد از یک مدت زمان زیاد بدست می‌آید. پاداش و عملکرد شیاطین برخی اوقات عاجل بوده و برخی اوقات به تأخیر می‌افتد، و یا اینکه نتایج عملکردشان یادنیوی می‌باشد و یا اخروی. روی این ملحوظ گفته می‌توانیم که آثار و نتایج اعمال شیاطین به دو بخش تقسیم می‌شود.

آثار و نتایج ولایت شیاطین در دنیا

آثار و نتایج ولایت شیاطین در آخرت

### اول: آثار و نتایج ولایت شیاطین در دنیا:

الله متعال پدر شیاطین را که ابلیس است از میان همه شیاطین دیگر به عذاب دنیوی

<sup>1</sup> -سوره مریم/44.

خود خاص گردانیده است؛ چونکه ابلیس بنیانگزار و اصل همه بدی ها در دنیا است. به سبب عملکرد وی که عدم سجده به آدم علیه السلام است این عملکرد ابلیس سبب شد که الله متعال او را مورد لعنت و غضب خود قرار دهد، اما زمانیکه قیامت قائم شود، ابلیس بگونه ابد وارد دوزخ می‌گردد. از همین جهت است که الله متعال در آیات از قرآن کریم در سیاق قصه های ابلیس و آدم علیه السلام بسیار به وضاحت ابلیس را مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد، چنانچه که الله متعال می‌فرماید: **وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ** <sup>1</sup>.

**ترجمه:** و تا روز جزا (که در آن تو و پیروان تو به عذاب سرمدی من گرفتار می‌آئید) بر تو نفرین باد.

و همچنان الله متعال می‌فرماید: **قَالَ أَخْرِجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمَلًا جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ** <sup>2</sup>.

**ترجمه:** (خداوند) گفت: خوار و حقیر و رانده و ذلیل از این (جایگاه قدس و قدسیان) بیرون رو. سوگند می‌خورم، دوزخ را از تو و از همه کسانی پر می‌سازم که از تو پیروی کنند.

اما بقیه شیاطین جنی و انسی و کسانی که اینها را متابعت می‌کنند الله متعال برای شان به اندازه جرم که مرتکب شده اند عذاب می‌دهد، چیزی که میان ابلیس و شیاطین دیگر فرق ایجاد می‌کند این است که شیاطین و متابعتین آنها هیچگاهی مورد لعن و غضب الله متعال قرار نگرفته بلکه دروازه های توبه برای شان تا زمان جداشدن روح از بدن شان باز هست و می‌توانند توبه کنند و از اعمال ناشایسته خویش پشیمان شوند. آثار و نتایج ولایت شیطان در دنیا قرار ذیل اند.

### 1- بدبخت شدن و زیان مند شدن در دنیا:

شقاوت و بدبختی در قرآن کریم دو معنی را افاده می‌کند. شقاوت و بدبختی عام – شقاوت و بدبختی خاص.

شقاوت و بدبختی عام برای تمام بنی آدم در نتیجه خارج شدن پدر و مادر شان از بهشت رسیده است.

چنانچه که الله متعال در این رابطه می‌فرماید: **(فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى)** <sup>3</sup>.

**ترجمه:** آن وقت گفتیم: ای آدم! این دشمن تو و همسر تو است، پس (بپائید به دام و سوسه خود شما را گرفتار نسازد و) از بهشت بیرونتان نکند که به رنج و زحمت خواهی افتاد.

ابن کثیر رحمه الله در ذیل این آیت مبارکه می‌گوید: الله متعال برای حضرت آدم علیه السلام گفت: ای آدم! از گفته ها و رهنمودهای ابلیس بپرهیز؛ چون ابلیس سعی و کوشش

1-سوره حجر/35

2-سوره اعراف/18.

3-سوره طه/117.

براین دارد که تو را به سبب طلب رزق و یا خوردن میوه معین از بهشت بیرون نماید با وجودیکه تو در بهشت در یک زندگی مملو از نعمتهای الهی هستی که برای بدست آوردن این نعمتها کدام مشقت و سختی را متحمل نمی شوی<sup>1</sup>.

اما شقاوت و بدبختی خاص به کسانی می رسد که متابعت از منهج ابلیس می کنند. ولی آنچه که مقصود ما در این بحث خواهد بود شقاوت و بدبختی خاص است، شقاوتی که نصیب شیطان و اتباع ان میشود کسانیکه از منهج الله متعال اعراض و هدایت الهی را ترک نموده و متوسل به راه های شرّ و طغیان شده اند، کسانیکه همیشه از مکر و حیلۀ کار گرفته و مردم را به بیراهه و گمراهی سوق میدهند. چنانچه که الله متعال در رابطه به این گروه می فرماید: **قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ**<sup>2</sup>.

**ترجمه:** خدا دستور داد: هر دو گروه شما با هم (ای آدم و حوّا و اهریمن!) از بهشت فرو آئید (و در زمین ساکن شوید، و در آنجا) برخی (از فرزندانان) دشمن برخی دیگر خواهند شد، و هرگاه هدایت و رهنمود من برای شما آمد، هرکه از هدایت و رهنمود پیروی کند، گمراه و بدبخت نخواهد شد. و هرکه از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزیند)، زندگی تنگ (و سخت و گرفته‌ای) خواهد داشت؛ (چون نه به قسمت و نصیب خدادادی قانع خواهد شد، و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت) و روز رستاخیز او را نابینا (به عرصه قیامت گسیل و با دیگران در آنجا) گرد می‌آوریم.

این فرموده الله متعال بیان کننده دو راه است که راه سومی در آن وجود ندارد، یا راهی است الله متعال مردم را به آن هدایت نموده و یا راه ابلیس است که پدر و مادر بشریت را از بهشت بیرون کرده است.

امام ابن کثیر در رابطه به این شقاوت و بدبختی در ضمن این آیت { ومن اعرض عن ذکرى } وضاحت داده و می گوید: که الله متعال می فرماید کسانیکه مخالفت امر من را می کنند و مخالفت آنچه که به رسول الله ه نازل شده را می کنند درحقیقت از راه حق اعراض نموده و در زندگی پر نا آرامی و عدم انشراح صدر به سر می برند. اگرچندیکه ظاهراً صحتمند بوده و از بهترین لباسها و بهترین خوردنیها و بهترین جای استفاده نمایند، و قلب شان از یقین و هدایت خالی بوده همیشه در شک و تردد به سر می برند، این همه باعث می شود که آنها دارای یک زندگی تنگ و نا آرام باشند.

ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: اهل شقاوت در زندگی خود پر از بدبختی و شک تردد می باشند.

ضحاک می گوید: اهل شقاوت در دنیا بد عمل و صاحب رزق خبیث می باشند.

<sup>1</sup> - ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم . ج 9 / ص 373.

<sup>2</sup> - سوره طه/124.

و همچنان عکرمه و مالک بن دینار نیز به این قول اتفاق نظر دارند<sup>1</sup>.  
 اما خسران و زیانمندی را که شیطان و اتباعش متحمل می شوند، الله متعال در این آیات به وضاحت بیان می کند و می فرماید: **وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَا مَرْئِيَنَّهُمْ فَلْيُبَيِّنَنَّ عَادَانَ الْأَنْعَمَ وَلَا مَرْئِيَنَّهُمْ فَلَئِنَّ بَعْضَ خَلْقِ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا**<sup>2</sup>.

**ترجمه:** حتماً آنان را گمراه می‌کنم و به دنبال آرزوها و خیالات روانشان می‌گردانم، و (آن گاه که بدین وسیله ایشان را فرمانبر خود کردم، هر چه را خواستم) بدی‌شان دستور می‌دهم، و آنان (اعمال خرافی انجام می‌دهند و از جمله:) گوشه‌های چهارپایان را قطع می‌کنند، و بدی‌شان دستور می‌دهم، و آنان آفرینش خدا را دگرگون می‌کنند (و حتی دین خدا را تغییر می‌دهند، و فطرت توحید را به شرک می‌آیند!) و هر که اهریمن را به جای خدا سرپرست و یاور خود کند، به راستی زیان آشکاری کرده است.

و همچنان می فرماید: **أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَلَهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَسِرُونَ**<sup>3</sup>.

**ترجمه:** اهریمن بر آنان چیره گشته است (و با وسوسه‌های خود ایشان را از راستای راه بدر کرده است) و یاد خدا را از خاطرشان برده است. اینان حزب اهریمن هستند. هان! قطعاً حزب اهریمن زیانکار و زیانبارند.

امام بغوی<sup>4</sup> رحمه الله این خسران را دنیوی دانسته و به معنای ذلت و خواری تفسیر می کند چنانچه که می گوید: ( شیطان و اتباع آن در مجموع کسانی اند که مستحق ذلت و خواری در دنیا و آخرت می باشد)<sup>5</sup>.

و یا اینکه این خسران در دنیا و آخرت برای شیاطین و پیروان آنها می باشد به سبب تسلط و ولایت شیطان بر اتباع، و بجا نمودن اوامر شیطان از سوی پیروانش و مقتدی و امام قرار دادن شیطان از سوی متابعین آن<sup>6</sup>.

## 2- پس ماندن و پایمال شدن :

یکی از آثار و نتایج ولایت شیطان پس ماندن و پایمال شدن است، همانطوریکه شیاطین اتباع خود را در پرتگاه شقاوت و بدبختی می کشانند هم چنان عقول و ارواح آنها را نیز از مکر و کید خود متروک نمی سازد بلکه همیشه در پی تسلط کامل در روح و بدن اتباع خویش می باشند، چنانچه که الله متعال این قضیه را به تصویر می کشد و می

<sup>1</sup> تفسیر القرآن العظيم : ج9/ص377.

<sup>2</sup> -سوره نساء/119.

<sup>3</sup> -سوره مجادله/19.

<sup>4</sup> - بغوی، حسین بن مسعود بن محمد ، الفراهی، البغوی ، محدث ، مفسر و فقیه شافعی مذهب میباشد نسبتش به به قریه بغشور از قریه های خراسان وقت میان هرات و مرو میباشد .از تصنیفاتش ( التهذیب) در فقه شافعی؛ و ( شرح السنة) در علم حدیث؛ و ( معالم التنزیل) در علم تفسیر میباشد. [الأعلام للزركلي 2 / 284

<sup>5</sup> معالم التنزیل للبغوی: ج5/ص335.

<sup>6</sup> تفسیر منیر: ج5/ص277.

فرماید: قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرُدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ أُنْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأْمُرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>1</sup>.

**ترجمه:** بگو: آیا چیزی غیر از خدا را بخوانیم (و عبادت و پرستش کنیم) که نه سودی به حال ما دارد و نه زیانی؟ و آیا پس از آن که خداوند ما را هدایت بخشیده است (و به سوی خود رهنمون کرده است) به عقب بازگشت کنیم (و از ایمان دست بکشیم و دیگر بار به کفر برگردیم؟) (و بسان کسی (باشیم و کنیم) که شیاطین او را در زمین (بیابان های برهوت) ویلان و سرگردان به دنبال خود کشند، و دوستانی داشته باشد که او را به راه راست خوانند و به سوی خود فریاد دارند (اما او بدی شان گوش نکند و به دنبال شیاطین رود و گمراه تر و گمراه تر شود)؟ بگو: هدایت خداوند، هدایت است و (بجز اسلام، ضلالت است، و از سوی خدا) به ما دستور داده شده است که فرمانبردار پروردگار جهانیان باشیم (و منقاد او شویم و به فرمان او رویم).

### دوم-آثار ونتایج ولایت شیطان در آخرت :

شیطان و اتباع آن یزرگترین عذاب را که میبیند در آخرت می باشد، و عاقبت امر شیطان و اتباع آن در آخرت نسبت به دنیا به مراتب سخت تر و مشقت بارتر است. آیات زیادی در این ارتباط وجود دارد که الله متعال شیاطین و پیروان آنها را به سخت ترین عذاب گرفتار خواهد کرد، از جمله می توان به چند آثار ونتایج ولایت شیطان با اتباعش در آخرت به موارد ذیل اشاره نمود.

#### 1-یکجا حشر شدن شیطان با اتباعش در روز قیامت:

آنهایی که در دنیا شیاطین را به خود دوست گرفته بودند و همیشه از آنها متابعت و پیروی میکردند و زندگی کوتاه مدت دنیوی فریب شان داده بود، بالأخره با فطرت غیر اسلامی دار دنیا را وداع گفتند و در نتیجه روز قیامت الله متعال اینها را یکجا باهم حشر می سازد، چنانچه که الله متعال می فرماید: فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا<sup>2</sup>.

**ترجمه:** سوگند به پروردگارت، هر آینه کافران را همراه با شیاطین گرد می آوریم و سپس ایشان را گرداگرد دوزخ به زانو افکنده و ذلیلانه حاضر می سازیم. الله متعال در این آیت مبارکه قسم یاد می کند که شیاطین و پیروان آنها را که در دنیا بجز از الله متعال دیگران را مورد پرستش قرار می دادند یکجا محشور ساخته و به سخت ترین عذاب گرفتار می کند.

#### 2-بیزاری شیطان از اتباعش در روز قیامت:

در روز قیامت شیاطین وقتیکه شدت عذاب الهی را می بینند و هیچ راهی برای خلاصی از آتش دوزخ را نمی بینند، در آن وقت است که از اتباع و دوستان خود بیزاری می جویند چنانچه که الله متعال می فرماید: إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ أُتْبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا

<sup>1</sup> -سوره انعام/71.

<sup>2</sup> -سوره مریم/68.

وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ<sup>1</sup>.

**ترجمه:** در آن هنگام که (رستاخیز فرا می‌رسد و پیروان سرگشته از رهبران گمراه‌کننده می‌خواهند که رستگارشان سازند و) رهبران از پیروان خود بی‌زاری می‌جویند (و نسبت به آنان اظهار ناشناسی و بیگانگی می‌کنند) و عذاب را مشاهده می‌نمایند، و روابط (و پیوندهای مودت و محبتی که در دنیا میان‌شان بود) گسیخته می‌گردد (و دستشان از همه جا کوتاه می‌شود).

کسانیکه در این آیت مورد متابعت قرار گرفته اند شیاطین هستند، و از کسانیکه بی‌زاری می‌خواهند انسانهای اند که در دنیا شیاطین را دوست خوانده بودند و اطاعت می‌کردند، در این وقت است که حسرت و افسوس متابعت کنندگان از شیاطین زیاد می‌شود و از الله متعال آرزوی زندگی دوباره را می‌کنند تا اینکه عمل نیک انجام دهند و با اینکه انتقام خود را از شیاطین بگیرند اما از طرف الله متعال جواب رد داده می‌شود<sup>2</sup>.

چنانچه که الله متعال می‌فرماید: وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كَرَّرْنَا فَتَنَّا رَبَّنَا إِنَّهُمْ لَمِنََّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسْرَتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ<sup>3</sup>.

**ترجمه:** و (در این موقع) پیروان می‌گویند: کاش بازگشتی (به دنیا) می‌داشتیم تا از آنان بی‌زاری جوئیم، همان‌گونه که آنان (امروزه) از ما بی‌زاری جستند (و ناآشنایمان نامیدند). آری) این چنین خداوند کردارهایشان را به گونه حسرت‌زا و اندوهباری نشان ایشان می‌دهد، و آنان هرگز از آتش (دوزخ) بیرون نخواهند آمد.

آنچه که حسرت و افسوس و ندامت اتباع شیاطین را زیاد می‌کند اعلان برائت و بی‌زاری ابلیس علیه اللعنه از دوستانش می‌باشد، و برای دوستان خود می‌گوید: که امروز هرکس بار خود را می‌بردارد و هیچ کس به کسی دیگری کمک کرده نمی‌تواند بجز آنچه را که در دنیا انجام داده است چنانچه که الله متعال می‌فرماید: (وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)<sup>4</sup>.

**ترجمه:** و اهریمن (سر دسته کفر و ضلال) هنگامی که کار (حساب و کتاب) به پایان رسید (و بهشتیان آماده بهشت و دوزخیان آماده دوزخ شدند، خطاب به پیروان بدبخت خود) می‌گوید: خداوند (بر زبان پیغمبران) به شما وعده راستینی داد (که فرمانبرداران را پاداش و نافرمانبرداران را پادافره خواهم داد، و بدان وفا کرد) و من به شما وعده دادم (که ثواب و عقاب و بهشت و دوزخی در میان نیست) و با شما خلاف وعده کردم (و دروغ گفتم) و من بر شما تسلطی نداشتم (و کاری نکردم) جز این که شما را دعوت (به گناه و گمراهی) نمودم و شما هم (گول و سوسه مرا خوردید و) دعوتم را پذیرفتید.

<sup>1</sup> -سوره بقره/166.

<sup>2</sup> تفسیر القرآن العظیم لابن ابی حاتم: ج 1/ص 278.

<sup>3</sup> -سوره بقره/167.

<sup>4</sup> -سوره ابراهیم/22.



پس مرا سرزنش مکنید و بلکه خویشتن را سرزنش بکنید. (امروز) نه من به فریاد شما می‌رسم و نه شما به فریاد من می‌رسید. من (امروز) از این که مرا قبلاً (در دنیا برای خدا) انباز کرده‌اید، تیری می‌جویم (و آن را انکار می‌کنم). بی‌گمان کافران عذاب دردناکی دارند.

مقاتل می‌گوید: وقتی که همه امور به انجام رسید یعنی بهشتی‌ها به بهشت رفتند و دوزخی‌ها به دوزخ در آن وقت کفار با امامان و پیشوایان خود جمع می‌شوند، پیشوایان به زیر دستان خود می‌گویند الله متعال شمارا طبق اعمالی که در دنیا انجام داده بودید و عده به نتیجه آن داده بود و امروز نتیجه آن را دیدید، و ما هم به شما وعده های داده بودیم، ولی امروز چیزی از دست ما نمی‌آید و از آن وعده های خود امروز مخالفت می‌ورزیم. و شیطان نیز برای دوستان دنیوی خود می‌گوید که آنچه را که شما در دنیا انجام می‌دادید امروز از آن بیزاری می‌جویم<sup>1</sup>.

### 3- ورود شیطان و اولیای آن در آتش دوزخ:

وارد شدن به دوزخ بدترین خاتمه برای یک فرد می‌باشد که الله متعال تمام مخلوقات خود را در وقت استکبار ابلیس در برابر امرش که سجده برای حضرت آدم علیه السلام بود بر حذر داشته و بگونه صریح برای ابلیس خطاب می‌کند و می‌فرماید: قَالَ أَخْرِجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ.<sup>2</sup>  
ترجمه: (خداوند) گفت: خوار و حقیر و رانده و ذلیل از این (جایگاه قدس و قدسیان) بیرون رو. سوگند می‌خورم، دوزخ را از تو و از همه کسانی پر می‌سازم که از تو پیروی کنند.

در این آیت مبارکه که الله متعال بسیار به وضاحت بیان میکند که هر کسیکه از بنی آدم اطاعت از دشمن الله که ابلیس است بکند، و یا اینکه سخنان او را تصدیق کند الله متعال دوزخ را از آنها پر خواهد کرد، یعنی از کفار بنی آدم که پیروان ابلیس اند و از ابلیس و ذریه ان جهنم را پر خواهیم کرد<sup>3</sup>.

تحدیر الهی برای شیاطین و دوستان شان در این آیت نیز آمده است. چنانچه که الله متعال می‌فرماید: (وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ)<sup>4</sup>.  
ترجمه: و حتماً دوزخ میعادگاه جملگی آنان است.

و همچنان الله متعال اتباع شیطان را به خاتمه بد هشدار می‌دهد و می‌فرماید: وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولُو كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ.<sup>5</sup>

ترجمه: هنگامی که بدانان گفته می‌شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید،

<sup>1</sup> معالم التنزیل للبعوی: ج3/ص 375.

<sup>2</sup> -سوره اعراف/18.

<sup>3</sup> تفسیر جامع البیان للطبری: ج8/ص178.

<sup>4</sup> -سوره الحجر/43.

<sup>5</sup> -سوره لقمان/21.

می‌گویند: بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافته‌ایم. آیا (از نیاکان خود پیروی می‌کنند) ولو این که اهریمن ایشان را به عذاب آتش فروزان (دوزخ) فرا خواند؟

اتباع شیطان کسانی بودند که شیاطین را بدون کدام دلیل متابعت نمودند با وجودیکه شیطان اعمال زشت شان را زینت بخشیده و به عذاب جهنم دعوت می نمود، والله متعال مردم را به نجات از دوزخ و بسوی سعادت و خوشبختی دعوت می نمود، اما بسیار اندکی از مردم بودند که در دنیا از الله متعال پیروی کردند و به سعادت ابدی رسیدند.<sup>1</sup> و همچنان الله متعال تصویر چگونگی دخول شیاطین و اولیای آنها در جهنم، و ملامت شدن آنها را در جهنم، ندامت و پشیمانی آنها را در جهنم که هیچ فائده ای ندارد چنین به تصویر می کشد، و می فرماید: فَكُتِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ، وَجُنُودُ إبليسَ أَجْمَعُونَ ، قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ، تَأْتِيهِمْ مِنْ شَرِّهِمْ ، تَأْتِيهِمْ مِنْ شَرِّهِمْ ، تَأْتِيهِمْ مِنْ شَرِّهِمْ ، وَمَا أَضَلُّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ، فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ، وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ، فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ .<sup>2</sup>

**ترجمه:** پس از آن، آنان (که پرستش شوندگان گمراه ساز) همراه گمراهان (که پرستش کنندگان ایشان بودند) پیاپی به دوزخ سرنگون افکنده می‌شوند. و جملگی لشکریان اهریمن (نیز همراه آن دو گروه به دوزخ سرنگون می‌گردند). آنان (که معبودهای دروغین را پرستیده‌اند) در آنجا به کشمکش (با معبودهای خود) می‌پردازند و می‌گویند: به خدا سوگند ما در گمراهی آشکاری بوده‌ایم. آن زمان که ما شما (معبودان دروغین) را با پروردگار جهانیان (در عبادت و طاعت) برابر می‌دانستیم. و ما را جز بزهکاران (شیاطین نام) گمراه نکرده است. (ای وای بر ما! امروز) ما اصلاً شفاعت کنندگانی نداریم (که ما را برهانند!) ما که معتقد به میانجیگری میانجیگران برای نجات خود بودیم). (همچنین، امروز) دوست صمیمی و دلسوزی هم نداریم (تا دست کم گریه‌ای برای ما سر دهد). کاش! (به جهان) برگشتی داشتیم تا از زمره مؤمنان می‌شدیم (و در پرتو ایمان درست و اعمال شایسته، از عذاب دوزخ نجات می‌یافتیم و به بهشت در می‌آمدیم).

### آثار زشت ولایت شیطان در قرآن کریم

کسانیکه ولایت شیطان را می‌پذیرند برخلاف انتظار به چیزی دست نمی‌یابند، زیرا ولایت شیطان به جای اینکه آرامش و آسایش را برای ایشان به ارمغان آورد برعکس موجب ترس و اضطراب و خوف ایشان می‌شود؛ بنا بر این برخلاف انتظار باید پیامدهای شوم این ولایت را پذیرا باشند از جمله آثار شوم ولایت شیطانی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

#### 1- وجود ترس و اضطراب:

چنانچه که الله متعال می فرماید: إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا

<sup>1</sup> تفسیر منیر للزحیلی: ج 2/ ص 60.

<sup>2</sup> -سوره شعراء/94-102.

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ<sup>1</sup>.

**ترجمه:** این تنها اهریمن است که شما را از دوستان خود (با پخش شایعات و سخنان بی‌اساس) می‌ترساند، پس (از آنجا که شما به خدا ایمان دارید، بیباید و دلیر باشید و) از آنان مترسید و از من بترسید اگر مؤمنان (راستین) هستید.

در این آیت چنین بیان شده است که انسان فقط از خدای یگانه بترسد، و ترس از الله متعال از لوازم ایمان است، پس هر اندازه که یک شخص ایمان داشته باشد به همان اندازه از الله متعال می‌ترسد. ترس پسندیده همان است که بنده را از ارتکاب آنچه که الله متعال حرام نموده است باز دارد.

### 2- بی‌آبرویی و برملاشدن زشتی‌ها :

چنانچه که الله متعال می‌فرماید: يُبَيِّنُ لِيُبَيِّنَ لِي بَيْنِي وَبَيْنَ عَادِمَ لَا يَفْتِنُكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ تَيْبَهُمَا إِنَّهُ يَرَئِكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِمَّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ<sup>2</sup>.

**ترجمه:** ای آدمیزادگان! شیطان شما را نفریبد، همان‌گونه که پدر و مادرتان را (فریفت و) از بهشت بیرون‌شان کرد و لباس‌شان را از (تن) ایشان بیرون ساخت تا عورات‌شان را بدی‌شان نماید. شیطان و همدستانش شما را می‌بینند، در صورتی که شما آنها را نمی‌بینید (لذا از راه‌های گوناگون و به شیوه‌های مختلفی که نهان از دید شما است بر شما یورش می‌آورند. باید چنین دشمنانی را پائید و از کید و مکرشان ترسید. با این توضیح که آنان بر مؤمنان تسلط ندارند و بلکه) ما شیاطین را دوستان و یاران کسانی ساخته‌ایم که ایمان نمی‌آورند (یعنی اهریمنان تنها بر غیر مؤمنان تسلط دارند).

### 3- محرومیت از نعمت‌های الهی :

چنانچه که الله متعال می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ<sup>3</sup>.

**ترجمه:** ای مردم! از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است (و خدا آن را تحریم نکرده و نفس انسان گوارا و خوشایندش می‌داند) بخورید، و پا به پای اهریمن راه نیفتید (و به دنبال شیطان روان نشوید). بی‌گمان او دشمن آشکار شما است.

بعد از اینکه الله متعال حقیقت توحید خویش را بیان کرد، اکنون به بیان این حقیقت می‌پردازد که فقط او روزی دهنده تمام مخلوقاتش می‌باشد: الله متعال می‌فرماید ای مردم! از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید. یعنی آنچه را که حلال و گوارا است و خداوند جل جلاله بر شما حرام نکرده است بخورید، حلال: چیزی است که الله متعال آن را مباح کرده، اما حرام: چیزی است که آن را الله متعال ممنوع گردانیده است، و حلال طیب: آنست که در آن هیچ شبهه و گناهی نبوده و هیچ حقی از دیگران به آن

1-سوره آل عمران/175.

2-سوره اعراف/27.

3-سوره بقره/168.

تعلق نداشته باشد. « واز گامهای شیطان» در آنچه که شریعت الهی آن را تحریم نکرده و او بر شما حرام میگرداند و از سایر خواسته های وی « پیروی نکنید چرا که او دشمن آشکار شماست».

ابن عباس میگوید: سوگند یا نذری که در حال خشم از انسان صادر شود؛ از خطوات شیطان است، پس باید آنرا نقض کرد و کفاره ای آن، کفاره سوگند (یمین) است.»  
همچنین روایت شده است که نزد عبدالله بن مسعودا شیر و نمکی آوردند و او همراه با جمع، شروع به خوردن آن کرد، در این اثنا مردی از آن جمع کناره گرفت. ابن مسعودا فرمود: به رفیق تان هم بدهید! اما آن مرد گفت: من نمی خواهم. ابن مسعودا پرسید: آیا روزه داری؟ گفت: نه! پرسید: پس چرا نمی خوری؟ گفت: برخود حرام ساخته ام که هر گز شیر نخورم. فرمود: این از خطوات شیطان است، بخور و برای سوگندت کفاره بده.

در حدیث به روایت ابن عباس م آمده است: « این آیت نزد رسول الله ه خوانده شد در این هنگام سعد بن ابی وقاصا برخاست وگفت: یارسول الله! از الله متعال بخواهید که مرا مستجاب الدعوه گرداند. آنحضرت ه فرمودند: ای سعد! خوراكت را پاک گردان، مستجاب الدعوه می شوی. سوگند به ذاتی که جان محمد در ید اوست دعای انسان به سبب آنکه لقمه حرامی را در شکمش می افکند، چهل روز پذیرفته نمی شود. و آن بنده ای که گوشت بدنش از حرام و ربا رشد یافته باشد آتش دوزخ به وی سزاوارتر است».  
مفسران در بیان سبب نزول این آیت مبارکه گفته اند: این آیه در باره قبایل «ثقیف»، «خزاعه»، و «بنی مدلج» نازل شده است که آنها گوشت انواع خاصی از چهارپایان را بر خود حرام کرده بودند.<sup>1</sup>

#### 4- خواری و خذلان :

چنانچه که الله متعال می فرماید: لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا.<sup>2</sup>

**ترجمه:** بعد از آن که قرآن (برای بیداری و آگاهی) به دستم رسیده بود، مرا گمراه (و از حق منحرف و منصرف) کرد. (آری! این چنین) شیطان انسان را (به رسوائی می کشد و) خوار خوار می دارد.

شیطان همیشه مردم را به اغوا، کفر، شرک، و معصیت وسوسه می کنند. بعد از آن از اعانت و کمک به اتباع و پیروان خود بیزار می جوید، و هر کسیکه از راه الله متعال اعراض کند و به معصیت الله روی بیاورد پس آن شخص شیطانی برای انسان است، و در وقت نزول عذاب و بلاها خوار و زبون می باشد.<sup>3</sup>

چنانچه که الله متعال در جای دیگری از قرآن کریم می فرماید: كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ

<sup>1</sup> تفسیر انوار القرآن : ج 1 / 245.

<sup>2</sup> -سوره فرقان/29.

<sup>3</sup> تفسیر المنیر للزحیلی: ج 19/ ص 54.

لِلْإِنْسَانِ أَكْثَرَ كَفْرًا قَالِ إِنَّي بَرِيءٌ مِّنْكَ إِنَّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ( 1 .  
**ترجمه:** (داستان منافقان با یهودیان) همچون داستان اهریمن است که به انسان می‌گوید:  
 کافر شو (تا مشکلات تو حل شود). اما هنگامی که (بر اثر وسوسه‌های اهریمن) کافر  
 می‌گردد، اهریمن می‌گوید: من از تو بیزار و گریزانم! چرا که من از خدا، یعنی  
 پروردگار جهانیان می‌ترسم.

### 5-واقع شدن در خشم الهی :

چنانچه که الله متعال در این آیات از قرآن کریم می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ أَرْتَدُوا عَلَيَّ أَدْبَرَهُمْ  
 مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ ، ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا  
 نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ، فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّيْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ  
 وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَهُمْ ، ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَنَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ .<sup>2</sup>

**ترجمه:** کسانی که بعد از روشن شدن (راه حقیقت و) هدایت، به کفر و ضلال پیشین  
 خود برمی‌گردند، بدان خاطر است که اهریمن کارهایشان را در نظرشان می‌آراید و  
 ایشان را با آرزوهای طولانی فریفته می‌دارد. این (چرخ زدن و از دین برگشتن) بدان  
 خاطر است که به کسانی که دشمن چیزی هستند که خدا فرو فرستاده است، گفته بودند:  
 در برخی از کارها از شما اطاعت و پیروی می‌کنیم! خدا آگاه از پنهان‌کاری ایشان  
 می‌باشد. حال آنان چگونه خواهد بود بدان هنگام که فرشتگان مأمور قبض ارواح به  
 سراغ‌شان می‌آیند و چهره‌ها و پشت‌ها (و سایر اندام‌های) ایشان را به زیر ضربات خود  
 می‌گیرند؟! این گونه (جان برگرفتن ایشان) بدان خاطر است که آنان بدنبال چیزی  
 می‌روند که خدای را بر سر خشم می‌آورد، و از چیزی که موجب خوشنودی او است  
 بدشان می‌آید، و لذا خداوند کارهای (نیک) ایشان را باطل و بیسود می‌گرداند.

الله متعال در این آیات از حالت کسانی که به ایمان و هدایت پشت کرده و بسوی گمراهی  
 و کفران روی گردانیده اند آگاهی میدهد، گمراهی و به بیراهه رفتن همچون اشخاص  
 روی هیچ دلیلی نیست جز اینکه شیاطین کارهای زشت شان را برای آنها زینت بخشیده  
 و به راه خود سوق میدهند، روی این ملحوظ کسانی که راه شیاطین را به خود انتخاب  
 کنند عاقبت آنها مواصلت به شقاوت ابدی و عذاب سرمدی می‌باشد.<sup>3</sup>

### 6-ممانعت از تقرب و مقامات والای انسانی :

چنانچه که الله متعال می‌فرماید: وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ  
 الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ ، (وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هُوَ  
 فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمَلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا  
 فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ .<sup>4</sup>

**ترجمه:** (ای پیغمبر!) برای آنان بخوان خبر آن کسی را که به او (علم و آگاهی از)

1-سوره حشر /16.

2-سوره محمد/25-28.

3-تفسیر(تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان) للسعدی: ج1/ ص 789.

4-سوره اعراف/175-176.

آیات خود را دادیم (و او را از احکام کتاب آسمانی پیغمبر روزگار خود مطلع ساختیم) اما او از (دستور) آنها بیرون رفت (و بدان‌ها توجه نکرد) و شیطان بر او دست یافت و از زمره گمراهان گردید. اما ما اگر می‌خواستیم مقام او را با این آیات بالا می‌بردیم و (دانشش را مایه سعادتش می‌نمودیم. اما اجبار برخلاف سنت ما است و لذا او را به حال خود رها ساختیم) لیکن او به زمین آویخت (و به پستی گرائید و به سوی آسمان هدایت بالا نرفت) و از هوی و هوس خویش پیروی کرد. مثل او بسان مثل سگ است که اگر بر او بتازی، زبان از دهان بیرون می‌آورد و اگر هم آن را به حال خود واگذاری، زبان از دهان بیرون می‌آورد. این داستان گروهی است که آیات ما را تکذیب می‌دارند. (چنین افرادی بر اثر آرزوپرستی و دنیاپرستی، دائماً در پی مال‌اندوزی روان و نالانند و از ترس زوال نعمت و هراس از مرگ بیقرار و بی‌آرامند). پس داستان را بازگو کن بلکه بیندیشند (و از کفر و ضلال برگردند).

### خاتمه و نتایج بحث

الحمد لله اولاً و آخراً، وله الشكر والامتنان على ما تفضل به من النعم والعرفان، والصلوة والسلام اولاً و آخراً على النبي الخاتم وعلى آله وصحبه وسلم.

وبعد : به فضل و توفیق الله متعال تحقیق روی موضوع " ولی و ولایت از نظر قرآن کریم " را تا آنجا که توان داشتیم به اتمام رسانیدم ، امید است احاطه پسندیده ی روی موضوع کرده باشیم ، اگر تقصیری در یکی از جوانب بحث وجود داشته باشد از نارسایی من است امید میبرم تحقیق روی موضوع یک مقدمه خوب برای تحقیقات بعدی و یک وسیله خوبی جهت آگاهی متقاضیان معلومات در بخش های علوم قرآنی بوده باشد.

از خلال بحث به مجموعه ی از نتایج دست یافتیم که مهمترین آنها قرار ذیل اند:

1- کلمه ولی مفهوم گسترده ی را افاده میکند که در اصطلاحات شرعی و علوم قرآنی به معانی متعددی اطلاق شده و مصداقات زیادی را از قبیل سرپرستی ، سلطه و حاکمیت ، دوستی و محبت شامل میگردد.

2- ولایت وصف و یا صفتی است که ولی به آن متصف بوده و در نتیجه آن بنده مؤمن و متقی آن مقام ولایت را بدست آورده مورد نصرت و یاری الله متعال قرار میگیرد.

3- ایمان کامل و عقیده راسخ به ذات و صفات الله متعال همراه با تقوا از مهمترین اسباب ولایت بوده و الله متعال در تعریف دوستان خود همین دو صفت را معیار قرار داده است.

4- ولایت از نبوت مجزا بوده و نسبت در میان ولایت و نبوت عموم و خصوص من وجه میباشد (هر نبی ولی بوده میتواند اما هر ولی نبی بوده نمیتواند)

5- در ولایت بعد از ایمان و تقوا ، اتباع از الله متعال و رسول الله صلی الله علیه و سلم و عمل به فرایض و واجبات ، واجتناب از منهیات شرط میباشد.

6- تقرب جستن به الله متعال و رسیدن به درجه دوستی الله متعال به وسیله روی آوردن به ذکر و انکار ، علاقه با قرآن کریم و عمل به نوافل حاصل میگردد ، هرگاه بنده مؤمنی به این مقام رسید در حفظ و حمایت الله متعال قرار گرفته از گناهان و معاصی دور میگردد.

7- ولی و ولایت در قرآن کریم به معنای دوست ، همکار ، یاری دهنده استعمال شده است بناء افرادی را که در امر زنده گی با هم دوست و همکار باشند اولیای همدیگر گفته میتوانیم.

8- ولی یکی از صفات الله متعال بوده که به معنای ناصر و یاری دهنده بنده ها میباشد بناء نسبت این کلمه به الله متعال نیز درست میباشد.

9- ولایت به معنای دوستی در مقابل دشمنی بوده بنا براین ولایت مشتمل بر اتباع ، مسئولیت ، تدبیر قدرت و عمل کرد ها میشود.

10- مقام ولایت که مؤمنان به آن متصف میشوند دو نوع بوده 1- ولایت عامه یعنی تمام مؤمنانی که تقوا داشته و به اوامر الهی پایند باشند اولیاء الله گفته میتوانیم 2- ولایت خاصه اولیای خاص کسانی اند که به درجه کمال تقوا و طاعت رسیده و کوچکترین ترین حرکتی را که در آن رضای الله متعال نباشد انجام نمیدهند.

11- کار برد لفظ ولی و ولایت در قرآن کریم گسترده بوده و در هر مقام میتوانیم همان معنای کار بردی رعایت کنیم مثلاً در آیه (وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوْلِيًا مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ.. نمیتوانیم لفظ "موالی" را دوست و مقرب معنا نماییم.

12- در قرآن کریم کلمات دیگری از لفظ ولی و ولایت اشتقاق شده و به معانی خاصی دیگری استعمال شده است.

13- اولیاء الرحمن و اولیاء الله از اصطلاحات خاص قرآنی بوده و الله متعال در قرآن کریم دوستان مقرب خود را به این نام یاد کرده است.

14- اولیاء الرحمن بنده های مقرب الله متعال بوده اما این مقام با ادعا و نام گذاری نه بلکی بارعایت اسباب و اتصاف به اوصاف حاصل میشود.

15- در نسبت اولیاء الله یا اولیاء الرحمن رابطه دوستی از هر دو جانب رعایت کرده میشود ( این شخص با پیروی از دستورات الله متعال از وی اطاعت نموده و او را دوست می دارند. و یا ولی الله کسی است که الله متعال به نسبت طاعت و قربتش او را دوست داشته است.

16- عصیان منافی دوستی است پس اولیاء الرحمن کسانی اند همراه با ایمان و تقوا در هیچ موردی و در هیچ لحظه از لحظات زنده گی از الله متعال نافرمانی نمیکنند چنانکه گفته اند :

تعصى الإله وتزعم حبه ... هذا لعمرى في القياس شنيع

لو كان حُبُّكَ صادقاً لأطعته ... إن المحبَّ لمن يحبُّ مُطيعٌ

17- در نتیجه رسیدن بنده به مقام اولیاء الرحمن سه امر مهم را نصیب میشود:

1 - شرح صدر 2 - معرفت حق و باطل. 3 - محو سیئات و آمرزش گناهان کبیره.

18- مواصفات اخلاقی چون: وفا به عهد، عدم نقض پیمان، صله رحمی و رعایت حقوق الله و بندگان صبر در برابر مشکلاتها و مصائب، اجتناب از دروغ و غیره..: از شروط و اسباب مهم رسیدن به مقام ولایت و شامل شدن در صف اولیاء الرحمن میباشد.

19 - با آنکه بنده های مقرب الله متعال به اسم اولیاء الرحمن یاد میشوند اما شامل انواع و اقسام بوده و از لحاظ درجات و تفاضل از هم متفاوت اند.

20- اولیاء الشیطان گروه از انسانها است که در دام فریب کارانه شیطان افتیده و از آن پیروی میکنند.

21- اولیاء الشیطان عبارت از کسانی اند که اطاعت از شیطان نموده و مأمور به امر شیطان می باشند، آنچه را که از جانب رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمده است مخالفت می کند.

22- قرآن کریم از دشمنی شیطان برای انسانها و وسوس فریبکارانه شیطان علیه آنان خبر داده است و در معرفی دوستان شیطان از جملات "اولیاء الشیطان و اولیاء الطاغوت" استفاده شده است.

23- در قرآن کریم به غرض معرفی اولیاء شیطان اوصاف و اسباب زیادی ذکر شده است که شیطان به هدف جلب دوستانش و گمراه سازی آنان استفاده میکند و مؤمنان میتوانند دوستان شیطان را با آن اوصاف شان بشناسند.



24- دوستی با شیطان آثار زشتی را در دنیا و آخرت به پیروان خود به بار میآورد و از آثار بد دوستی با شیطان، یکجا محسوس شدن شیطان با اتباعش در روز قیامت: بیزاری شیطان از اتباعش در روز قیامت، ورود شیطان و اولیای آن در آتش دوزخ میباشد.

پیشنهادهات :

- 1- ترجمه کتاب های مرتبط به موضوع از زبان عربی به زبان دری
- 2- نوشتن مقالات و کتاب های کم حجم در رابطه به موضوع به زبان دری
- 3- ایجاد سیمینار های علمی در رابطه به موضوع در سطح پوهنتون ها
- 4- تربیه متعلمین و محصلین با صفات اولیا الرحمن و بیان صفات اولیای شیطان و تشویق آنها به اجتناب از این اشخاص و صفات آنها

فهرست آیات قرآن کریم (به ترتیب سوره ها)  
آیات سوره فاتحه

شماره	آیات	سوره	صفحه
1	أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ	6	28
2	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ	7	28

## آیات سوره بقره

شماره	قسمت آیت	آیه	صفحه
1	(ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ	64	35
2	(وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ	257	2
3	اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ	257	12-1 -21
4	فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ	102	81
5	أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ	286	22
6	إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ	166	101
7	وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كَرِهْنَا لَنَّا كَرِهْنَا فَنَتَّبِعَهُم مِّنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا	167	102
8	يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّهُمْ مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ	168	106-89
9	وَتَرَوُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ	197	40
10	لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ	198	44
11	( تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ	253	66

80-74	257	(اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ)	12
40	265	وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيْتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ	13

## آیات سوره آل عمران

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	( وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ )	68	1
2	مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ	72	18
3	(إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا	68	29
4	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ	7	44
5	وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ	103	72
6	وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ	105	72
7	(بَلِ اللَّهِ مَوْلَى كُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ	150	74-35
8	ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نَّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ وَطَائِفَةٌ	156	42
9	إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ	175	105-38

## آیات سوره النساء

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	(وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوْلَىٰ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدْتُمْ أَيْمَانَكُمْ	33	33

2	119	(وَلَا ضَلَّانَهُمْ وَلَا مَنِّيَّهُمْ وَلَا مَرْتَنَهُمْ فَلْيُبَيِّنَنَّ عَادَانَ الْأَنْعَمِ	2
99-26	119	( وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا	3
29	69	(وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ	4
44	103	فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ فِيمَا وَفَعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ	5
90	-117 120	إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا	6

## آیات سوره مائده

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ	51	24-13
2	(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...	55	-22-13
3	يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ	54	23
4	وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ	56	58
5	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ	90	87

## آیات سوره انعام

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ اتَّخَذَ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ	14	33-15

100	71	قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا	2
94	112	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ	3
85	118	(فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ	4
82	121	(وَإِنَّ الشَّيْطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجِدَلُوكُمْ	5
83	122	وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ	6
72	159	إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَأَنتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ	7

## آیات سوره اعراف

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	(اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَآءَ	3	18
2	فَقَوْلَىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي....	79	
3	قَالَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ	18	103-97
4	بِئْسَ بَنِي آدَمَ لَا يَفْقَهُنَّكُمْ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ	27	105
5	فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيْطِينَ أَوْلِيَآءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ	30	26
6	وَأَنْتَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ،	175	108

108	176	(وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هُوَ ئَهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ	7
22-14	196	إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ..	8

## آیات سوره انفال

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ	2	64-54
2	وَإِذَا تَلَّيْتِ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ	3	54
3	وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ	73	24
4	يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَكُمْ	27	73
5	يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ	29	39
6	(وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَكُمْ نِعَمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعَمَ الْنَصِيرِ	40	35
7	وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا	74	69

## آیات سوره توبه

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ	67	24
2	وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ	71	75-34-23

3	یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ	123	15
4	وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَن يَفُوقُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا	124	58

## آیات سوره یونس

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	(أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	62	40-37-12-2
2	أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ،	63	68
3	(لَهُمُ الْبَشَرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ	64	64-60

## آیات سوره یوسف

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	وَاتَّبَعَتْ مَلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ	38	41

## آیات رعد

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	(لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ	11	36
2	الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ	20	51
3	وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ	21	52
4	وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ	22	53

60-53	23	جَنَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ	5
53	24	الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ	6

## آیت سوره ابراهیم

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَّ الْحَقُّ	22	102-95- 91

## آیت سوره حجر

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	(وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ	43	103
2	وَالجَّآنَ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ	27	78
3	وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ	35	96

## آیات سوره نحل

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ	98	93
2	ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجِدْ لَهُم بِالَّتِي	125	70

## آیات سوره اسراء

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه



65	21-18	مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ...	1
92	27	إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا	2
	29	وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ التَّبْسِطِ	3
42	36	وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ	4
66	55	(وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ	5
66	97	لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ	6
32-16	111	وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا	7

## آیات سوره كهف

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا	44	17
2	وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ	50	79

## آیات سوره مریم

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوْلِيَّ مِنِّي وَرَأَيْتُكَ وَكَانَتْ أُمَّرَاتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا	5	32-16- 12

92	42	(إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ	2
96	44	يَأْتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا	3
101	68	فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيْطِينَ ثُمَّ لَنَحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا	4

## آیات سوره طه

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	(فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ	117	97
2	قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَايَأْتِيَنَّكُمْ مَنِّي هُدًى	124	98

## آیات سوره حج

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجِدِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ	7-3	85-82
2	وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ	24	45
3	يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَرْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ	77	70

## آیات سوره مؤمنون

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
11	قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ.... چ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ	5-1	55

55	8	وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رُءُوفُونَ	2
54-49	3	(وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ	3
47	9	وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ	4
60	11	الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفَرْدَوَسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	5

## آیت سوره نور

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	وَالَّذِي تَوَلَّىٰ كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ	11	

## آیات سوره فرقان

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا	29	107-50
2	(وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ	63	55-49-48-43
3	وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا	64	48
4	وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرَّةَ أَعْيُنٍ	65	51
5	وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا	72	56
6	وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا	73	57
7	وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرَّةَ أَعْيُنٍ	74	50

60	75	أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعَرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا	8
----	----	---	---

## آیات سوره شعراء

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	فَكَذَّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْعَاوُنَ ، وَجُنُودَ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ،	102-94	104

## آیت سوره نمل

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَرَبِّينَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلُهُمْ	24	95
2	وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ	19	.

## آیت سوره قصص

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ	55	56
2	ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ ....	24	

## آیات سوره عنكبوت

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	(وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ)	22	32-31

16	41	مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا	2
----	----	--	---

## آیات سوره لقمان

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	يُنَبِّئِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ	17	45
2	رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ	12	.
3	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا	21	103

## آیت سوره فاطر

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ	29	44

## آیت سوره یس

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	(أَلَمْ أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ بَيْنِي ءَادَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ	60	80

## آیات سوره زمر

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مَنْ رَبِّهِ	22	39
2	ثُمَّ تَلَيْنِ جُلُودَهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ	22	

## آیات سوره محمد

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	(ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ	11	22
2	إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ	12	68
3	أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا	24	71
4	إِنَّ الَّذِينَ أَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا نَبَّيْنَا لَهُمُ الْهُدَىٰ	25-28	108-91

## آیات سوره حجرات

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا	6	74
2	يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ	11	46
3	يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا	13	61

## آیت سوره ذاریات

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ	56	78

## آیات سوره واقعه

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ، لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ ، خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ....	1-12	62

27	14-7	وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ، فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ،	2
----	------	--	---

## آیات سوره مجادله

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	(أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِمَّا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ	14	34
2	اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَى هُمَ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ	19	99
3	لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ	22	75

## آیات سوره حشر

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
11 11	وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ	9	73
2	كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ	16	107

## آیت سوره منافقون

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	وَاللَّهِ الْعِزَّةُ لِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ	8	39

## آیت سوره تحریم

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	( فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَلِحُ الْمُؤْمِنِينَ	4	61

## آیت سوره انسان

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا....	12-3	41
2	إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ - لَوْجِهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا	9	

## آیت سوره اعلى

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	(قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى)	14	49

## آیات سوره عصر

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ،	3-1	45

## آیات سوره نصر

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ	3-1	43

## آیات سوره الناس

شماره	قسمت آیت	شماره آیت	صفحه
1	مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ، الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ.....	6-4	94



## فهرست احاديث

شماره	قسمت حديث	راوي حديث	درجه حديث	صفحه
1	«أَبْغِضْ فِي اللَّهِ وَوَالِ فِي اللَّهِ وَعَادِ فِي اللَّهِ»	ابن عمر	ضعيف له المتابعة	61
2	«أَحِبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْفَعَهُمُ لِلنَّاسِ،»	عمر	صحيح	71
3	« أَحِبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا »	اسامه بن شريك	صحيح	70
4	«أَحِبَّ فِي اللَّهِ وَأَبْغِضْ فِي اللَّهِ وَوَالِ فِي اللَّهِ»	ابن عمر	صحيح	46
	« أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا،»	ابوهريره	متفق عليه	52
5	« أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ»	ابي ذر	ضعيف	47
6	« إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِبِي الْمُتَّقُونَ مَنْ كَانُوا وَحَيْثُ كَانُوا»	معاذ بن جبل	اسناده جيد	61
7	«إِنَّ اللَّهَ قَالَ مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ»	ابوهريره	اخرجه البخاري	-19 -27 -71
8	« أَيُّمَا امْرَأَةٍ نَكَحَتْ بِغَيْرِ إِذْنِ وَلِيِّهَا»	عايشه صديقه	متفق عليه	24
9	«إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ»	ابوهريره	متفق عليه	73
10	« تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاحِمِهِمْ وَتَوَادِهِمْ وَتَعَاظِفِهِمْ»	نعمان بن بشير	اخرجه البخاري	24
11	«فَإِذَا أَكَلْتَ فَسَمِّ اللَّهَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ»	عمر بن سلمه	متفق عليه	15
12	«ما صلى النبي (صلى الله عليه وسلم) صلاة بعد أن نزلت عليه (إذا جاء نصر الله)»	عايشه صديقه	متفق عليه	43
13	« مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ»	ابوهريره	متفق عليه	46
14	« مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ وَأَعْطَى لِلَّهِ»	ابي امامه	صحيح	38
15	« من صلى بعد العشاء الآخرة ركعتين أو أكثر»	ابن عباس	صحيح	48

24	متفق علیه	ابوموسی اشعری	«الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا	16
69	صحیح اخرجه مسلم	ابوهریره	«لا تدخلوا الجنة حتى تؤمنوا، ولا تؤمنوا حتى تحابوا،	17
ب	حسن صحیح	ابوهریره	: « لا يَشْكُرُ اللهُ مَنْ لا يَشْكُرُ النَّاسَ	18
19	اخرجه البخاری	ابوهریره	«وما تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِمِثْلِ أداء ما افترضت عليه	19
71	اخرجه البخاری	ابوهریره	«وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أَحِبَّهُ	20
11	متفق علیه	عمر بن ابی سلمه	« وَكُلُّ بِيَمِينِكَ، وَكُلُّ مِمَّا يَلِيكَ	21
47	صحیح علی شرط الشیخین	معاذ بن جبل	«اليسير من الرياء شرك ، ومن عادى أولياء الله فقد بارز الله بالمحاربة	22

## فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
1	ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا الرازی،	17
2	ابن تیمیة شیخ الاسلام احمد بن عبد الحلیم، بن عبدالسلام بن عبد الله ابن تیمیة الحرانی	13
3	ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی	8
4	ابن عابدین اسمش محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز مشهور به ابن عابدین	19
5	ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد بن ابی حاتم بن ادريس	63
6	ابن کثیر، محمد بن إسماعیل بن عمر بن کثیر،	62
7	ابو همزه محمد بن کعب بن سلیم بن اسد، القرظی کوفی	62
8	بغوی، حسین بن مسعود بن محمد، الفراهی، البغوی	99
9	جرجانی، علی بن محمد بن علی ابوالحسن معروف به سید شریف جرجانی	13
10	جوهری ابونصر اسماعیل بن حماد	11
11	دکتور وهبه مصطفی زحیلی	14
12	سدی، اسماعیل بن عبدالرحمن بن ابی کریمه	63
13	سیوطی، جلال الدین ابو الفضل عبدالرحمن بن ابی بکر بن محمد بن سابق الدین الحضیری السیوطی	85
14	شوکانی، محمد بن علی بن محمد الشوکانی	21
15	محمد بن عبدالوهاب، بن سلیمان تیمی النجدی.	37

## فهرست منابع

القرآن الكريم.

- 1- اصول الايمان فى ضوء الكتاب والسنة: المؤلف : نخبة من العلماء، الطبعة الأولى، الناشر : وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، تاريخ النشر : 1421هـ.
- 2- أولياء الصوفية عند ابن تيمية في الفرقان: إعداد الطالب: الزهراني، موسى بن محمد بن هجاد جامعة القاهرة -كلية دار العلوم - قسم الفلسفة الإسلامية، تحت إشراف الأستاذ الدكتور: عبد الفتاح أحمد الفاوي، السنة التمهيدية للماجستير بقسم الفلسفة الإسلامية بكلية دار العلوم، الطبع، 2004م.
- 3- إزالة الخفاء عن خلافة الخفاء: تأليف:دهلوي،محدث هند شاه ولي الله رحمه الله،تصحيح و مراجعه:سيد جمال الدين هروي.سال طبع 2009م.
- 4- اسم الله الولي: فضيلة الشيخ محمد الدبيسي، الطبعة الأولى، 1427هـ / 2006م
- 5- اسباب اختلاف الفقهاء: التركي، دكتور عبد المحسن بن عبد الله، ب-ت.
- 6- انديشه نو پيرامون اختلافات: ابو اسامه، سال طبع، 1388
- 7- اتحاف اهل السنة العدول فى بيان الستة الاصول: فضيلة الشيخ عبدالله بن صالح العبيلان، الطبعة الاولى، 1439هـ 2018م.
- 8- الاعلام:خير الدين، الزركلى، ط (1400) هـ، دارالعلم للملايين الطبعة الخامسة.
- 9- الأولياء: لابن أبي الدنيا:مصدر الكتاب:موقع جامع الحديث المكتبة الترونيكي الشاملة
- 10- بدائع الفوائد: الزرعي،محمد بن أبي بكر أيوب أبو عبد الله، الناشر : مكتبة نزار مصطفى الباز - مكة المكرمة، تحقيق : هشام عبد العزيز عطا - عادل عبد الحميد العدوي أشرف أحمد الج، الطبعة الأولى ، 1416ق - 1996 م.
- 11- تاج العروس من جواهر القاموس: محمّد بن محمّد بن عبد الرزّاق الحسيني، أبو الفيض ، الملقّب بمرتضى ، الزّبّيدي، (1250هـ)تحقيق مجموعة من المحققين،الناشر دار الهداية.
- 12- تفهيم القرآن: ابو الاعلى مودودي، ب-ت ،
- 13- التعريفات: علي بن محمد بن علي الجرجاني، تحقيق : إبراهيم الأبياري، الناشر : دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة الأولى ، 1405هـ.

- 14- **تبسيط العقائد الإسلامية:** حسن أيوب، الناشر: دار القرآن الكريم للعاية بطبعه ونشر علوم الإتحاد الإسلامي العالمي للمنظمات الطلابية، 1400 هـ - 1980 م.
- 15- **التوقيف على مهمات التعاريف:** محمد عبد الرؤوف المناوي، تحقيق: د. محمد رضوان الداية، الناشر: دار الفكر المعاصر، دار الفكر - بيروت، دمشق، الطبعة الأولى، 1410 هـ.
- 16- **تفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج:** د وهبة بن مصطفى الزحيلي، الناشر: دار الفكر المعاصر - دمشق، الطبعة: الثانية، 1418 هـ.
- 17- **تفسير روح المعاني في القرآن العظيم والسبع المثاني:** محمود الألوسي أبو الفضل، الناشر: دار إحياء التراث العربي بيروت.
- 18- **تفسير السعدى المعروف بـ (تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان)** سعدى، عبدالرحمن بن ناصر السعدي ط(1420) هـ المكتبة السلفية.
- 19- **تفسير في ظلال القرآن:** سيد قطب، <http://www.altafsir.com>، الكتاب مرقم آليا غير موافق للمطبوع.
- 20- **تفسير معالم التنزيل:** محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود البغوي المتوفى 516 هـ. المحقق: حقه وخرج أحاديثه محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضميرية - سليمان مسلم الحرش، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الرابعة، 1417 هـ - 1997 م
- 21- **تفسير الميسر لمجموعة من العلماء:** نخبة من العلماء، اشراف: وزارة الاوقاف والدعوة، طبع المجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ط2، المملكة العربية السعودية، 1430 هـ.
- 22- **تفسير القرطبي:** أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671 هـ. تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية، القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384 هـ - 1964 م.
- 23- **تفسير جامع البيان في تأويل القرآن:** محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، 224 - 310 هـ. المحقق: أحمد محمد شاکر، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 2000 م.

- 24- تفسير احكام القرآن ابوبكر الجصاص ، احمد بن على ط(1422) هـ دارالكتب العلمية بيروت.
- 25- تفسير ابن أبي حاتم: ابن أبي حاتم الرازي، الكتاب مرقم آليا غير موافق للمطبوع.
- 26- تفسير زاد المسير في علم التفسير، جمال الدين ابوالفرج عبدالرحمن بن على بن محمد الجوزي،(1422) هـ تحقيق عبد الرحمن المهدي دارالكتاب العربي بيروت الطبعة الاولى.
- 27- تفسير فتح القدير، الشوكاني، محمد بن على بن محمد المعروف بالشوكاني، [ت 1250 هـ] ط، (1407) هـ ق ط1، (علق عليه و خرج آياته و احاديثه الشيخ عبدالرزاق المهدي)، دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة الثانية دارالكتب العلمية بيروت.
- 28- التحرير والتنوير: ابن عاشور محمد طاهر بن محمد بن محمد بن محمد طاهر بن عاشور التونسي، (1984م) ط (تحرير معنى السديد، وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد) دارالتونسية.
- 29- تفسير الطبري لإجامع البيان في تأويل القرآن المؤلف : محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، [ت 224 - 310 هـ] المحقق : أحمد محمد شاكر الناشر مؤسسة الرسالة
- 30- تفسير الكبير المعروف بمفاتيح الغيب المؤلف : أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي دارالنشر بيروت المكتبة العلمية (1418) هـ
- 31- تفسير الشعراوي:
- 32- تفسير الوسيط: محمد سيد الطنطاوي، الكتاب مرقم آليا غير موافق للمطبوع .
- 33- تفسير ابوسعوى المسمى ب إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم المؤلف : أبو السعود ، محمد بن محمد بن مصطفى العمادي موقع التفاسير المكتبة الترونيكي الشاملة
- 34- تفسير انوار القرآن:
- 35- تفسير فارسي نور خرم دل: مصطفى خرمدل، مكتبة الكترونيكي قلم.
- 36- تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام الرحمن: عبدالرحمن السعدي، (1376هـ) تحقيق: عبدالرحمن بن معلا اللويحق، مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى

- 1420هـ.
- 37- الحاشية على الرد المحتار: ابن عابدين محمد امين ابن عابدين ط(1415)هـ ، دارالكتب العلمية بيروت الطبع الاولى.
- 38- الخلاصة في شرح حديث الولي: علي بن نايف الشحود.
- 39- سنن ابن ماجه: محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار الفكر - بيروت.
- 40- سنن الترمذي: محمد بن عيسى بن سورة (ت279) تحقيق أحمد شاکر وآخرين، دار إحياء التراث العربي، بيروت.
- 41- السلسلة الصحيحة: محمد ناصر الدين الألباني، الناشر: مكتبة المعارف - الرياض.
- 42- شرح الأصول الثلاثة: لمحمد بن عبدالوهاب الشارح الشيخ خالد المصلح.
- 43- شذرات الذهب في أخبار من ذهب: (ت 1032 و1089)هـ ق عبد الحي بن أحمد العكري الدمشقي (الكتاب مدقق مرة واحدة) دار النشر: دار الكتب العلمية بيروت .
- 44- الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية: إسماعيل بن حماد الجوهري (ت393هـ). الناشر: دار العلم للملايين- بيروت. الطبعة: الرابعة- يناير 1990.
- 45- صحيح البخارى: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي(256)هـ ، الناشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا أستاذ الحديث وعلومه في كلية الشريعة - جامعة دمشق، الطبعة الثالثة ، 1407 - 1987
- 46- صحيح مسلم: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري،(261)هـ تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- 47- صحيح وضعيف سنن ابوداود: الالبانى محمد ناصرالدين ، ط (1419)هـ مكتبة المعارف الرياض ط1.
- 48- صفوة التفاسير: محمد على الصابوني، الاستاد بكلية الشريعة بجامعة ملك عبدالعزيز مكة المكرمة السعودى بترجمة فارسى مترجم محمد طاهر حسيني طبع تهران چاپ خانه اسوه.
- 49- الدرر السنية: محمد بن عبدالوهاب، بن سليمان التيمي النجدي ط (1423) هـ الطبعة الرابعة الرياض .

- 50- طبقات الحنابلة المؤلف : ابن أبي يعلى الموقع المكتبة الكترونيكي الشاملة.
- 51- الطريق إلى الجنة: فضيلة الشيخ عبد المجيد بن يوسف الشاذلي، الطبعة الإلكترونية الأولى، أبريل 2007. [/http://www.alsnazly.net](http://www.alsnazly.net).
- 52- فرهنگ معارف اسلامي: دكتور سيد جعفر سبحاني.
- 53- فرهنگ معين: دكتور محمد معين مكتبة الكترونيكي شامله.
- 54- فرق بين اولياء الرحمن واولياء الشيطان: احمد بن عبدالحكيم، ترجمه: دكتور محمد ابراهيم بلخي، سال نشر 1388هـ.
- 55- الفقه الاسلامي و ادلته: وهبه مصطفى الزحيلي، (1418):. الطبعة الرابعة دار الفكر بيروت لبنان.
- 56- قاموس قرآن فارسي: سيد على اكبر قرشي، ناشر: دار الكتب الاسلاميه، 1395هـ ق مطابق 1354هـ ش.
- 57- كلييات اسلام: ابوبكر الجزائري، ترجمه: عبد العزيز سليمي، سال انتشار: 1394هـ ش 1436هـ ق.
- 58- كتاب التوحيد: محمد بن عبد الوهاب بن سليمان التميمي، (1206هـ) دراسة وتحقيق: عبد العزيز بن عبد الرحمن السعيد وغيره، الناشر: جامعة الأمام محمد بن سعود، الرياض، المملكة العربية السعودية.
- 59- لباب النقول في أسباب النزول: جلال الدين السيوطي، ضبطه وصححه: الاستاذ أحمد عبد الشافي، دار الكتب العلمية بيروت - لبنان.
- 60- لسان العرب: ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي ابوالفضل جمال الدين ابن منظور الانصارى رويعى الافريقي (1414)هـ دارالصادر بيروت الطبعة الثالثة،
- 61- لوامع الأنوار البهية وسواطع الأسرار الأثرية لشرح الدرّة المضية في عقد الفرقة المرضية: شمس الدين، أبو العون محمد بن أحمد بن سالم السفاريني الحنبلي (المتوفى : 1188هـ) الناشر : مؤسسة الخافقين ومكتبتها - دمشق، الطبعة : الثانية - 1402 هـ - 1982 م.
- 62- مجموع فتاوى ابن تيمية: ابوالعباس احمد بن عبدالحليم بن تيميه، (728هـ). دراسة وتحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية - 1416هـ/1995م.



- 63- **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد:** للحافظ نور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي المتوفى سنة (807هـ). بتحرير الحافظين الجليلين: العراقي وابن حجر، الطبعة دار الفكر، بيروت، طبعة 1412 هـ، الموافق 1992 ميلادي.
- 64- **مسند الإمام أحمد بن حنبل:** أحمد بن حنبل، المحقق : شعيب الأرنؤوط وآخرون، الناشر : مؤسسة الرسالة، الطبعة : الثانية 1420 هـ ، 1999م.
- 65- **مفاتيح الغيب :** المؤلف : الإمام العالم العلامة والحبر البحر الفهامة فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي، دار النشر : دار الكتب العلمية . الطبعة : الأولى- بيروت - 1421 هـ - 2000 م.
- 66- **الموالاتة والمعاداة في الشريعة الإسلامية:** محماس بن عبد الله بن محمد الجلود (المتوفى: 1428 هـ)، الناشر: دار اليقين للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، 1407 هـ - 1987 م.
- 67- **مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج:** محمد الخطيب الشربيني،
- 68- **موسوعة خطب المنبر:** موسوعة شاملة للخطب التي تم تفرغها في موقع شبكة المنبر <http://www.alminbar.net> حتى تاريخ 2007/6/15م، ويبلغ عددها أكثر من 5000 خطبة، معظمها مخرجة الأحاديث، والعديد منها بأحكام الشيخ الألباني - طيب الله ثراه، وهي مفهومة بعنوان الخطبة واسم الخطيب حتى يسهل الوصول إلى موضوع معين.
- 69- **نزهة الأعين النواظر في علم الوجوه والنظائر:** جمال الدين أبي الفرج عبد الرحمن بن الجوزي، دار النشر : مؤسسة الرسالة - لبنان / بيروت الطبعة : الأولى - 1404 هـ - 1984 م.
- 70- **الولاء والبراء:** محمد بن سعيد القحطاني.

## **Summary of the topic**

The subject of the research is "Wali and Wilayah according to the Holy Quran in terms of terms and concepts in the sources.

Scientific and commentary books have been studied, but guardianship is one of the important issues that have been mentioned in the verses of the Holy Quran and the hadiths of the Prophet (peace and blessings of Allaah be upon him) and the books of beliefs. In this treatise, the definition of guardianship and guardianship and its application in the Holy Quran, firstly, the attributes and their position and the way in which divine guardianship is discussed, as well as the definition, the devil and the introduction of the guardians of the devil in the Holy Quran, the effects and results of guardianship The governor or the owner of the province is the same believing and negative person who has always lived his life in the light of faith and adheres to his duties and obligations, and avoids vices, and the meaning of "province" on the other side of the province is obedience and The servitude of God Almighty remained, by which the believer's relationship with God Almighty was established and he was protected from evil enmity and equality against the evil temptations. On one of the most important religious and Quranic issues, being guided to the right path and reaching the position of governor without any issue is a local issue regarding the Shari'a. Other mammary fevers have been studied axially and theoretically.

The importance of these two words (guardianship and guardianship) is that they are related to the matter of belief and faith, and the relationship between the servant and his state, and guardianship is the way to achieve piety and fear, but guardianship is in It will not be possible according to the divine commands. Every Muslim should set the goal of his religious and worldly life according to the instructions of God Almighty and His Prophet.

**Keywords: Wali, Wilayah, the guardians of the Most Merciful, the guardians of the devil**

**Salam University**  
**Faculty of Sharia & Law**  
**Master Program in**  
**Tafseer & Hadith**



**Islamic Emarat of**  
**Afghanistan**  
**Ministry of Higher**  
**Education**  
**DM of Academic Affairs**

# **Wali & Wilayah in the Holy Quran**

## **A Master's Thesis**

**Student: Halima "Halimy"**  
**Supervisor: Dr. Abdul Bari Hamidi**

**Year: 2022**



**Salam University**  
**Faculty of Sharia & Law**  
**Master Program in**  
**Tafseer & Hadith**



**Islamic Emarat of**  
**Afghanistan**  
**Ministry of Higher**  
**Education**  
**DM of Academic Affairs**

# **Wali & Wilayah in the Holy Quran**

**A Master's Thesis**

**Student: Halima "Halimy"**  
**Supervisor: Dr. Abdul Bari Hamidi**

**Year: 2022**